بیانیه چشم‌انداز ..... ۲ بیانیه ماموریت ..... ۲ پیام بنیان‌گذار ۳

پرونده اول: لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان ۵

گزارش عملکرد واحدهای انجمن حمایت از حقوق کودکان در سال ۹۷ . . . . . ۱۱

پرونده دوم: کنگره کودکی، توسعه و سیاست‌گذاری اجتماعی ۳۱

پرونده سوم: کرمانشاه ادامه دارد ۳۹

همراه با داوطلبان و مسئولین انجمن حمایت از حقوق کودکان ۴۳

بیانیه‌ها، نامه‌ها و نشست‌های تخصصی انجمن حمایت از حقوق کودکان ۵۵

حسن ختام خبرنامه ۷۱

مدیر مسئول و صاحب امتیاز: انجمن حمایت از حقوق کودکان
زیر نظر شورای سردبیری
هیات تحریریه: زهرا ابراهیمی، کامران اله مراد، بهارک بابک، رویا جعفری، امیرحسین حسینی پور، راضیه حمزه‌لو، احسان فاضلی، شبنم فیضی، نیلوفر کامیاب، منصوره یزدانی
ویراستاری: الهام باباخانی، شبنم فیضی
گرافیست: مهشید مهاجر
عکاس: امید دیلمی، امیر ترکی، شروین عظیمی
نشانی دفتر: تهران،خیابان سهروردی شمالی،خیابان قرقاول، پلاک ۳۷
تلفن دفتر: ۸۸۷۳۵۵۹۱
تلفن مددکاری: ۸۸۵۲۱۵۱۵
فکس: ۸۸۵۳۱۱۱۴
آدرس سایت: www.irsprc.org
اینستاگرام: Irsprcorg
تلگرام: Irsprcorg

بیانیه چشم انداز ـ (۱۳۹۶-۱۴۰۰)

انجمن حمایت از حقوق کودکان همواره حامی تمامی کودکان به ویژه کودکانی بوده است که به دلایل مختلف از قبیل شرایط بومی، خانوادگی، اجتماعی، اقتصادی و یا عواملی مانند جنگ، بیماری، قحطی و... از حقوق اولیه خود محروم بوده‌اند.

انجمن حمایت از کودکان با ترویج و آموزش پیمان‌نامه جهانی حقوق کودک بستری را فراهم می‌کند که هیچ کودکی در ایران مورد تبعیض، خشونت و بهره‌کشی قرار نگیرد و زمینه تحصیل و رشد جسمی، ذهنی، معنوی، اخلاقی و اجتماعی همه کودکان فراهم شود.

این انجمن همواره با حساسیت نسبت به اتفاقات مربوط به کودکان، جامعه را نسبت به موضوعات مرتبط با کودکان و حقوق اولیه آن‌ها بر اساس پیمان‌نامه جهانی حقوق کودک حساس کرده و موقعیت یادآوری و مطالبه‌گری نسبت به حقوق کودکان در سطوح قانون‌گذاری، اجرایی و حقوقی را برای خود محفوظ می‌داند.

این سازمان با ترویج فعالیت داوطلبانه، به معیاری جهت انجام فعالیت‌های اجتماعی و مدنی با رویکرد داوطلبانه تبدیل می‌شود.

بیانیه ماموریت ـ (۱۳۹۶-۱۴۰۰)

پس از پیوستن ایران به پیمان‌نامه جهانی حقوق کودک در سال ۱۳۷۲، انجمن حمایت از حقوق کودکان به عنوان اولین سازمانی که با دغدغه حمایت از حقوق کودکان و ترویج پیمان‌نامه حقوق کودک فعالیت خود را آغاز کرد، همواره خود را موظف به ترویج، تبلیغ و آموزش حقوق کودکان با هدف «بهبود وضعیت زندگی همه کودکان» در تمامی سطوح اجتماعی دانسته و می‌کوشد به عنوان سازمانی با نزدیک به ربع قرن فعالیت انسان‌دوستانه، به مرجعی قابل اعتماد جهت مراجعه تمامی نیکوکاران و افراد دارای دغدغه در حوزه کودکان و مسائل پیرامون آن‌ها تبدیل شود.

این سازمان همچنین با بهره‌برداری بهینه از تمامی منابع مالی، انسانی و اجتماعی همواره با ارائه گزارش‌های کمی و کیفی عملکرد به اصول شفافیت و پاسخگویی پایبند بوده است.

مهم‌ترین سرمایه انسانی این سازمان نیروهای داوطلب فعال در انجمن هستند که با دراختیار قراردادن زمان و تخصص خود، اهداف انجمن را حمایت می‌کنند و این سازمان به عنوان یکی از بزرگترین سازمان‌های فعال بر پایه فعالیت داوطلبانه، می‌کوشد تا فرهنگ مسئولیت‌پذیری فردی و اجتماعی را در جامعه رواج دهد.

پیام بنیان‌گذار ـ دکتر شیوا دولت‌آبادی

خانم مهدخت صنعتی را بی‌تردید باید بنیانگذار خلاق و پر شور انجمن حمایت از حقوق کودکان دانست. بلافاصله بعد از پیوستن جمهوری اسلامی ایران به پیمان جهانی حقوق کودک، این خانم صنعتی بود که از تعداد زیادی از کسانی که داوطلبانه و یا حرفه‌ای با دنیای کودکی یا به عبارت دیگر نهاد کودکی سر و کار داشتند دعوت به همدلی و همراهی‌کرد. از یاران شورای کتاب کودک و نهادهای برخاسته از آن، تا حقوق‌دانانی که دغدغه مسایل کودکان با قوانین را داشتند تا هنرمندانی که در کارهایشان تعهد به دنیای بهتر کودکی آشکار بود، تا روانشناسی چون من که آرزو داشتم بشود با بهره‌مند شدن از علم روانشناسی و تعلیم و تربیت انسان‌های خوشبخت‌تر و مسئول‌تری ساخت و البته بسیاری دیگر...

این گونه بود که من هم یکی از این مخاطبین خوش‌شانس شدم و این ایده آن‌قدر مرا جذب کرد که رسماً هم به عنوان یکی از موسسین، فعال شدم.

شرح مفصل و گام به گام شکل‌گیری انجمن نیاز به فرصتی مناسب دارد که امیدواریم در مستندات انجمن، با بهره‌گیری از خبرنامه‌ها، صورت‌جلسات و تاریخ شفاهی انجمن از زبان کسانی که خوشبختانه هستند و عمرشان دراز باد، نوشته و ماندگار شود چرا که می‌تواند چراغ راه شود. شاید بتوان ادعا کرد که ده‌ها انجمنی که اینک با رویکرد حمایتی از کودکان کار می‌کنند، عمدتاً تحت‌تاثیر این انجمن تاسیس شده‌اند.

من فروتنانه از جایگاه یکی از بنیانگذاران انجمن می‌توانم در این پیام بگویم که این نهاد مدنی با هدف متعالی نگاه به ارزشمندی زندگی هر کودک و حق و تکلیفی که لازم است برای زیستن او برآورده شود، شکل گرفته است. با این هدف که انسان‌های کوچک و بی‌دفاع بتوانند در زیر چترهایی از حمایت‌های قانونی-فرهنگی-اجتماعی و اقتصادی ببالند و به بزرگسالانی از هر جهت سالم تبدیل شوند.

چهارچوب پیمان‌نامه جهانی حقوق کودک و پویایی‌های آن راهنمای خوبی برای این نگاه و تلاش حمایت‌گرانه و به ویژه پیش‌گیرانه بوده است.

انجمن نزدیک به ربع قرن در عرصه‌های حمایتی، فرهنگ‌سازی، حساس‌سازی و اقدام‌های عملی در این راستا تلاش کرده و تاثیرگذار بوده است. انسان‌های شریفی که گرانبهاترین سرمایه زندگی خویش یعنی عمر را داوطلبانه در این راه گذاشته‌اند. روح جمعی، باور به اثر بخشی، تعهد اجتماعی نسبت به آینده کودکان و در نتیجه آینده بشر و بسیاری صفات نیک دیگر بهایی است که داوطلبان در زیر سقف‌های انجمن هزینه کرده‌اند.

برای تلاش‌گران این راه که اینک با پشتوانه تلاش‌های همگان در قالب یک ساختار اجتماعی مردم‌نهاد مستحکم شکل گرفته است، آرزوهای بلند و بیش از هر چیز موثر برای حمایت از زندگی شایسته برای کودکان دارم.

مغزهای کودکان هر سرزمین گران‌بهاترین سرمایه‌های آن هستند، هر کودک می‌تواند سهمی در اعتلا و یا فرومایگی جامعه داشته باشد و این قوانین، بزرگسالان و ساختارهای فهیم اجتماعی‌اند که مسئولیت این محصول اجتماعی را بر عهده دارند.

پرونده اول:
لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان

مختصری بر لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان به قلم مطهره ناظری، رییس هیات مدیره انجمن

لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان قانونی پیشگیرانه و تا حدودی حمایتی است و می‌توان گفت که برخلاف قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۸۱، نظام جرایم و مجازات‌ها متناسب هستند. از ویژگی‌های مثبت قانون حمایت از کودکان و نوجوانان که اخیرا در مجلس شورای اسلامی به تصویب رسیده است نوآوری و توجه ویژه به مشکلات کمتر دیده شده کودکان و چالش‌های اساسی حقوق کودک در ایران می‌باشد.

طرح مسائل و آسیب‌های مهمی همچون خودکشی نوجوانان،کودکان دارای اختلال هویت جنسی، حمایت از کودکان بازمانده از تحصیل، کودکان فاقد هویت از اصلی‌ترین موضوعات مطرح شده در این قانون می‌باشد که پیش از این در قوانین داخلی کمتر مورد توجه بوده‌اند.

در این قانون علاوه بر کودکان بزه دیده به کودکان در معرض خطر نیز پرداخته شده است. همان طور که می‌دانیم در حال حاضر، بسیاری از کودکان بزهکار یا بزه‌دیده نیستند، اما در معرض خطر بزهکاری و بزه‌دیدگی قرار دارند و اگر قانون نسبت به آن‌ها توجه کند می‌توان از بزهکاری یا بزه‌دیدگی این کودکان پیشگیری کرد.

در قانون جدید، نظام دادرسی ویژه‌ای برای رسیدگی به جرایم علیه کودکان پیش‌بینی شده است. **اعلام جرم از سوی کودک از جهات شروع به تعقیب محسوب می‌شود.** همچنین در این قانون سیستم مددکاری دارای اختیاراتی است و به آن توجه شده است. شایان ذکر است که در مواردی قاضی پرونده، والدین را به گذراندن دوره‌های حقوق کودک ملزم می‌نماید.

واکنش‌هایی که در ابتدای مطرح شدن لایحه بروز پیدا کرد، واکنش اقشار مختلف جامعه به این لایحه، معطلی بیش از حد در تصویب قانون حمایت از کودکان و نوجوانان حاکی از آن است که مسائل کودکان در کشور ما جزو اولویت‌ها نبوده و موضوعی حاشیه‌ای و کم اهمیت است چنانچه که واکنش برخی از نمایندگان در حین تصویب لایحه مثبت این ادعا است؛ به نحوی که این لایحه طی تصویب با تذکر برخی نمایندگان مبنی بر عدم ضرورت تصویب آن مواجه شده است. این در حالی است که بررسی و تصویب لایحه همواره دغدغه و موضوع مورد درخواست بسیاری از فعالان حقوق کودک و نیز افرادی است که نسبت به لایحه آگاهی داشته‌اند؛ چرا که امید دارند با تصویب و اجرای قانون اخیرالتصویب تحول بنیادی در حوزه حقوق کودک حادث شود؛ چنانچه که منجر به تحت حمایت قرار گرفتن آنان گردد از بسیاری از خشونت‌های احتمالی پیشگیری خواهد نمود. شایان ذکر است که اجرای قانون به همان میزان اهمیت دارد که تصویب قانون مترقی مهم است.

روند و فرآیند تصویب آن (شکل‌گیری، تداوم و زمان)، چرایی و زمان کلید خوردن آن

لایحه حمایت از حقوق کودکان و نوجوانان در سال ۸۸ توسط قوه قضاییه تدوین شد و مرکز تدوین لوایح قوه قضائیه، این لایحه را در قالب ۵۴ ماده به دولت نهم ارسال کرد. لایحه حمایتی کودکان، سه سال در دولت معطل ماند. مواد این لایحه به ۴۹ ماده کاهش یافت و پس از تقدیم این لایحه به مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۹۱/۴/۷ توسط مجلس اعلام وصول شد. نهایتا نیز لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان پس از دو مرتبه بررسی در کمیسیون حقوقی و قضایی دو دوره (مجلس ششم و نهم) در مرداد ماه ۱۳۹۷ به تصویب مجلس نهم شورای اسلامی رسید.

به نظر می رسد که رشد روز افزون انواع کودک‌آزاری‌ها و ضعف قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۸۱ در بازدارندگی و پیشگیری از چنین جرایمی ضرورت تدوین قانونی جامع و مترقی را ایجاب می‌نمود.

نقدهای مربوط به لایحه

از ایرادات قانون جدید، تاثیر پذیری اندک قانون‌گذار از کنوانسیون جهانی حقوق کودک در مواردی چون توجه به حقوق کودکان معلول، عدم ارائه تدابیر لازم در بازسازی اجتماعی کودکان بزه‌دیده می‌باشد.

همان‌طور که می‌دانیم برای حمایت همه جانبه از کودکان اقدامات بسیاری باید صورت پذیرد از جمله آموزش به کودکان، نظارت بر کودکانی که مورد انواع کودک‌آزاری بوده‌اند و تاسیس خانه‌های امن برای کودکان آسیب‌دیده. علاوه بر همه این موارد، عدم توجه کافی به نهادها و سازمان‌های مردم نهاد از ایرادات وارد بر این لایحه است.

نتیجه گیری

با این وجود می توان نتیجه گرفت که تصویب لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان، در صورت آگاهی رسانی احکام آن به عموم و همچنین پایبندی همگان به مفاد آن تا حدود زیادی می‌تواند در کاهش انواع کودک آزاری موثر باشد و به مقابله با خشونت علیه کودکان بپردازد. با امید به آنکه پس از این نیز با بازنگری در قوانین گذشته، حقوق کودکان به معنی واقعی خود تحقق یابد، به نحوی که دیگر شاهد ازدواج کودکان و همچنین صدور حکم قصاص و اعدام نسبت به جرایم نوجوان نباشیم.

تهیه شده در واحد حقوقی انجمن حمایت از حقوق کودکان

مصاحبه با مونیکا نادی در خصوص ماهیت لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان

چه اقتضا و الزامی ایجاد شد تا کمیسیون قضایی و نمایندگان مجلس در خصوص قانون‌گذاری و با تصویب کلیات لایحه حمایت از کودکان در جهت رفع خلاءهای قانونی و جلوگیری از جرایم مربوط در این زمینه اقدام نمایند؟

لایحه‌ی حمایت از کودکان و نوجوانان که اسم کامل لایحه است تا قبل از این لایحه که هنوز هم تصویب نشده و فعلا هم اجرایی نشده است، همان قانونی که ما در سال ۱۳۸۱ داریم قانون حمایت از کودکان و نوجوانان سال ۱۳۸۱ اجرا می‌شود. این قانون، قانون جامع و مانعی نیست، تمام موارد حمایتی از کودکان را پوشش نمی‌دهد. در واقع وقتی آسیب‌پذیری که کودکان دارند باید قوانین، بیشتر پیشگیرانه باشد و بیشتر از آن که جنبه‌ی قضایی داشته باشد جنبه‌ی حمایتی داشته باشد، یعنی در مرحله‌ی قبل از وقوع جرمی علیه کودک به مرحله‌ی بعد از وقوع جرم علیه کودک توجه کند همان‌طور که قانون۱۳۸۱ صرفا به جرم انگاری کودک‌آزاری پرداخته هرچند به نوبه‌ی خودش در زمان تصویبش قانون مترقی بوده و برای اولین بار کودک‌آزاری را وارد فرهنگ حقوقی ما کرده ولی طبیعتا در مرحله ی جرم انگاری ورود کرده و در این مرحله هم که ورود کرده خیلی ضمانت اجراهای کافی را قرار نداده و به همه ی موارد نپرداخته است همه این فشارهای اجتماعی باعث شد که این ضرورت به وجود بیاید که ما یک قانون کامل‌تر و جامع‌تری داشته باشیم قانونی که در واقع جنبه‌های حمایتی و پیشگیرانه را در بحث جرائم علیه کودکان وارد بکند خب این لایحه‌ای که الان در مجلس شورای اسلامی تصویب شده و منتظر تایید شورای نگهبان است سال‌ها پیش در مرکز قوه ی قضاییه تدوین شد، به دولت ارسال شد و از دولت به مجلس رفت و سال های زیادی طول کشید که نهایتا در مجلس تصویب شود الزامی قطعا وجود نداشت ولی خب به اقتضای این که قانون کافی و همه جانبه و کامل نیست ما را به این جا رساند و نماینده‌ها متاسفانه خیلی دیر و در اثر فشارهای اجتماعی در نهایت لایحه را تصویب کردند.

در راستای گسترش پدیده کودکان کار و خیابانی، که بحرانی از کاستی‌های شهرهای بزرگ می باشد؛ آیا در لایحه‌ی فوق تمهیداتی اندیشیده شده است؟

رویکرد لایحه‌ی حمایت از حقوق کودکان و نوجوانان هم معنی با اسمش نیست صرفا بیان شده حمایت از کودکان و نوجوانانی که جرمی علیه آن‌ها واقع شده یا در معرض وقوع جرمی قرار دارند چه بالفعل چه بالقوه، در این زمینه ورود کرده و این قانون در بر گیرنده تمام مشکلات کودکان نیست. ما قوانین دیگری هم داریم که در آن به بحث جرائمی که علیه کودکان رخ می‌دهد پرداخته، آیین دادرسی ما به شیوه‌ی رسیدگی به جرائمی که توسط کودکان است رسیدگی می‌کند به خاطر همین و در موارد دیگر مثل بحث کودکان کار خیابانی یک سری آیین‌نامه‌ها و قوانین و دستور العمل‌های متفاوتی داریم، طبیعتا کودکان کار و خیابان هم اگر در معرض وقوع جرمی قرار بگیرد و یا جرمی واقع شود مشمول لایحه‌ی حمایت از کودکان و نوجوانان می‌شوند. در عین حال در لایحه با توجه به این که این کودکان در گروه کودکان در معرض خطر قرار دارند سازمان‌ها و نهادها وظیفه‌ی حمایتی را نسبت به آن‌ها عهده‌دار شدند.

چه راهکارهایی در لایحه‌ی فوق برای پشتیبانی قانونی از سازمان‌های غیر دولتی، مردم نهاد ، ان.جی.اوها و نهادهای مدنی زمینه سازی شده است؟

لایحه‌ی حمایت از حقوق کودکان و نوجوانان، نقش ان جی او ها را پر رنگ تر کرده. نمی‌توانیم بگوییم که نقش واقعی‌شان را که در جامعه ایفا می‌کنند تبدیل پر رنگ‌کرده، ولی به هر حال از وضعیت فعلی وضعیت مطلوب‌تری ترسیم شده در این لایحه به سازمان‌های غیر دولتی مشارکت داده شده است. لایحه بر خلاف قوانین فعلی در سه مرحله ورود کرده: پیشگیری از وقوع جرم علیه کودکان، مقابله‌ی قانونی با جرمی که علیه کودک اتفاق افتاده و مرحله‌ی پس از جرم که می‌خواهد کودک را و کودک‌آزار را به جامعه برگرداند و جلوی تکرار جرم را بگیرد، در هر سه ی این‌ها ان جی او ها دیده شدند، چه نقش پیشگیرانه‌شان و چه حقی که بتوانند درجلسات دادگاه‌ها و فرایند دادرسی شرکت کنند و چه در مرحله‌ی آخر آن نقشی که به آن‌ها داده شده برای نظارت اجرای احکام و یا بازگشتن کودک‌آزار به جامعه.

با توجه به تهیه و تصویب لایحه‌ی حمایت از کودکان و نوجوانان برای پیشگیری از سوءرفتار و خشونت؛ فکر می‌کنید چه عواملی موجب گردید خشونت و کودک آزاری در ایران روند رو به تصاعد و فزاینده‌ای در سال‌های اخیر داشته باشد؟

لایحه که هنوز تصویب نهایی و اجرایی نشده. با توجه به تایید شورای نگهبان یکی از این کودک‌آزاری ضعف قوانین ما می‌تواند باشد در پیشگیری و مواجهه است کودک آزاری یک پدیده‌ی چند بعدی است و از همه‌ی ابعاد می‌شود به آن نگاه کرد. یکی از این موارد قانون است و ابعاد دیگر بیشتر برمی‌گردد به ریشه‌های اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی جامعه، با افزایش مشکلات اقتصادی خشونت علیه کودکان تشدید می‌شود مشکلات اجتماعی باورهای ناصحیح از جمله این که والدین کودک را مایملک خود می‌دانند و فکر می‌کنند به عنوان املاکی که دارند هر جور که دلشان بخواهد با بچه می‌توانند رفتار کنند. از طرفی دیدگاه مالکیتی نسبت به بچه ها است افراد از حقوق بچه‌هایشان آگاه نیستند، خود بچه ها هم از حقوقشان آگاه نیستند و مطالبه نمی‌کنند. شرایط اجتماعی و اقتصادی نیز به عدم فرهنگ کافی رفتار صحیح با کودک دامن می‌زند و همین است که خشونت رو افزایش می دهد.

چه تدبیرها و سیاست‌های پیشگیرانه‌ای در این لایحه در نظر گرفته شده تا آموزش صحیح به کودکان (در خصوص روش های مقابله با آزار جنسی و خشونت‌های خانوادگی) از طریق مدارس، رسانه، خانواده و متون آموزشی داده شود؟ (خانواده‌ها هم به دلیل شرم و دیدگاه سنتی چنین معضلاتی را پنهان می کنند و رسانه های دولتی به ویژه صداوسیما نیز با سکوت و سانسور اخبار خشونت‌های خانوادگی به این مهم دامن می‌زنند.)

لایحه‌ی حمایت از حقوق کودکان و نوجوانان را نمی‌شود گفت لایحه‌ی خیلی کاملی است. در مقابل لایحه‌ی کودک آزاری یا کودکان در معرض خطر و در معرض وقوع جرم کسی که در بحث کودکان ورود کرده و در واقع کودکان را به رسمیت شناخته یکسری ساز و کارهای نظارتی برای آن ها در نظر دارد. در بحث جرم‌انگاری جنسی خیلی با قوانین موجود فاصله دارد چون در قوانین موجود یا صفر است یا صد، مثلا طرف یا اعدام می‌شود یا نه، ولی این فاصله پر شده و جرم انگاری شده است. از یک طرف دیگر حمایت‌های آموزشی می‌شود. هر چند کارهای دیگری است که همزمان با تصویب لایحه از طرف جامعه، ان جی او ها و رسانه‌هایی مثل صدا و سیما اتفاق می‌افتد که این فرهنگ افزایش پیدا کند. به طور خلاصه، مهم‌ترین ضعفی که داریم آموزش است و نمی‌توانیم بگوئیم که لایحه این ضعف را برطرف کرده است. با توجه به جایگاهی که دارد نیز می‌تواند به این موضع ورود کند.

گزارش عملکرد واحدهای انجمن حمایت از حقوق کودکان در سال ۹۷

مفهوم حق و حمایت از دیدگاه کودکان کار

سلیمان، کودک افغان،۱۰ ساله و کلاس چهارم. سه برادر دارد و بزرگترین فرزند خانواده است، کار نمی‌کند، با پدر و مادرش زندگی می‌کند، محل سکونتش خیابان هرندی است. درس خواندن را دوست دارد و درکلاس‌های زبان، فوتبال و ریاضی شرکت کرده است. علاقه زیادی به فوتبال و زبان دارد. آرزو دارد فوتبالیست شود و از نظر او حقوق کودک یعنی فراهم شدن شرایط فوتبالیست شدن برای همه‌ی کودکان و به نظرش باید در لایحه حمایت از کودکان بندی بگنجانند تا برای کودکانی که رویای فوتبالیست شدن دارند باشگاه فوتبالی تاسیس شود.

نرگس، ۱۰ ساله کلاس سوم، دوخواهر چهار و پنج ساله دارد و فرزند بزرگ خانواده است. به همراه پدر و مادر زندگی می‌کند، درکلاس موسیقی شرکت می‌کند و علاقه زیادی به موسیقی دارد. آرزو دارد دکتر شود تا خودش بتواند کاری برای کودکان انجام دهد. از نظر او لایحه و قوانین هیچ وقت برای کودکان نبوده و نخواهد بود.

ندا ۱۰ ساله کلاس چهارم، یک خواهر و دو برادر دارد. برادر بزرگش ازدواج کرده، به همراه پدر و مادرش زندگی می‌کند. درمدرسه حنانه حوالی شهرری درس می‌خواند، به کار کردن علاقه دارد، می‌خواهد مستقل باشد و در مترو دست‌فروشی می‌کند، تنها کار می‌کند، محل کارش حوالی تجریش است و آرزو دارد دندانپزشک شود. از نظر او لایحه زمانی مفید واقع خواهد شد که به‌جای هر کودک یک آدم بزرگ کار کند.

زینب کودک بلوچ پاکستان حدودا ۱۰ ساله به‌همراه چند کودک دیگر در خانه تیمی کار کودکان در قرچک زندگی می‌کند. در مدرسه‌ای حوالی شهرری درس می‌خواند، علاقه به کار کردن دارد و در بازار به تکدی‌گری مشغول است، در رابطه با حقوق کودک می‌گوید ما کوچک هستیم و به جای کار کردن باید بازی کنیم، از لایحه و حقوق کودکان ناامید است و آرزو دارد خیلی زود پیش خدا برود.

مجتبی، ۱۴ ساله کلاس هشتم، سه برادر بزرگتر از خود دارد که همگی نگهبان پارکینگ هستند، به‌همراه پدر و مادر و برادرانش زندگی می‌کند، محل سکونتش حوالی سعدی است. به کار کردن علاقه دارد و می‌خواهد مستقل باشد، معمولا تابستان کار می‌کند و در بازار مردم را وزن می‌کند. آرزو دارد پلیس شود تا خودش بتواند حق و حقوق کودکان را تعیین کند.

پریماه، ۹ ساله کلاس دوم،۶ خواهر و برادر هستند که یک خواهر کوچک‌تر دارد، به همراه خانواده زندگی می‌کند، محل سکونتش میدان اعدام است ،کار نمی‌کند، درکلاس‌های تابستانی فارسی و دوچرخه سواری شرکت کرده، خواهر بزرگترش ۱۲ ساله است و در کلاس زبان شرکت می‌کند. به درس خواندن علاقه دارد و آرزو دارد معلم شود تا تدریس کند. از نظر او حقوق کودک یعنی همه بتوانند درس بخوانند.

ادریس، کودک افغان، ۱۴ ساله کلاس هفتم، یک خواهر و دو برادر دارد و فرزند بزرگ خانواده است، پدرش فوت کرده و با مادر زندگی می‌کند. به همراه برادرانش در یک کارگاه بسته‌بندی کار می‌کند. درکلاس تابستانی شرکت نمی‌کند، هنوز نمی‌داند به چه شغلی علاقه‌مند است. اعتقاد دارد لایحه و حقوق کودک برای کودکان افغان تاثیری ندارد.

گـزارش عـملکرد خـانه کـودک شـوش

خانه کودک شوش اولین پروژه اجرایی انجمن در زمینه آموزش و توانمندسازی کودکان در وضعیت دشوار است. این مرکز از ۱۳۷۹ در منطقه دروازه غار و شوش تهران آغاز به کار کرده است و در زمینه آموزش پایه، سلامت جسمی، روانی و اجتماعی کودکان و نوجوانان منطقه و ارتقای آگاهی و ترغیب نگرش مثبت مردم منطقه نسبت به کودکان، به ویژه کودکان کار، تلاش می‌کند.

اکنون نگاهی می‌اندازیم به عملکرد شش ماهه نخست سال جاری این خانه:

بخش آموزش: ارزیابی آموزشی معلمان توسط بچه‌ها، برگزاری امتحانات ترم دوم و توزیع کارنامه، انجام تست اختلال یادگیری از کودکان و برگزاری کلاس زبان در سه سطح مقدماتی، پیشرفته و تقویتی

فعالیت‌های درسی: برگزاری کلاس‌های جهشی پایه چهارم و پنجم، تعیین سطح پایه‌های مختلف، برگزاری کلاس‌های تقویتی پایه پیش دبستانی اول و دوم، ارجاع کودکان اتباع به دفاتر کفالت جهت دریافت گواهی آموزشی و پیگیری ثبت نام کودکان در مدارس دولتی

توزیع کوله پشتی و لوازم التحریر بین کودکان تحت پوشش خانه کودک شوش درخانه کودک و مدارس دولتی

فعالیت های ورزشی: کلاس تکواندو دختران و ارتقای سطح کمربند دختران تکواندو کار از سبز به آبی (موفقیت دختران تکواندوکار خانه کودک شوش در هفتمین دوره از مسابقات لیگ تکواندو جنوب شرق تهران و دریافت دو مدال برنز در مقام سوم)، شروع کلاس‌های فوتسال دختران،برگزاری کلاس دوچرخه سواری، برگزاری کلاس‌های آموزش و تمرین فوتبال در سه رده سنی خردسالان، نونهالان و نوجوانان و شرکت در مسابقات لیگ جنوب غرب تهران رده سنی نونهالان (تیم نونهالان خانه کودک شوش با ۱۰ بازیکن در گروه A، ۹ با کسب ۱۴ امتیاز گرفت در رده ۵ جدول بازی‌ها قرار گرفت)

فعالیت‌های مددکاری: این بخش با یک مددکار و یک داوطلب به تشکیل ۴۱ پرونده ، پیگیری ۲۲ پرونده، تکمیل بانک اطلاعاتی ۸۳ نفر و بازدید ۴ مورد منزل پرداخته است.

برنامه حمایتی: شارژ کارت مترو برای ۱۷ نفر و ارجاع ۱۲ نفر به سوادآموزی آوای ماندگار

اقدامات درمانی: ارجاع ۱۰۶ نفر به دندانپزشک، ارجاع ۱۰ نفر به چشم پزشک و ارجاع ۳۳ نفر به پزشکان دیگر

فعالیت حقوقی: کمک به ۴ نفر جهت اخذ مدرک هویتی، غربالگری ۶۵

دانش‌آموز خانه‌ی کودک شوش توسط دانشکده‌ی توانبخشی و شهرداری، برگزاری کارگاه بهداشت بلوغ دختران و مادران با دانشجویان ارشد مامایی، برگزاری کارگاه آموزشی نحوه‌ی مسواک زدن توسط دکتر دندانپزشک

بخش هنر: برگزاری سه کلاس هنردرمانی، نقاشی و خلاقیت هنرتجسم، شرکت تابلوهای نقاشی کودکان خانه کودک شوش در جشنواره نقاشی روز جهانی صلح

بخش موسیقی: برگزاری کلاس‌های موسیقی سلفز، گیتار، فلوت، بلزو زایلفون با حضور ۶ مربی موسیقی، برگزاری کنسرت مشترک موزیکال **گل خند، گل اخم** در برج آزادی توسط کودکان گروه موسیقی خانه کودک شوش و گروه موسیقی ناردون

بخش روانشناسی و مشاوره: برگزاری ۴۰ جلسه مشاوره فردی،برگزاری جلسات گروه مشاورین جهت برنامه ریزی و ارزیابی، برگزاری۱۰ جلسه کارگاه مهارت‌های زندگی برای سه گروه مادران، دختران و پسران، گرفتن تست اختلال یادگیری از ۲۴ کودک پایه پیش دبستانی و پایه اول.

جشن و اردو: شرکت کودکان تحت پوشش خانه کودک در نمایشگاه کتاب، باغ کتاب، پارک هیومن ،جشن بازگشایی مدارس، جشن روز جهانی کودک، افطاری، سینما (فیلم شاهزاده کوچولو) و برگزاری جشن روز معلم توسط خود بچه‌ها

گـزارش عـملکرد خانه کـودک ناصر خـسرو

یکی از پروژه‌های انجمن، آموزش و گسترش توانمندی‌های کودکانی است که در شرایط دشوار زندگی می‌کنند، به خصوص کودکانی که در معرض انواع آسیب‌ها و خشونت‌ها قرار گرفته اند. خانه کودک ناصرخسرو یکی از برنامه‌هایی است که با این هدف اجرا می‌شود. خانه کودک ناصرخسرو به نیازهای کودکانی که در بخشی از تهران در منطقه ۱۲ (شامل ناصر خسرو، پامنار و محدوده بازار) زندگی می‌کنند، پاسخ می‌دهد.

گروه هدف این برنامه کودکان و نوجوانان (زیر ۱۸ سال) و همچنین تمامی افرادی (مانند والدین و معلمان کودکان) است که به طور مستقیم یا غیر مستقیم با آنان در ارتباط هستند.

از اهداف کلی این مرکز می‌توان به ارتقای سطح دانش و آگاهی گروه‌های ذکر شده در مورد حقوق کودکان، بهداشت فردی ،جسمی، روانی و حقوق شهروندی؛ همچنین تغییر در نگرش و رفتار این گروه‌ها در راستای حقوق کودک اشاره کرد. ایجاد احساس مسئولیت در میان جمعیت غالب منطقه و گروه‌های هدف نسبت به پیرامونشان و ترغیب آنان به مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی، با هدف تغییر در نگرش آنان به سوی هماهنگی بیشتر با اهداف پیمان نامه جهانی حقوق کودک می‌باشد.

حال با نگاهی به عملکرد نیم سال اول خانه کودک ناصر خسرو با اهداف مرکز آشنایی بیشتری خواهیم داشت:

بخش آموزش: بازدید کودکان تحت پوشش بورسیه قلم چی از نمایشگاه کتاب وغرفه کانون علمی آموزشی قلمچی، دریافت بن کتاب‌های کمک آموزشی و وسایل ورزشی به همراه مشاوره رایگان کتب.

برگزاری کلاس‌ها: برگزاری کلاس آموزش حقوق کودک (پیمان‌نامه جهانی) پایه دوم و سوم نوجوانان.

برگزاری کلاس آموزش پیشگیری اچ.آی.وی برای دانش‌آموزان پایه ششم دو مدرسه دوخترانه و پسرانه منطقه ۱۲. برگزاری کارگاه مهارت های فرزندپروری با موضوع رابطه میان دو نسل برای مادران. برگزاری هر هفته کارگاه کتاب خوانی برای ۵ تا ۲۶ کودک کار مهاجر. برگزاری کلاس کامپیوتر برای ۴ کودک. ۴ جلسه کارگاه ساخت نشریه دیواری برای ۵ کودک کار مهاجر.

برگزاری ۵ جلسه کلاس زبان برای دختران و پسران. برگزاری کارگاه تفکر ریاضی. برگزاری کارگاه ادبیات (نوشتن و خواندن) توسط موسسه پژوهشی کودکان دنیا. تشکیل کلاس های تقویتی و آموزش زبان و تقویت ریاضی و تقویت خواندن در سه ماهه اول سال.

حوزه‌های فعالیت کارگروه آموزش از این قراراست: برگزاری کلاس‌های آموزشی خانه برای کودکان کار مهاجر، امتحانات ترم دوم از تاریخ ۱۹ تا ۲۷ خرداد، از میان ۸۶ دانش آموز سوادآموز ۸۳ نفر در امتحانات شرکت و ۷۴ نفر موفق به دریافت کارنامه‌ها در ۲۹ خرداد طی جشن پایان سال تحصیلی شدند. کودکان ناموفق با شرکت در کلاس‌های تقویتی و تغییر شیوه آموزش به سیستم جذب شدند.

کارگروه آموزش: آموزش مهارت‌های زندگی، این کارگروه از مرداد ماه با بازبینی روش آموزش کودکان کار مهاجر فعال‌تر شد. اعضای کارگروه، آموزش یاران موظف و داوطلب از کارگروه ارزیابی و پایش، مدیر و معاون خانه کودک می‌باشند.

این کارگروه زیرگروه آموزش مهارت‌های زندگی در مدارس منطقه نیز فعال هستند. از وظایف این کارگروه بحث و گفتگو و نتیجه‌گیری بر روی شیوه آموزش و اعلام آن به شورای هماهنگی است. برگزاری جلسات متعددی در مورد شیوه آموزش در سال تحصیلی ۹۷_۹۸.

کارگاه‌های آموزشی برای معلمان موظف و داوطلب.

برگزاری کارگاه‌ها: کارگاه شیوه یادگیری در خانه یادگیری رها، تشکیل هم اندیشی توسط موسسه پژوهشی کودکان دنیا با موضوع آموزش مشارکتی، موسسه جهک با موضوع تسهیل‌گری، انتشارات آموزش با موضوع ریاضی، شورای کتاب کودک با موضوع قصه‌گویی.

تشکیل جلسه از موسسه پژوهشی کودکان دنیا با موضوع نیازسنجی و گفتگو درباره

آموزش در خانه کودک، کتابخوانی همراه با گفتگو درباره‌ی کتاب و فعالیت‌های هنری مانند نمایش و نقاشی برای ۵ الی ۲۶ کودک کار مهاجر، دو کارگاه شناخت تاریخی منطقه برای کودکان کار و دیگری برای کودکان محله، آشپزی خلاق برای کودکان مهاجر و ایرانی محله ناصر خسرو.

چهار معلم موظف خانه کودک، در خانه کودک ناصر خسرو مهارت‌های«دروغگویی و راستگویی» «نه گفتن»، «احساسات و زبان بدن» و «کنترل خشم» و صحبت درباره «اردو رفتن»، «شماره تلفن‌های ضروری» و «قوانین استفاده از کتابخانه»، «کره زمین و محافظت از آن»، «نه گفتن»، «سر و صدا و تاثیر آن روی اطرافیان» و «از دیگران چه یاد می‌گیریم؟» و «توانایی حل مسئله» را در کلاس‌های مختلف خانه کودک تدریس کردند. همچنین این معلمان پس از پایان ساعت مدرسه خانه مهارت‌های زندگی با موضوع‌های «خودآگاهی و انسان و دیگر موجودات»، «قاطعیت و نه گفتن»، «عادت های خوب و بد»، «تونل زمان»، «قاطعیت و نه گفتن» و «ارتباطات موثر»، «عصبانیت»، «لمس خوب و لمس بد» و «سو مصرف مواد» را در کلاس‌های مختلف مدارس دولتی منطقه تدریس کردند.

بخش تحصیلی: پیگیری تحصیلی کودکان ایرانی و افغانستانی که درشرایط دشوار تحت پوشش خانه کودک درمدارس دولتی تحصیل می‌کنند. مشاوره کودکان کار مهاجر افغانستانی که در کلاس‌های سواد آموزی خانه کودک غیبت زیاد دارند یا برای حضور در کلاس تاخیر دارند. (پیگیری وضعیت آنان از طریق تماس با سرپرست و کارفرما.)

بخش ورزش: یکی از جاذبه‌های خانه کودک ورزش، زمین فوتبال و مربی است. یک ساعت ورزش فوتبال هر کلاس، یک ساعت در هفته ویژه کودکان کار مهاجر، کودکان محله و دانش آموزان سابق خانه کودک. بازی تمام وقت برای کودکانی که به تازگی از افغانستان مهاجرت کرده‌اند.

ورزش با کودکان خانه در روزهای زوج و حضور حداقل ۲۵ کودک و حداکثر ۴۰ کودک برای تمرین. اهدا دو میز پینگ پنگ به خانه کودک ناصر خسرو و آموزش و راه اندازی بازی‌های فکری.

بخش مددکاری: دو بازدید توسط مددکار از محل کار ۱۶ کودک؛ صحبت با کارفرمای ۳ کودک در بازدید اول و ۵ کارفرمای دیگر در بازدید دوم ،۴ کودک محل کار خود را بدون اطلاع تغییر داده بودند. بازدید از ۵ ساختمان محل زندگی کودکان که ۱۶ نفر از کودکان در ۵ خانه زندگی می‌کردند.

مصاحبه و تشکیل پرونده مددکاری برای۶ کودک کار مهاجر افغانستانی جدید الورود به خانه کودک در بخش سواد آموزی؛ تماس با سرپرست و کارفرمای کودکان کار مهاجر افغانستانی.

بهداشت و درمان: غربال‌گری کودکان توسط تیم پزشکی (دو نفر شنوایی سنجی، یک نفر فیزیوتراپ و سه نفر گفتار درمانگر) شهرداری،

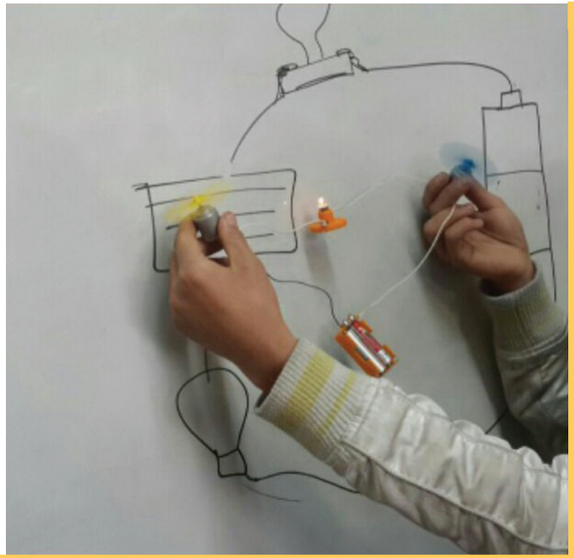

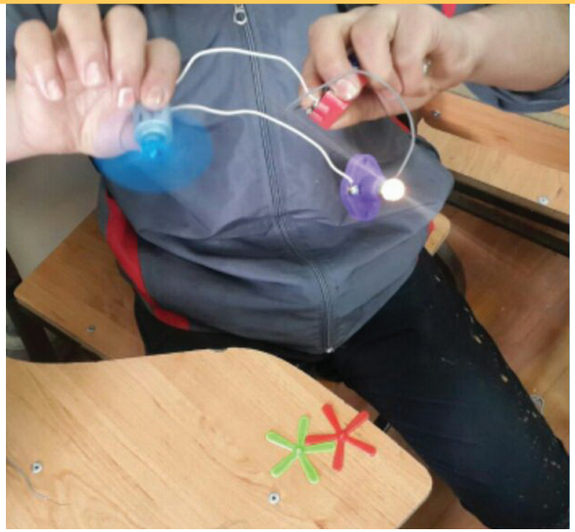

واکسیناسیون ۱۴ کودک از طرف مرکز بهداشت شرق تهران، انجام تست تشخیص سریع HIV (غربالگری اولیه) از۲۰ نفر از کودکان کار (منفی بودن جواب تست‌ها). ارجاع۶ نفر از کودکان به مراکز درمانی برای ویزیت متخصص. پرداخت یک مورد کمک هزینه درمان و پرداخت کمک هزینه درمان به سه کودک تحت پوشش. پیگیری درمانی یکی از کودکان کار که از ناحیه دست چپ دچار شکستگی شدید شده بود با پرداخت هزینه‌های درمان عمل جراحی کودک انجام شد. ارجاع کودکان به مراکز درمانی برای ویزیت متخصص و پیگیری درمانی و پرداخت کمک هزینه درمان.

بخش حقوقی: پیگیری برای بار دوم و صحبت با مددکار مرکز کودکی دستگیر شده که در مرکز بعثت نگهداری می‌شود.

پیگیری پدری که در زندان قزل حصار کرج زندانی شده است.

پیگیری سوختگی دست یکی از بچه‌های سوادآموزی توسط نانوا با سنگ نان سنگکی. مددکار برای پیگیری همراه کودک به نانوایی مراجعه کرده که نانوا ابتدا انکار کرده و با مددکار برخورد نامناسب داشته است. ارجاع موضوع به کمیته حقوق انجمن

بخش مشاوره: انجام مشاوره های فردی برای کودکان: وقت مشاوره برای یکی از کودکان تحت پوشش. ارجاع یکی از کودکان به دفتر صدای یارا. نوجوان کار مهاجر در خانه کودک. کودکی که مادرش را از دست داده است توسط مشاوره خانه. کودکان معرفی شده از سوی آموزشگران، دفتر و مددکاری اجتماعی. برگزاری یک جلسه مشاوره گروهی برای مادران محله ناصر خسرو.

حضور تمام مدت مشاوران در حیاط مدرسه، توجه به حل مشکلات رفتاری و روانی کودکان و مداخلات لازم در صورت نیاز. آقای دکتر موحد روانشناس به جمع مشاوران خانه کودک محلق شدند؛ حضور ایشان روزهای چهارشنبه در خانه کودک.

فعالیت کارگروه در کتابخانه خانه کودک ناصر خسرو: پیشنهاد داده شد تا یکی از اعضای کارگروه کتابخانه در کتابخانه خانه حضور فعال داشته باشد. در ضمن کتابخانه را در تابستان وجین کرده و کتاب‌های بازاری را برای کاردستی و کارهای آموزشی نگه داشته تا در سال تحصیلی آموزشیاران_ تسهیلگران خانه در کلاس‌ها از آن‌ها استفاده کنند. به کودکان در صورت درخواست کتاب امانت داده می‌شود.

فعالیت کارگروه در مدارس منطقه ۱۱ و ۱۲: برپایی و تجهیز کتابخانه ،ترویج کتابخوانی، ایجاد گروه‌هایی برای بحث و گفتگو در کتابخانه، خرید و اهدای کتاب و فعالیت‌هایی چون اجرای تئاتر، ساخت اوریگامی، آموزش حفاظت از محیط زیست، ساخت پاکت و تشکیل گروه‌های بازی در ۷ مدرسه دولتی منطقه

۱۲. در پایان خرداد ماه حدود ۹۰۰ دانش آموز در این کتابخانه‌ها عضو شده‌اند.

برگزاری مناسبت ها و اردوها: برگزاری عصرانه برای داوطلبان در پارک آب و آتش. برگزاری اردوی روز کارگر در دره حصارک، در اختیار گذاشتن سه اتوبوس توسط شهرداری و شرکت ۸۰ کودک و ۲۳ مربی. برگزاری جشن روز معلم و کارگر در خانه کودک با حضور هیئت مدیره انجمن، تقدیم هدایایی به معلمان و کودکان (تهیه شده توسط اسپانسر). تقدیم هدیه به تمامی داوطلبان خانه کودک به مناسبت روز معلم. برگزاری چشن پایان سال به همراه دریافت کارنامه ها. اجرا ایستگاه بازی توسط کارگروه ورزش. اجرای زنده موسیقی سنتی. روایت قصه‌ای کهن توسط یکی از کودکان خانه. برگزاری جشن یلدا در خانه کودک ناصر خسرو روز. گفتگو تسهیلگران با کودکان در مورد شب یلدا و حفظ آیین ها.

کارگروه روابط عمومی: معرفی فعالیت های خانه کودک: ایمیل خانه، کانال و گروه تلگرامی خانه، صفحه اینستاگرام خانه، ارتباط با حامیان خانه، ارتباط با داوطلبان جدید، چاپ و تکثیر خبرنامه سالانه خانه کودک، کارت‌های دعوت جشن و غیره. جذب کمک‌های نقدی و غیرنقدی برای ادامه فعالیت‌های خانه. از مهم‌ترین فعالیت‌های کارگروه انتشار خبرنامه در پایان سال ۹۶ و انعکاس اخبار یکساله خانه کودک بوده است.

۲۰ سال کار فرهنگی برای زدودن فقر و رنج (گزارش عملکرد فرهنگسرای اسفدن)

زلزله‌ای که سال ۷۵ به بیش از ۷۰ درصد منطقه اسفدن آسیب زد و جان ۱۲ هزار نفر را گرفت، انگیزه‌ی ایجاد مرکزی را برای کاهش آمال مردم زلزله‌زده در انجمن حمایت از حقوق کودکان برانگیخت که به تاسیس فرهنگسرای اسفدن انجامید.

در حال حاضر سرکارخانم اکرم سلح جو، مدیریت پروژه جنوب خراسان را به عهده دارند. حسنعلی رسانی، مدیر فرهنگسرا با ذکر این توضیح خاطر نشان کرد: در آن زمان این فرهنگسرا برای شناخت و مقابله با آسیب های اجتماعی منطقه که وقوع زلزله بر وخامت آن افزوده بود افتتاح شد.

وی تصریح کرد، هدف اولیه‌ی تاسیس، کاهش آثار ناشی از زلزله و آسیب‌های اجتماعی حاصل از فقدان سرپرست خانواده برای کودکان منطقه بود. اما در مراحل بعدی، اهداف انجمن سازمان یافته‌تر شده و به احیاء هنرهای بومی، تقویت بنیه‌ی فرهنگی خانواده‌ها، کاهش آسیب‌های اجتماعی و جلوگیری از مهاجرت روستائیان منطقه به شهرهای مجاور و در نتیجه آسیب‌های فراوان ناشی آن پرداخته شد.

رسانی حاصل ۲۰ سال فعالیت فرهنگسرا را حضور جوانان موفق شهرستان در پست‌های مدیریتی و مشاغل گوناگون، کسب رتبه‌های برتر در آزمون‌های سراسری و تفاوت بسیارِ کودکان فرهنگستانی با کودکان محروم از این محیط ذکر کرد که خود گواهی بر تاثیرِ چشم‌گیر این فضا بر آینده ی کودکان منطقه بوده است.

او تعامل با مدیران شهری و با خانواده‌ها، کسب اعتماد مردم و مسئولین و برگزاری کلاس‌های آموزشی مستمر را از جمله پیامدهای عملکرد فرهنگسرا نام برد و خاطرنشان کرد که هنوز با ایده‌آل‌های پیش رو فاصله دارند.

او به توضیح برنامه‌های مجموعه پرداخت و گفت: هم اکنون فعالیت های روزانه فرهنگسرا امانت کتاب، مطالعه، داستان خوانی، تمرین سرود، طرح کتابخانه سیار و کلاس‌های آموزشی و ورزشی مختلف است.

حمایت فرهنگسرا از خانه کودک

امیر رضایی از داوطلبان فعال در بخش آموزش هنر ضمن اشاره به نقش فرهنگسرا در ارتقای سطح فرهنگ منطقه به توضیح تاثیر حمایتی آن بر خانه های کودک پرداخت و گفت: این حمایت باعث افزایش توانایی مراکز برای ارائه امکانات بیشتر به کودکان می شود. او همچنین تداوم این حمایت را از آن جا که پشتیبانی کافی از این مراکز صورت نمی‌گیرد ضروری خواند و افزود؛ حمایت فرهنگسرا باعث دلگرمی مسئولین این مراکز شده و کار را تسهیل می‌کند.

رضایی اما یکی از مشکلات عمیق فرهنگسرا را ناآگاهی والدین می داند و معتقد است باید به والدین روشنگری بیشتری داد تا متوجه جایگاه این فضا شده و بدانند حضور و بهره مندی فرزندشان در اینجا چه تاثیر مهمی بر آینده‌ی او و شهرشان خواهد گذاشت.

از مهد کودک تا رتبه تک رقمی کنکور

عاطفه رحمانی که حدود دو سال است مسئولیت کتابداری مجموعه را برعهده دارند، فرهنگسرا را جزء جدایی ناپذیر اسفدن و کودکان وخانواده‌هایشان می‌داند.

وی معتقد است فرهنگسرا توانسته در راستای ارتقای سطح آموزش و گسترش حقوق کودک در منطقه گام های ارزشمندی بردارد.

او به آغاز کار فرهنگسرا با تاسیس یک مهد کودک برای تامین فضایی زندگی بخش در میان آوارهای زلزله اشاره کرد و سپس به رشد چشمگیر فعالیت‌های مجموعه در زمینه های گوناگون از جمله؛ آموزش برای زندگی بهتر، ایجاد فضای کار آفرینی ویژه بانوان همراه با دوره‌های آموزشی هنری با نتیجه درآمدزایی برای بانوان، آموزش احقاق حقوق اولیه کودکان (مانند حق داشتن هویت و تحصیل) و کسب رتبه های تک رقمی در کنکور توسط دانش آموزان منطقه پرداخت.

رحمانی خوشنود است که هر ساله در این مجموعه مراسم سال تحویل، شب یلدا، چهارشنبه سوری و روزجهانی کودک به عنوان آیین‌های ملی، و برنامه‌های مختلف از جمله نمایش عروسکی، تئاتر، سرود و مسابقه های مختلف با حضور کودکان و خانواده‌هایشان به طور مرتب اجرا شده است.

اما دغدغه‌ی این کتابدار دلسوز هم از نوع همکارش امیر رضایی است. او هم امیدوار است با افزایش آگاهی والدین، حضورشان در فرهنگسرا و کنار کودکان، روند رشد فرهنگی و هماهنگی بیشتر این ارتقای فکری میان کودکان و بزرگ‌ترهایشان زودتر و بیشتر فراهم شود.

رحمانی آرزومند روزهای بهتری است که از میان عطر کتاب‌های خوانده شده در دست‌های کودکان خواهد آمد.

عملکرد فرهنگسرای اسفدن در سال ۹۷

در طی سال ۹۷ این بخش اقدامات بسیاری انجام داده اند که به قرار زیر است:

برگزاری جلسه با مدیران مهدهای کودک اسفدن که طی آن مدیران مهدها ضمن بیان نقطه نظرات آموزشی کودکان برای شرکت در طرح کتابخانه سیار روستایی به طور داوطلبانه اعلام آمادگی نمودند. همچنین درخصوص برگزاری جشن روزجهانی کودک نیز بحث و تبادل نظر لازم صورت گرفت.

توزیع لوازم التحریر بین کودکان نیازمند:

همزمان با شروع سال تحصیلی جدید تعداد ۱۰۰ بسته نوشت افزار برای دانش آموزان تمام مقاطع آماده و بسته بندی شد و بین دانش‌آموزان نیازمند مدارس اسفدن توزیع شد.

بازدید کودکان از ایستگاه آتش نشانی مستقر در شهر اسفدن:

به مناسبت هفتم مهرماه روز ملی آتش نشانی و ایمنی کودکان مهدهای کودک در محل ایستگاه آتش‌نشانی شهرداری اسفدن حضور یافته و طی یک عملیات نمایشی در فضای باز کودکان با نحوه مهار آتش توسط آتش‌نشانان آشنا شدند.

برگزاری جشن روز جهانی کودک:

همزمان با ۸ اکتبر و ۱۶ مهرماه روزجهانی کودک مراسم جشنی در محل فرهنگسرای انجمن حمایت ازحقوق کودکان اسفدن برگزارشد. دراین مراسم که با حضور کودکان مهدها و پیش دبستانی ها برگزار شد، برنامه های شاد و جذابی چون شعر خوانی، دکلمه، سرود، بازی‌های گروهی، سفالگری، مسابقه و اهدای جوایز برگزار شد.

اجرای طرح غربالگری بینایی سنجی:

این طرح ۱۶ مهرماه، با همکاری کارشناسان بینایی سنجی موسسه جنت الماوی زیر نظر بهزیستی شهرستان قاینات انجام گرفت و فاز دوم غربالگری بینایی کودکان ۳ تا ۶ سال نیز در محل فرهنگسرا مستقر شد

طرح سرویس رایگان کتابخانه سیار:

این طرح از ابتدای سال تحصیلی ۹۶_۹۷ آغاز شده و هدف اصلی آن استفاده کودکان مناطق محروم منطقه خراسان جنوبی از امکانات فرهنگی وآموزشی فرهنگسرای انجمن حمایت ازحقوق کودکان است .

در فصل پاییز و با هماهنگی فرمانداری شهرستان زیرکوه ،کودکان روستاهای بشیران و مهرک از توابع این شهرستان از این طرح بهرمند شدند.

گفتنی است مدیران و مربیان مهدهای کودک اسفدن داوطلبانه فرهنگسرا را همراهی می‌کنند.

ازجمله برنامه‌ها و آموزش‌های این طرح اهدای کتاب کودک، آموزش مهارت‌های زندگی، آموزش حقوق کودک، اجرای نمایش خلاق و نمایش عروسکی توسط کودکان، ساخت کاردستی، بازی‌ها و مسابقات انفرادی و گروهی وسفالگری با گل سفال، اهدای جوایز، پذیرایی و گرفتن عکس یادگاری است. لازم به ذکر است که حامی مالی این پروژه سرکار خانم مژگان احمدیه می‌باشند.

جلسه برنامه ریزی هفته تربیت بدنی:

به منظور هم اندیشی و مشارکت در اجرای برنامه‌های هفته تربیت بدنی جلسه‌ای با حضور مسئولین شهری اسفدن در محل سالن مطالعه فرهنگسرا تشکیل شد و مقرر گردید با همکاری شهردار، شورای اسلامی و ورزشکاران شهر اسفدن مراسم برگزار شود.

لازم به ذکر است شورای اسلامی شهر پرداخت هزینه‌ی بیمه ورزشی دانش آموزانی که در این مسابقات مقام کسب کنند را تقبل کرد .

برگزاری مسابقات ورزشی به مناسبت هفته تربیت بدنی:

به مناسبت هفته ورزش وتربیت بدنی برنامه های متنوع ورزشی جهت پسران و دختران توسط فرهنگسرای انجمن و با همکاری اداره ورزش و جوانان شهرستان قاینات برگزار شد.

این برنامه ها شامل؛ دوچرخه سواری، طناب زنی، طناب کشی، جشن بادبادک‌ها برای کودکان ۳ تا ۶ بود.

مرحله دوم توزیع لوازم التحریر به کودکان نیازمند:

در این مرحله نیز مبلغ ۸۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال برای تهیه ۱۰۰ بسته نوشت افزار، ۳۰ بسته لوازم مهد، قفسه وسایل و یک دستگاه کامپیوتر هزینه شد .

برنامه های هفته کتاب:

در هفته کتاب و کتابخوانی و برای ترویج فرهنگ مطالعه در بین کودکان برنامه‌های متنوعی توسط فرهنگسرا برگزار شد. بازدید مهدهای کودک و دانش آموزان مدارس از فرهنگسرا جهت عضویت رایگان و آشنایی با نظم و قوانین حاکم بر کتابخانه و برگزاری مسابقات کتابخوانی در سه مقطع ابتدایی دبیرستان دوره اول و دوم برای دانش‌آموزان دختر و پسر اسفدن از آن جمله بود.

برگزاری کارگاه مشاوره ژنتیک برای مادران:

این کارگاه با همکاری فرهنگسرای انجمن، موسسه‌ی جنت الماوی و مرکز مشاوره نسیم مهربانی و با حضور خانم فاطمه حسینی کارشناس ارشد مشاوره و مدرس دانشگاه، برای مادران دارای فرزند معلول و یا ریسک معلولیت در فرهنگسرا برگزار شد .

دراین کارگاه پیرامون دلیل معلولیت ها و لزوم مشاوره ژنتیک و برنامه های پیشگیرانه برای خانواده‌ها بحث و آموزش هایی ارائه شد.

کارگاه آموزش مهارت های قبل از ازدواج:

این کارگاه جهت آموزش جمعی از بانوان با موضوع مهارت‌های آشنایی قبل ازدواج با عناوین(آشنایی_ عشق_ انتخاب) باهمکاری فرهنگسرای انجمن، مرکز مشاوره نسیم مهربانی و موسسه‌ی جنت الماوی به مدت ۱۶ ساعت برگزار شد.

برگزاری جشن ملی یلدا:

جشن ملی یلدا با حضور شهردار اسفدن، و جمعی از مسئولین شهری، کودکان، مادران، جوانان و نوجوانان برگزار شد.

از جمله برنامه‌های آن اجرای سرودهای ایران و یلدا توسط نوجوانان، اجرای دکلمه، شاهنامه خوانی کودکان، همراه با اهدای جوایز و پذیرایی بود .

بازدید هفتگی مهدهای کودک از فرهنگسرا:

طبق برنامه زمان بندی شده در ابتدای سال تحصیلی، مهد های کودک اسفدن به منظور استفاده از امکانات این مرکز و با هماهنگی قبلی از فرهنگسرا بازدید می‌کنند.

از جمله برنامه این بازدیدها؛ استفاده از واحد سمعی و بصری، استفاده از اتاق بازی، قصه خوانی، آموزش حقوق کودک، نمایش عروسکی، انجام بازی‌های گروهی و استفاده از محوطه فرهنگسرا است .

راه‌اندازی واحد مشاوره:

با همکاری مرکز مشاوره نسیم مهربانی و فرهنگسرای اسفدن،یک واحد مشاوره راه‌اندازی شد. بدین منظور مقرر شد مراجعین جهت استفاده از این واحد و استفاده از مشاوره در زمینه‌های تحصیلی، ازدواج، خانوادگی و مانند آن، طی تماس با فرهنگسرا برای اخذ نوبت اقدام کنند.

با صدای یارا هیچ کودکی تنها نیست (گزارش عمکرد واحد صدای یارا)

بسیاری از کودکان یا والدین و وابستگان آن ها ممکن است زمانی نیازمند مشاوره شوند، ولی عواملی مانند هزینه ی مشاوره ، دوری راه یا عدم دسترسی به مشاور، ترس و یا خجالت و شرم از بیان رو در روی مشکل و واهمه از شناخته شدن ، مانع بهره‌گیری آن‌ها از مشورت شده و ممکن است مشکلشان حتی به یک فاجعه بیانجامد. از این رو، انجمن حمایت از حقوق کودکان اقدام به راه اندازی بخشی برای مشاوره تلفنی نمود.

این گونه بود که **صدای یارا** به عنوان نخستین خط تلفنی کمک فکری به کودکان و نوجوانان از دی ماه ۱۳۷۹ آغاز به کار کرد.

پاسخگویان این خطوط از میان داوطلبان دارای تحصیلات و تجارب کاری در زمینه‌های روان‌شناسی و مشاوره و مددکاری اجتماعی، پس از گذراندن دوره‌های آموزشی، انتخاب شده‌اند. این داوطلبان در ساعات و روزهای مشخص و برنامه‌ریزی شده با استفاده از کد اختصاصی و بدون نیاز به ذکر نام تماس گیرنده به ارائه خدمات داوطلبانه رایگان می‌پردازند.

صدای یارا بر مبنای این باور ایجاد شده است که هر کودک و نوجوان صرف نظر از طبقه اجتماعی، جنسیت، نژاد، استعداد و هر وجه تمایز دیگر، باید در مواقع ضروری بتواند از کمک های فکری مناسب برخوردار شود. در همین راستا انجمن می‌کوشد کودکان، نوجوانان و خانواده‌ها را با مطالب مندرج در پیمان‌نامه جهانی حقوق کودک و مفهوم حق و مسئولیت آشنا سازد.

زمان و نحوه کار صدای یارا

صدای یارا از نه صبح کار خود را آغاز می‌کند و هر روز در دوشیفت کاری (۹_۱۳ و ۱۳_۱۷) پاسخگوی تماس‌ها است که در هر نوبت ۴ الی ۸ نفر جهت پاسخگویی مددجویان آماده‌اند. مشاوران هر روز علاوه بر مشاوره، برای تماس‌گیرندگان پرونده تشکیل داده و اطلاعات مربوط به آن‌ها راثبت می‌کنند تا در تماس بعدی اطلاعات آن‌ها قابل دسترسی باشد.

گزارش آماری صدای یارا

از تماس های ثبت شده حدود ۹۷٪ مادران، ۳ ٪ کودکان، پدران یا دیگر اقوام کودک بوده‌اند.

بیشترین کودکان نیازمند مشاوره بین ۰ تا ۳ سال و ۴ تا ۷ سال بوده‌اند. همچنین ۵۳ ٪ کودکان مورد مشاوره پسر و ۴۷ ٪ دختر بوده‌اند.

نوع خانواده‌ها اکثرا هسته‌ای بوده و علت تماس‌ها بیشتر به ترتیب مشکلات خانوادگی، عادتی، مدرسه و دوستان بوده است.

بررسی کودک‌آزاری در تماس‌های صدای یارا

از آن جا که کودک آزاری از مهم ترین عناوین تماس های صدای یارا محسوب می‌شود، تنها به بررسی آماری این نمونه می‌پردازیم تا با چگونگی عملکرد مشاوره تلفنی آشنا شوید:

از ۲۹ مورد تماس مربوط به کودک‌آزاری، ۱۶ نفر دختر و ۱۳ نفر پسر بوده‌اند. بیشترین تماس از سوی همسایه‌ها با ۱۰ مورد و کمترین تماس از طرف پدر با ۲ مورد بوده است. سایر تماس‌ها از طرف اقوام ۷ نفر، مادر ۶ نفر و غریبه ۴ نفر بوده است. بیشترین آزار رسان‌ها، پدرو مادر باهم ۱۱ مورد و کمترین آن نامادری با ۱ مورد بوده است. سایر آزار دهندگان به ترتیب کثرت؛ ۷ مورد غریبه، ۵ مورد پدر، ۲ مورد مادر، ۲ مورد اقوام و یک مورد همسایه بوده است. بیشترین آزارها، عاطفی و در اثر غفلت بوده‌اند که در حقیقت تمام ۲۹ مورد را در بر می‌گیرد، ولی ۱۲ مورد از آن‌ها به طور مشخص از طریق آزار جسمی و ۳ مورد جنسی و۲ مورد آموزشی بوده است. وضعیت خانوادگی کودکان آزار دیده نیزقابل توجه است. آن چه بسیار نمود دارد این است که در ۱۹مورد از ۲۹ مورد ، ارتباط والدین عادی گزارش شده است ۱۰ مورد اعتیاد،۱۰ مورد جدایی و ۱ مورد درگیری و مشاجره اعلام شده است. با این وصف مشخص می شود بیشتر کودکانی که فرزند طلاق بوده یا والدینشان دچار اعتیاد شده‌اند مورد آزار از سوی هردو والد بوده‌اند، یا در اثر غفلت والدین مورد آزار غریبه و اقوام قرار گرفته‌اند. تمام این کودکان بدون استثنا آسیب عاطفی دیده‌اند و نیمی از آن‌ها دچار آسیب جسمی و جنسی شده‌اند. نکته مهمی که در تلاش برای نجات این کودکان به چشم می خورد، نقش پررنگ همسایه و اقوام در تماس با صدای یارا و سپس مادر و غریبه‌ها است که این مهم، می‌تواند راه حرکت انجمن را در تکیه بر این دسته از نجات دهندگان و آموزش آنان برای هشیاری و اقدام به موقع جهت رفع مشکل

واحد حقوقی مرکز ثقل اقدامات انجمن (گزارش عملکرد واحد حقوقی)

از میان واحد های گوناگون انجمن، واحد حقوقی یکی از حساس‌ترین بخش‌هایی است که چتر مراقبتی و حمایتی سایر بازوهای اجرایی انجمن است. از این روست که حضورش در تمام بخش‌های فعال انجمن دیده می‌شود و اقدامات واحدها با مشاوره‌ی آن، تعیین و اجرایی می‌گردد. برای آگاهی بیشتر از این حلقه‌ی مهم انجمن نگاهی اجمالی می‌اندازیم به عملکرد سال ۹۷ آن:

- **رسیدگی به ۴۴ پرونده حقوقی:** طی سال ۹۷، ۴۴ پرونده توسط واحد حقوقی در مراجع ذیصلاح تشکیل شده است که ۱۱ مورد مربوط به پرونده‌های اثبات نسب و صدور شناسنامه، ۱۰ مورد قتل و نزاع ، ۵ مورد سرقت، ۷ مورد کودک‌آزاری، ۲ مورد مواد مخدر و موارد دیگری شامل لواط، خیانت در امانت، تجاوز به عنف، پرونده های سرپرستی و حضانت و همچنین شکایت از شورای اجتماعی کشور در هیئت عمومی دیوان عدالت اداری و طرح شکایت در شورای نظارت بر سازمان صدا و سیما بوده است.
- **۵۸ مورد مشاوره حقوقی:** واحد حقوقی در ۵۸ مورد به مراجعان خود مشاوره حضوری و غیر حضوری داده است که شامل ۱۶ مورد مربوط به حضانت و سرپرستی ، ۱۶ مورد کودک‌آزاری، ۲ مورد قتل، ۲ مورد شناسنامه و سایر موارد عبارتند از؛ ممانعت از تحصیل، نزاع خیابانی، قتل، ترک انفاق فرزند صغیر، منع ملاقات با طفل و دعوای عزل ولی قهری. لازم به ذکر است کلیه خدمات واحد حقوقی کاملا رایگان است.
- **پیگیری های حقوقی:** طی سال گذشته، این واحد موارد حقوقی متعددی را نیز پیگیری کرده است که از آن جمله‌اند: پیگری موارد کودک‌آزاری در شهرهای گوناگون، مداخله در موارد کودک آزاری، پیگیری وضعیت مددجویان در زندان‌های کردستان، شیراز و ورامین، مکاتبه با ریاست قوه قضاییه، حضور هفتگی و ارائه خدمات رایگان حقوقی در کانون اصلاح و تربیت، حضور در دادسرای رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان، مکاتبه با مرجع ملی حقوق کودک، میانجی‌گری در پرونده‌ها، پیگیری و ثبت نام کودکان تبعه افغانستان در مدرسه و بررسی اسناد و مدارک تعهدآور در انجمن.
- **مشاوره در نگارش پایان نامه های دانشگاهی با موضوعات:** کودک آزاری در محیط آموزشی، بررسی وضعیت فقهی و حقوقی کودکان ترنس سکشوال، تاثیر معماری شهری در پیشگیری از بزه‌دیدگی کودکان، تحلیل جرم شناختی پرونده ستایش
- **برگزاری نشست و همایش های علمی:** انجمن حمایت از حقوق کودکان با برگزاری نشست و همایش هایی در حوزه‌ی فعالیت خود می‌کوشد تا هر چند وقت یک بار با ارائه جدیدترین اخبار و دست‌آوردهای اتفاقات این حوزه، بر آگاهی عمومی افزوده و مردم را متوجه شرایط حساس کودکان کند. واحد حقوقی در برگزاری این نشست‌ها نقشی

تعیین کننده دارد و موفق شده فعالیت‌های زیر را در این راستا انجام دهد:

برگزاری نشست حمایت از اطفال و نوجوانان بزه‌دیده در نظام عدالت کیفری ایران (بررسی کارشناسی لایحه حمایت از اطفال و نوجوانان)

برگزاری کارگاه حقوق کودک ویژه شرکت کنندگان موت کورت حقوق کودک

- **شرکت در جلسات حقوقی:** واحد حقوقی با شرکت در جلسات مرتبط مسایل حوزه کودک، در مراکز گوناگون این مسائل را مورد نقد و بررسی قرار داده و می‌کوشد تا به این وسیله گام‌های نوینی در بهبود شرایط کودکان در عرصه‌های اجرایی و تصمیم‌گیری بردارد. در همین رابطه طی سال ۹۷ این واحد در جلسات زیر حضور به هم رسانده و نقش خود را در اجرای وظیفه‌ای که برعهده گرفته ایفا نموده است.
- **جلسات نامبرده از این قرارند:**

جلسه بررسی مسایل مشکلات کودکان خانواده‌های زندانی و نوجوانان کانون اصلاح و تربیت

کمیسیون اجتماعی مجلس (در راستای بررسی ماده به ماده لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان)

سلسله جلسات مرجع ملی حقوق کودک و کمیسیون حقوق بشر و امور بین‌الملل

نشست حقوقی بررسی لایحه حمایت از حقوق کودکان و نوجوانان

مرکز مطالعات شهرداری

مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری

جلسه با اعضای کمپین یاران نجات

جلسه چالش‌های خلاء‌های قانونی در حوزه اجتماعی در وزارت کشور

حضور در صحن علنی مجلس

مرکز رصد اجتماعی وزارت کشور

همایش منطقه‌ای عدالت برای کودکان برگزار شده توسط مرجع ملی کنوانسیون حقوق کودک

- **همراهی با سایر واحدها:** واحد حقوقی در راستای تحقق بهتر اهداف انجمن به یاری سایر واحدها رفته و با بررسی نحوه عملکرد و یا برنامه‌ریزی سنجیده و دور از هرگونه اشکال و ابهام حقوقی برای پیشگیری از عوارض قانونی آن، حضور چشمگیر و سازنده‌ای داشته است. از جمله همکاری این واحد با سایر بخش‌های انجمن می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- **راه اندازی خط صدای یارای حقوقی**
- **همکاری با سایر سمن‌های فعال حوزه کودک**
- **بررسی آیین نامه شورای هماهنگی**
- **بررسی ایده یک اپلیکیشن در حوزه حمایت از کودکان**
- **جمعآوری گزارش در رابطه با موارد تهدیدکننده حقوق کودک در فرایند دادرسی**
- **بررسی منشور اخلاقی داوطلبان**
- **همکاری با موسسه آموزش عالی چتر دانش برای همکاری**
- **همکاری برای ساخت مستند بینام در مورد کودکان بی‌شناسنامه**

لزوم پروژه خودمراقبتی و پیشگیری از آزار جنسی (گزارش عملکرد واحد خودمراقبتی)

کودکان در جریان رشد خود از جهات گوناگون تکامل می‌یابند. این تکامل شامل رشد جسمانی، رشد احساسات نسبت به خود و دیگران، رشد عقلانی و رشد جنسی است. رشد جنسی هم مانند سایر جنبه‌های رشد دارای مراحلی است که به سن، فرهنگ، نژاد و محیطی که فرد در آن رشد و زندگی می‌کند بستگی دارد. بنابراین و با توجه به اهمیت این دوران در رشد و تکامل جسمی و روانی کودک؛ هرگونه آسیب و آزار در این دوران پیامدهای قابل توجهی خواهد داشت. تخمین زده شده ۶۰ تا ۸۰ درصد کسانی که مورد آزار قرار گرفته‌اند هیچ‌گاه در این مورد با کسی سخن نگفته‌اند، و میانگین زمان اتفاق آزار جنسی تا آشکار شدنش در کسانی که مطرح کرده‌اند حدود ۳ سال بوده است. این کودکان غالبا احساس شرم و گناه می‌کنند و خود را در این جریان مقصر می‌دانند و همین نیز باعث می‌شود بسیاری از موارد آزار جنسی گزارش نشود و قربانیان در بسیاری از موارد خدمات حمایتی و درمانی دریافت نکنند.

بروز اختلالات اضطرابی، افسردگی، اختلال در خوردن، انزوا و مشکلات ارتباطی در این کودکان بسیار شایع است. آن‌ها در بلند مدت با افت عملکرد مواجه می‌شوند. با توجه به این که کودکان سرمایه های انسانی کشورها هستند این آسیب هزینه‌های بسیاری را به دولت‌ها تحمیل می‌کند. به این ترتیب، آموزش خودمراقبتی و پیشگیری از این آسیب کارآمدترین تدبیری است که برای مواجهه با آن می‌توان اندیشید. در این راستا انجمن حمایت از حقوق کودکان آموزش‌هایی در دو بخش ترتیب داده است:

۱ تربیت جنسی کودک (ویژه والدین، مربیان و معلمان)

۲ آموزش مهارت خودمراقبتی (ویژه کودکان)

کارشناسان این پروژه، با هدف آموزش خودمراقبتی در جهت پیشگیری از کودک آزاری جنسی، اقدام به تدوین و تولید محتواهای آموزشی برای والدین و کودکان در سطوح ۶ ـ۳ سال، ۹ـ ۶ سال، ۱۲ـ ۹ سال و نوجوانان نموده و در جهت نیل به این هدف، امسال همزمان با روز جهانی کودک، بسته آموزشی خود را برای والدین و کودکان ۶ ـ۳ سال رونمایی کردند.

این بسته آموزشی شامل: کتاب آموزش خودمراقبتی راهی جهت پیشگیری از سوء استفاده و آزار جنسی کودکان (سخنی با مادران، پدران، معلمان و مربیان عزیز)، کتاب کودک (آموزش گام به گام خودمراقبتی به کودکان)، موسیقی و انیمیشن آموزشی برای کودکان، ابزارهای آموزشی طراحی شده جهت آموزش خود مراقبتی به کودکان ۶ ـ۳ سال و اپلیکیشن آموزشی خود مراقبتی است.

در کنار فعالیت‌های فوق، کارشناسان پروژه خودمراقبتی از شروع سال جاری تا کنون اقدام به برگزاری ۳ دوره کارگاه تربیت مربی آموزش خود مراقبتی از میان داوطلبان انجمن و نیز ۳۴ دوره کارگاه خود مراقبتی والد ـ کودک توسط مربیانی که دوره آموزش خودمراقبتی را در انجمن گذرانده نموده‌اند که با استقبال مخاطبین همراه بوده و در منطقه ۱۴ موفق به دریافت لوح تقدیر از شهرداری این منطقه شده است.

گـــزارش عـــمـلـکـرد واحـــد آمـــوزش

واحد آموزش انجمن حمایت از حقوق کودکان با هدف تربیت نیروهای متخصص در حوزه ی حقوق کودک و مربیگری مهارت‌های زندگی، طرحی را در همین راستا به اجرا در آورد. مینو اعرابی عضو هیات مدیره و مسئول واحد آموزش با اعلام فراخوان از میان داوطلبان علاقه‌مند و نیز روانشناسان ، موفق شد با گزینش نفراتی از آن‌ها و برگزاری دو جلسه توجیهی، توانمندی ایشان را برای اجرای این طرح افزایش دهد. وی با حضور ۳۵ نفر ، اقدام به برپایی کارگاه آموزش مهارت‌های زندگی برای کودکان نمود و برای ۲۵ داوطلب آموزش حقوق کودک نیز کارگاه‌های تسهیل‌گری حقوق کودک برپا کرد. مسئول واحد آموزش به خواست داوطلبان، برای تهیه جدیدترین کتاب آموزش حقوق کودک رایزنی کرد و با تهیه این کتاب ابزار آموزشی مناسب را در اختیار علاقه مندان قرار داد. همچنین ازشروع دوره آموزش برای هر دو گروه، یک جلسه به توضیح فنون اداره کارگاه و چگونگی برقراری مقررات اداره کارگاه از سوی شرکت کنندگان، و یک جلسه با تبیین ضرورت و اهمیت آموزش مهارت‌های زندگی و حقوق کودک برگزار شد و طی ۴ جلسه پس از آن، با مشارکت اعضاء داوطلب و با ارائه مطالب موضوعی آموزشی جلسات، همراه با نظارت و هدایت مسئول واحد آموزش برگزار گردید. جلسات کارگاه‌ها یکشنبه هر هفته برای هر کدام از موضوعات حقوق کودک و مهارت‌های زندگی طی دوساعت جداگانه برپا می‌شد. گفتنی است، مسئول واحد آموزش با همکاری دو تن از اعضای واحد داوطلبان و یکی از اعضای واحد حقوقی و نیز بهره‌مندی از مساعدت اعضای گروه آموزش، اقدام به برگزاری کارگاه حقوق کودک در سه جلسه ۴ ساعته برای ۵۰ نفر از داوطلبان جدید انجمن نمودند. واحد آموزش انجمن می‌کوشد تا در کنار سایر واحدها، روند پیشبرد اهداف انجمن را بهتر و سریع‌تر کند و البته که در این راه، همراهی داوطلبان و متخصصان امر از اهمیت فراوانی برخوردار است که افق بازتر و روشن‌تری به این مسیر می‌بخشد.

گزارش عملکرد واحد پژوهش

واحد پژوهش انجمن حمایت از حقوق کودکان متشکل از داوطلبین علاقه‌مند به حیطه کودکی و توانمند در حوزه پژوهش طی سال ۹۷ در زمینه‌های زیر فعالیت داشته‌اند

- برگزاری میز گفتگوی کودکی با عنوان «کودکی و مسئله آموزش: چالش‌های خصوصی شدن آموزش در کشور» توسط خانم گیتی خزاعی
- ترجمه کتاب (یونیسف) و ترجمه پیمان‌نامه به زبان ساده با قابلیت تبدیل شدن به پوستر و کتاب همراه با نقاشی‌های کودکان
- جمع‌آوری کتابچه های راهنما و اطلاع رسانی به زبان انگلیسی مربوط به سازمان بهداشت جهانی، یونیسف و سایر سازمان های بین المللی در زمینه کودک‌آزاری و کتاب‌های اصلی به صورت فایل pdf
- بررسی لایحه حمایت از حقوق کودکان مصوب سال ۹۱ و تدوین لایحه جایگزین مبتنی بر رژیم حقوقی کاملا متفاوت
- قواعد تابعیتی ایران و تدوین لایحه پیشنهادی «اصلاح موادی از قانون مدنی در خصوص تابعیت» با تمرکز بر بحران تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی و مردان خارجی
- بررسی بایسته های رژیم حقوق کیفری اطفال (ماهوی و شکلی) با محوریت قوانین آیین دادرسی کیفری و مجازات ۹۲
- طرح پروپوزال برای تشکیل یک گروه گفتمان متشکل از اندیشمندان کودک و شهر
- هماهنگی و تشکیل سه جلسه با سمن‌های فعال در حوزه کودکی، جهت الویت یابی مسائل کودکان از نگاه نهادهای مدنی فعال در حوزه کودکان
- ویرایش جزوه ای تحت عنوان **خود مراقبت‌گری راهی جهت پیشگیری از سوء استفاده از کودکان و جلوگیری از آزار جنسی کودکان** در همکاری با واحد آموزش ترجمه و ویراستاری طرح وزارت خانواده ،کودک و حقوق زنان دولت فرانسوا اولاند برای مقابله با خشونت علیه کودکان و تشکیل جلسه ای با رئیس اورژانس اجتماعی ایران جهت استفاده از این سند و امکان سنجی پیاده سازی بعضی از راهکارهای آن از طریق بهزیستی و همکاری انجمن، که به رغم استقبال اولیه و پیگیری‌های لازم موفق نبود
- تهیه گزارش مختصری از تنبیه در نظام آموزشی فرانسه به در خواست مسئول امور بین الملل آموزش و پرورش تهران
- شرکت در جلسات با سمن‌های فعال در حوزه کودکی و آسیب‌شناسی فعالیت‌های NGO ها
- تشکیل گروه پژوهشی زباله‌گردی و دعوت از دکتر کامیل احمدی و داوطلبان علاقه‌مند به این حوزه
- چاپ مقالاتی در روزنامه قانون در زمینه های متفاوت آسیب‌های کودکی توسط اعضا واحد پژوهشی
- برنامه‌ریزی در جهت برگزاری اولین کنگره کودکی، توسعه و سیاست‌گذاری اجتماعی

گزارش عملکرد دفتر مرکزی

دفتر مرکزی، بخشی از انجمن است که می‌کوشد در کنار دیگر واحدهای اجرایی و واحدها، با برگزاری همایش ، نشست‌های تخصصی و فعالیت‌های میدانی و شهری اهداف انجمن را پیش ببرد. تمرکز این دفتر در سال ۹۷ بر سه حوزه سیاست‌گذاری، فعالیت‌های فرهنگی- اجتماعی و اجرایی بود.

فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی شامل اطلاع رسانی، افزایش آگاهی و آموزش حقوق کودکان به خانواده‌ها، نهادها و سازمان‌های اجتماعی که با کودکان در ارتباط هستند از طریق فضای مجازی و یا نشست‌های تخصصی و فعالیت‌های میدانی است. همچنین تلاش برای کاهش و پیشگیری از بدرفتاری، آزار و هرنوع سوء استفاده، بی‌توجهی، بهره‌کشی، تبعیض و رفتاری که به سلامت جسمی و روانی کودکان آسیب می‌رساند نیز در اولویت این واحد قرار داشته است.

فعالیت‌های اجرایی دفتر مرکزی شامل تلاش برای به اجرا در آوردن قوانین حامی کودکان و از میان برداشتن موانع مخل اجرای صحیح این قوانین است (برای نمونه می‌توان به قوانینی همچون ممنوعیت کار کودک، آموزش عمومی و رایگان اشاره کرد) .

فعالیت‌های سال ۹۷ دفتر مرکزی

- نشست تخصصی سه روایت از کودکان کار
- کارزار ۵ ساعت مبارزه با کار کودکان در پارک لاله
- نشست تخصصی مرور اسناد جهانی مرتبط با حقوق کودکان (سند ملی مبارزه با خشونت علیه کودکان فرانسه)
- برگزاری مجمع عمومی سالانه انجمن در دفتر مرکزی انجمن
- نشست تخصصی حمایت از اطفال بزه‌دیده با همکاری دانشگاه تربیت مدرس
- نشست زندگی خارج از چارچوب ازدواج از منظر حقوق کودک
- اولین دوره کتابخوانی و اکران فیلم در دفتر مرکزی انجمن
- برگزاری نمایشگاه روز جهانی صلح با همکاری فرهنگ‌سرای شفق
- برگزاری اکران ماهانه فیلم های مرتبط با حقوق کودکان با همکاری فرهنگ سرای ارسباران
- برگزاری اولین کنگره ملی کودکی، توسعه و سیاست‌گذاری اجتماعی
- برگزاری جشن روز جهانی کودک همراه با مراسم رونمایی از پروژه خود مراقبتی
- برگزاری نشست تخصصی بازنگری وضعیت کودکان استثنایی در جامعه
- برگزاری جشن بازنمایی پیمان نامه حقوق کودک در فرهنگ سرای شفق
- برگزاری جشن تقدیر از داوطلبین انجمن در روز جهانی داوطلب
- برگزاری نشست تخصصی چالش های کودکان ترنسکشوال در جامعه ایرانی

پرونده دوم: کنگره کودکی، توسعه و سیاست گذاری اجتماعی

معرفی مختصر کنگره کودکی، توسعه و سیاست‌گذاری اجتماعی

اولین کنگره با محوریت کودکی و توسعه و سیاست‌گذاری اجتماعی توسط انجمن حمایت از حقوق کودکان، با مشارکت سازمان اسناد و کتابخانه ملی و همراهی دیگر نهادهای مدنی در تاریخ ۲۵ و ۲۶ دی ماه برگزار شد.

چرایی برگزاری کنگره از زبان فرشید یزدانی، دبیر اجرایی کنگره:

از جمله مباحث زیربنایی در توسعه بحث آموزش و پرورش و اساساً توانمندسازی کودکان است، از این رو با توجه به خلا گفتمان در حوزه کودکی و ارتباط آن با توسعه که همواره در سطح کلان نادیده انگاشته شده است. انجمن حمایت از حقوق کودکان با مشارکت چهره های علمی برجسته کشور، انجمن‌های علمی تخصصی و سمن‌های فعال در حوزه کودکی، کنگره کودکی، توسعه و سیاست‌گذاری اجتماعی را برگزار کرد.

دیدگاه مروئه وامقی، دبیر علمی کنگره:

این کنگره وجهی فرابخشی دارد و به نوعی اولین کنگره با محوریت کودکی و توسعه است که با حضور شخصیت‌های علمی در کشور برگزار شد. مباحث مطرح شده در این کنگره صرفاً در حوزه نظری باقی نمی‌ماند و امید است با مشارکت افراد ایده پرداز و پشتیبانی انجمن به صورت عملیاتی پیاده شود.

لازم به ذکر است که محورهای ارائه شده در این کنگره شامل مطالعات کودکی و رویکردها به دنیای کودکی، سیاست‌گذاری اجتماعی و کودکی، عدالت اجتماعی و کودکی، توسعه پایدار و کودکی، توسعه سیاسی و کودکی، توسعه اجتماعی و کودکی، توسعه اقتصادی و کودکی، توسعه قضایی و کودکی، توسعه فرهنگی و کودکی بود.

با این مقدمه به سراغ مصاحبه با پروفسور حسن عشایری و دکتر شیوا دولت‌آبادی از اعضای هیات علمی کنگره رفته تا در مورد روند و دستاورد کنگره گفتگوی کوتاهی داشته باشیم:

مـصاحبه با دکـتر دولت‌آبادی و پروفـسور عـشایری در خـصوص رونـد و مـاحصل کنگره

به نظر شما آیا کنگره توانسته است در طرح هدف‌هایی که داشت موفق باشد و در کل شما کنگره را موفق دیدید؟

خانم دکتر دولت‌آبادی: بله، من کنگره را کنگرهٔ موفقی دیدم و فکر می‌کنم هم موضوع‌ها و هم برگزاری خیلی مناسب بود. با وجودی که استقبال خوب بود از حضور افراد بیشتری انتظار می‌رفت، از حیث همکارانِ به اصطلاح داوطلب به معنایهای بیشتر و تنوعِ استقبال کنندگان برخوردار باشد که شاید کوتاهی در اطلاع رسانی بوده یا موارد دیگر. مثلاً من همین امروز با خانم دکتر شیخ‌الاسلام صحبت می‌کردم، ایشان می‌گفتند:«من متأسفانه خبردار نشده‌ام و حالا دارم موضوعاتی که در اینترنت پیدا می‌کنم را می‌شنوم.» حال واقعاً نمی‌دانم ما چقدر باید گسترده‌تر تبلیغ می‌کردیم. ولی آنچه که درواقع، خودِ دستاورد کنگره بود، به نظر من هم از نظر اجرا و هم ساختار خیلی خوب بود.

در مواردی که مطرح شد، مثل توسعهٔ پایدار و کودکی، توسعهٔ قضایی و کودکی، سیاسی و کودکی، فرهنگی ـ اقتصادی و اجتماعی، یا عدالت اجتماعی و کودکی به‌نظر شما، کدام‌یک از این موارد، در حال حاضر، اولویتش بیشتر است؟ نه به این معنی که باقی اهمیت کمتری داشته باشند، ولی کدام یک از این موارد، به‌نظر شما، اولویت بیشتری در ارتباط با کودکی دارند ؟

خانم دکتر دولت‌آبادی: چون این‌ها به قدری همه به هم آمیخته هستند، خیلی سخت است بتوانم بگویم. برای مثال شما وقتی که از عدالت صحبت می‌کنید، اگر فقط مسئله عدالتِ قضایی برای کودکان معارض با قانون را درنظر بگیریم؛ یک حرف است، ولی اگر مفهوم قوانین خوب و عدالت را درنظر بگیریم، همان قدر که به مسئله آموزش مربوط می‌شود؛ به فرهنگ هم مربوط می‌شود. بنابراین، واقعاً نمی‌توانم اولویت بندی بکنم. آنچه که ما می‌توانیم از درون کلّ قضیه بیرون بیاوریم، این است که کدام یک از این مباحثِ توسعه نیافتنش عوارض بیشتری برای کودکان دارد، یعنی از آن طرف قضیه نگاه کنیم، بگوییم که مثلاً کدام دسته از بی‌عدالتی‌ها یا نشدن‌ها برای کودکان ، آسیب بیشتری به آنها می‌زند؟ من این گونه نگاه می‌کنم.

برای پنل‌های بعدی پیشنهادتان چیست؟ به یک مورد اشاره کردید که اطلاع‌رسانی گسترده‌تری بشود؛ این پیشنهادتان را اول فرمودید. نکته دیگری را برای کنگره‌های بعدی در نظر دارید؟

خانم دکتر دولت‌آبادی: در حال حاضر مورد خاصی در نظر ندارم. فکر می‌کنم آنچه که خیلی خوب بود، قدمی بود که برداشته شد. بیشترمطرح شدن و یا پیگیری آنچه که اکنون به‌عنوان اولویت‌ها از نظر جمع حاصل می‌شود، آغاز قدم به قدم پیش رفتن به این منظور که بشود کارهایی برای کودکان کرد؛ می تواند دستاورد این کنگره باشد. به نظر من، درکل باید نگاه همه جانبه به کودکان داشته باشیم؛ یک نوع درگیر کردن گسترده‌تر جامعه با توجه به مسائل کودک.

شما سؤال بعدی مرا هم جواب دادید، سؤال این بود که چه کاری می‌شود انجام داد که این بحث‌ها فقط در حدهٔ کنگرهٔ علمی محدود نشود و خیلی گسترده‌تر شود؟

خانم دکتر دولت‌آبادی: ما باید تمام تلاشمان را بکنیم تا بتوانیم حساس‌سازی جامعه نسبت به مسائل کودکان را ایجاد بکنیم. بغایت این مورد به رسانه بر می‌گردد. بیشتر به پیشرفت حقوق کودک در سطح جامعه برمی‌گردد. اطلاع رسانی در موردِ همین قانون حمایت از کودک و نوجوان که از سال ۸۱ وجود دارد و اینکه چقدر می‌شود اشاعه پیدا بکند، به شکلی که این امرعمومیت پیدا بکند، یعنی ترغیب کسانی که ابزارهای رسانه را دراختیار دارند تا به اطلاع مردم برسانند؛ آن‌ها مثلاً مسئول خبر دادن کودک‌آزاری هستند، نه این‌که اختیارش را در دست داشته باشند. به هرحال، خیلی وقت‌ها اگر بشود برای این ایده‌ها پشتیبانی عام پیدا کرد، این گونه آرام آرام به فرهنگ تبدیل می‌شوند.

آقای دکتر، به‌نظر شما، آیا کنگرهٔ کودکی توانسته است در طرح هدف‌هایی که داشت موفق باشد؟

آقای دکتر عشایری: من روز اول و آخر را حضور داشتم؛ میانه‌ها را هم سر زدم، این را اول خدمتتان بگویم که همهٔ سخنرانی‌ها را گوش ندادم؛ ولی عنوان‌ها را در دفترچه‌ای که نوشته شده بود خواندم. و خیلی‌ها را می‌شناسم، می‌دانم که قبلاً خیلی کار کردند، ولی مزیتش این بود که چند انجمن همکاری داشتند، یعنی فقط یک انجمن نبود، از تنوع برخوردار بود. در مجموع، ارزیابی من خیلی مثبت بود. اتفاقاً در صحبت‌هایم هم گفتم، زیرا کار من در حوزه کنگره است، کنگره برگزار و ارزیابی می‌کنم. به این قسمت در اختتامیه هم اشاره کردم که واقعاً جنبه (social) اجتماعی اش نسبت به کنگره‌های دیگری که می‌شناسم، فوق‌العاده قوی بود. من فکر می‌کنم، ان‌شاءالله، شاید در آینده شما کارگاه‌هایی هم در حاشیه ترتیب دهید، این پیشنهاد من است.

اتفاقاً یکی از سؤال ها در مورد برپایی کارگاه‌ها بود، که شما به آن اشاره کردید. ممکن است توضیح بیشتری دهید.

دکتر عشایری: کارگاه‌ها در ایران کمی فرمالیستی است، یعنی قوی نیست، آن‌هایی که من در رشته‌های خودم می‌بینم. خودم هم دو سه دفعه کارگاه برگزار کردم، ولی در شرایطی که برای مثال در نصف روز، سه کارگاه بتواند تشکیل شود؛ برای متخصصین، یعنی اشخاصی که علاقه‌مند هستند. اسم بنویسند و در کارگاه‌ها شرکت کنند. این سؤال‌هایی که از متن این کنگره‌ها بیرون آمده، جای خالی دارد. کارگاه‌ها را واقعاً اشخاصی که صاحب‌نظر هستند، اداره کنند. کارگاه معمولاً، همان طور که مسبوق هستید، بیشتر از۱۲ نفر۱۶ نفر فایده ندارد. در ایران کارگاه ۲۰ نفره برگزار می‌کنند، (فایده ای ندارد!) به درد نمی‌خورد، زیرا همه باید در کارگاه بتوانند حرف بزنند، نظر بدهند و نتیجهٔ کارگاه را یک نفر سخنگوش بگوید و جمع‌بندی بشود؛ مثلاً دو، سه تا کارگاه با سؤال‌های مشخص اگر به درستی (برنامه ریزی) organize بشود، می‌تواند در آینده برروی سخنرانی‌ها خیلی کمک کند. نتایج کارگاه‌ها بعد از کنگره می‌تواند به صورت مکتوب دراختیار انجمن‌ها، مثلاً انجمن حمایت از کودکان و انجمن‌های دیگر قرار بگیرد و به استراتژی‌ای که در جامعه قرار دارد این پیام داده بشود که دیگر خیلی تکمیل می شود. البته در مجموع مثبت بود. زحمت کشیدید؛ فضا و (ارائه) presentation خوبی بود، من این‌ها را تأیید کرده‌ام. ولی کارگاه پیشنهاد است؛ اگر امکان داشته باشد فکری بکنند. منتها کارِ کارگاه مشکل تر از سخنرانی است، سخت تر از میزگرد است، میزگرد هم داشتید، دیدم. ولی کارگاه فرق می‌کند؛ یعنی متخصصین بتوانند در کارگاه بر روی آن سؤال‌ها و یا آن مسائلی که به‌عنوان محور اصلی در کنگره مطرح است، کاری بکنند، من فکر می‌کنم درآینده می‌تواند برای جامعه پیام‌های کاربردی خیلی خیلی محکمی را ارائه بدهد.

آقای دکتر چه کار می‌شود کرد که این بحث‌ها فقط در حدّ کنگره علمی محدود نماند. به نظر شما، با تشکیل کارگاه‌ها می‌شود این امر را در سطح گسترده‌تری عرضه کرد؟

آقای دکتر عشایری: کاملاً درست می‌فرمایید ، بله. عرض کردم اگر واقعاً روش کارگاه را اشخاص صاحب‌نظر بدانند. کارگاه تقریباً مثل آزمایشگاه است دیگر. موقعی که شما خونتان را به آزمایشگاه می‌دهید، در آزمایش می‌گویند که کلسترول بالا است و غیره. انواع و اقسام کارگاه داریم؛ کارگاه آموزشی داریم، کارگاه تشخیصی داریم. کارگاه تعریف دارد به‌اصطلاح: Workshop. ولی اگر عزیزان از قبل یک نوبت جمع بشوند و فراتر از سخنرانی‌ها باشد. در موردِ کارگاه هم نه یک عدد، حداقل دو یا سه نوبت. شما دو تا سالن داشتید، درست است؟

سه تا سالن بود.

آقای دکتر عشایری: من فکر می‌کنم سالن زیاد باشد خوب است، علاقه‌مندان می‌توانند مراجعه کنند، ولی دوتا کافی است. ما هم با سالن‌ها تجربه‌هایی داشتیم. درعوض وقت را بگذارند برای دو، سه کارگاهی که درحقیقت از خیلی قبل مکتوب شده‌اند، استراتژی‌اش مشخص شده باشد و ارائه بدهند، سخنرانی‌ها را تکمیل کند، و نتایج هم به عنوان یک پیام می‌تواند به جامعه عرضه شود، برای مثال اگر رسانه‌ها همکاری کنند، کارگاه‌های خوب می‌توانند در رسانهٔ برنامهٔ کودک میزگرد بگذارند، (این خوراک می‌شود) ــ اگر قبول کنند و با اجازهٔ شما شعور داشته باشند ــ چون رسانه‌ها ظاهراً با ما مشکل دارند و ما با آن‌ها. چون به‌عقیدهٔ من که یک دفعه با آن‌ها کار کردم، بعد دعوا می‌شود. اصلاً کارشان اندیشه‌کش و سترون‌ساز است. اندیشه بایستی پخش شود. این خیلی مهم است. و این کارگاه‌ها می‌تواند مانند خوراکی باشد برای میزگردها، برنامه‌های علمی کودک برای والدین، برای آموزش و پرورش در چند کارگاه؛ مثلاً یک هدفمندی‌اش در موردِ مهدکودک و مربیان باشد که چه کار بکنند و چه کار نکنند؛ این خیلی مهم است. این مدل کارگاه‌ها در خارج دارد انجام می‌گیرد. نیازی نیست ما از صفر شروع کنیم. می‌شود از الگوها استفاده کرد، منتها واجب است وطنی شوند، یعنی دقیقاً باید بیشتر با نیازهای خودمان، کمبودهای خودمان، اهداف خودمان، تطابق بدهیم. ولی لازم است قبلاً یک گروه در مورد آن کار کنند. برای من، مثل یک پژوهش مقدماتی است که ببینیم کارگاه‌هایی که مثلاً در سوییس، آلمان، نروژ برگزار می شوند، چه کار می‌کنند؟ نتایج این کارگاه‌ها چیست؟ کلمهٔ کارگاه اصلاً اسمش رویش است دیگر. باید کار بکنند؛ کار کار.

فکری است. مثلاً یکی از پیشنهادهای من می‌تواند این گونه باشد، زیرا من چند پژوهش دارم، نیازها را حس کردم، برای آموزش تفکر نقادانه در دوره‌های مختلف کارگاهی باشد در دوره‌های پیش‌مدرسه، مهدکودک. حال، کلمهٔ نقاد در ایران صحیح باز نشده است. پرسش‌گری نه؟ متونی وجود دارد، کتاب‌های خوبی هم ترجمه شده که پرسش‌گری مهم‌تر از جواب است. کتاب‌های مناسبی داریم که برای کودکان چاپ شده است. کلمهٔ کودک مهم است. من فکر می‌کنم شما اگر مطالعهٔ یک گروه را تنظیم بفرمایید، هر چندی بنشینند، اول با بررسی پیشینهٔ تحقیقی که در خارج موجود است و من هم مختصری دسترسی دارم؛ بتوانند استفاده کنند. بعد به‌صورت وطنی کارگاه‌هایی مبنی بر نیازهای مبرم که در همه چیز اثر دارد، برپا کنند. منتها عامل تعیین‌کننده مهم است؛ کمی تیزتر و برّنده‌تر که بتواند به طریقی به زحمات شما ندا بدهد. تا به این تفکر نقادانه یا پرسش‌گری و این‌گونه مسائل برای کودکان که جایش واقعاً خالی است؛ آگاهی و تکانی بدهد. من دو ،سه مورد تحقیق دارم؛ به این اصل متکی می‌باشم که هم مدارس انتفاعی، غیرانتفاعی، معلم ها و کودکان ــ چون رشد کودک را تا شش‌سالگی کار کرده‌ام ــ اصلاً پرسش‌گری بلد نیستند. Right Question سؤال خیلی مهمی می باشد که در آموزش ما، جایش کاملاً خالی است. حال خودمان یک الگو می‌سازیم که اسمش را گذاشته‌ایم **الگوی رسانهٔ هوشمند کودک و نوجوان** مبنی بر آموزش تفکر نقادانه ؛ این یک پروژه است. البته ما این الگو را درست کنیم، معلوم نیست که حالا ارگان‌ها، از آن استفاده کنند، ولی انجمن‌ها و NGO ها حتماً استقبال خواهند کرد و استفاده می‌کنند. امیدواریم که دولت‌مردان هم با اجازهٔ شما شعور داشته باشند و از این الگو استفاده کنند.

در مجموع، بدون تعارف، من حوزه کاری ام کنگره است، این کنگره کنگرهٔ خیلی خوبی بود.

پرونده سوم: کرمانشاه ادامه دارد، معرفی نخستین مهد کودک سیار ایران

کرمانشاه ادامه دارد، معرفی نخستین مهدسیار ایران

زلزله کرمانشاه یکی دیگر از اتفاقات تلخی بود که خسارات اجتماعی بسیاری با خود داشت. آن چه آمارهای اعلامی به آن تکیه می‌کند، غالباً میزان خسارت‌های مالی و جانی است؛ حال آن که خسارت‌های انسانی و محرومیت از سرمایه‌های عاطفی و فرهنگی به مراتب بیش از سایر خسارات آسیب رسان و ویرانگرند.

انجمن حمایت از حقوق کودکان از اولین روزهای پس از وقوع زلزله کرمانشاه با حضور در مناطق مختلف آنجا، تلاش برای ترمیم و کاهش خسارات را آغاز کرد. مجموعه، پس از انجام بررسی‌های لازم دانست که حمایت از کودکان زلزله‌زده این منطقه به دلایلی چون پراکندگی بالای جمعیت، کوهستانی بودن و فاصله روستاها با یکدیگرنمی‌تواند مانند تجربه‌های پیشین نظیر زلزله بم و ورزقان صورت پذیرد. تصمیم بر این شد که در مرحله اول سه مهدکودک در کانکس راه‌اندازی شود (که اکنون دو عدد از آن‌ها در روستاها فعال هستند) و در گام بعدی، ایده مهد کودک سیار مطرح و با همکاری شرکت رنوپارس اجرا شد. هم اکنون این مهدکودک در چند روستای منطقه زلزله زده زیر نظر انجمن فعال است و با جی‌پی‌اس و دوربین مداربسته به صورت آنلاین کنترل می‌شود. لازم به ذکر است که هزینه‌های این پروژه و نگهداری آن بر عهده شرکت رنو پارس است و انجمن حمایت از حقوق کودکان مدیریت پروژه را برعهده دارد.

هدف از ایجاد مهدکودک سیار از زبان فرشید یزدانی، مدیرعامل انجمن

مهد کودک سیار نخستین تجربه انجمن در این حوزه است. ما با نگاهی بلند مدت می‌کوشیم ابعاد کار را با دقت ثبت کنیم تا بتوانیم آن را در سطح وسیع تری اجرایی کنیم. این مهد با مهدهای دیگر تفاوت‌هایی دارد، از جمله این که دسترسی‌ها را بیشتر می‌کند، آموزش‌ها با فرهنگی محلی مطابق است، احساس هویت به فرد داده می‌شود، اعتماد به نفس کودکان افزایش می‌یابد و کودک احساس اهمیت می‌کند. چون آموزش‌ها به‌صورت گروهی به کودکان ارائه می‌شود؛ مجموعه این آموزش‌ها، انسجام اجتماعی را تقویت می‌کند. احساس انسجام اجتماعی نیاز امروز جامعه ی ماست و با این پروژه احساس جامعه‌پذیری در فرد ایجاد می‌شود و کودکان و خانواده هایشان احساس می‌کنند فاصله‌ها با مرکز کمتر شده است و می‌توانند از مشابه آموزشی که به کودکان تهرانی داده می شوند (البته متناسب با فرهنگ محلی) بهره‌مند باشند. اجرای این طرح کاهش فاصله در برخورداری از امکانات، پیوند با عرصه ملی و احساس تعلق ملی را تقویت می‌کند. تاکنون همکاری منطقه‌ای خیلی خوب بوده است، البته نیازهایی وجود دارد که باید در آینده برطرف شود، برای مثال نیازمند مربی‌های نیمه‌وقتی در این روستاها هستیم که البته سایر سمن‌ها هم می‌توانند برای توسعه آن همکاری کنند.

شیدا عشایری از آموزش مدرن در خاک راه های محلی می‌گوید

شیدا عشایری، عضو شورای هماهنگی کرمانشاه انجمن حمایت از حقوق کودکان: مهد کودک ساعت ۹ صبح شروع به کار می‌کند و هر دو ساعت تا ۴ عصر در یکی از این روستاها ارائه خدمات می‌کند. مهدکودک سیار به دلیل رعایت مسائل ایمنی ، هنگام کار اجازه حرکت ندارد. این ماشین، کتابخانه، میز قابل جابجایی، تلویزیون، تهویه هوا و... دارد. محیط آن مدرن است اما آموزش‌ها بر اساس فرهنگ جامعه محلی طراحی شده. برنامه‌های بلندخوانی، کاردستی و نقاشی، آموزش موسیقی محلی، عروسک سازی با پارچهٔ لباس‌های محلی در این مهد برگزار می‌شود.کودکان علاوه بر این‌ها، ساخت صنایع دستی بومی را نیز می‌آموزند و در آینده هم مربیان مختلف بر مبنای نیاز، آموزش‌های علمی و کاربردی جدید ارائه خواهند داد. به کمک این پروژه و با همکاری مربی‌های بومی سعی شده تا با زبان و فرهنگ محلی آموزش‌ها انجام شود. آموزش‌ها به زبان کردی و استفاده از زبان فارسی به عنوان پیش‌زمینه‌ای برای مدرسه انجام می شود. محتوای آموزشی و بازی‌های محلی به زبان کردی خیلی سخت پیدا می‌شود و باید از بومی‌ها کمک گرفت تا ضرب‌المثل‌ها، قصه‌ها، بازی‌ها، باورها، آئین و فرهنگ خودشان به کودکان منتقل شود.

دیدگاه شیوا دولت آبادی نایب رئیس انجمن روانشناسی ایران در خصوص مهدسیار

مهدکودک سیار از منظر زیبایی‌شناسی، هویت زیبایی به کودکان می‌دهد. سیار بودن این وسیله را خیلی کارآمدتر کرده است، زیرا فضا، بخشی از فرایند آموزش است و این وسیله هر روز خدمات آموزشی و رفاهی را به کودکان ارائه می‌دهد. در شکل فرمی اتفاق خوبی در منطقه رخ می‌دهد، این که کودکان برنامه داشته باشند و روزشان با یک نظم برای رسیدن به مهد همراه شود، نظمی به زندگی‌شان داده می‌شود و به هیجانات آن ها نظمی داده می‌شود. ورود به مدرسه با پیش‌زمینه‌های متفاوتی از آمادگی صورت می‌گیرد. بچه‌ها با تجربیات محدود و آموزش‌های محدودی وارد مدرسه می‌شوند. هرچه بتوانیم زودتر این خلاءها را جبران کنیم، زمینه رشد متعارف در جامعه شانس بیشتر خواهد داشت. پروژه آموزشی این مهد قرار است به فرهنگ محلی معطوف باشد و آموزش پیش از پایه برای استحکام شخصیت کودکان است که سبب رعایت حقوق آن‌ها می‌شود. حق بازی، شادی، دانستن، دسترسی به اطلاعات متناسب با سن می‌تواند زمینه ساز استحکام شخصیت شود.

همراه با داوطلبان و مسئولین انجمن حمایت از حقوق کودکان

شـــایان بـــهزادی ■ داوطلـــب واحد روابط عمومی انـــجمن حمایت از حقوق کودکان

در این بخش از خبرنامه سراغ آقای شایان بهزادی مسئول روابط عمومی انجمن حمایت از حقوق کودکان آمده ایم تا مصاحبه‌ای کوتاه در خصوص فعالیتشان در انجمن داشته باشیم.

■ از پیشینه‌ی حضور خود در انجمن برایمان بگویید.

در سال ۱۳۹۳ عضو انجمن در واحد روابط عمومی شدم و در بخش های مختلف این واحد شرکت داشتم. در سال ۱۳۹۶ در کمیته داوطلبان فرصت همکاری پیدا کردم و همچنین بعد از وقوع زلزله کرمانشاه به صورت کوتاهی در تیم کمک رسانی به فعالیت پرداختم.

■ چه انگیزه‌هایی شما را به حضور فعالانه در انجمن ترغیب کرده است؟

حس وظیفه نسبت به افرادی که شرایط جامعه آن ها را در وضعیت نامساعد اقتصادی و فرهنگی قرار داده است.

■ از وضعیت کار داوطلبانه در ایران توضیح دهید.

متاسفانه به عقیده من طی سال های اخیر در جامعه شاهد افزایش بی تفاوتی به خصوص در نسل های جوان تر نسبت به وضعیت نیازمندان هستیم که این موضوع به صورت حضور کمتر افراد در انجمن ها نشان داده است. البته حضور کمتر داوطلبان می‌تواند دلایل دیگری نیز داشته باشد که می‌توان به نامساعد شدن وضعیت اقتصادی اشاره کرد که باعث شد افراد بیشتر درگیر زندگی‌های شخصی خود باشند و همچنین شاید افزایش تعداد سمن ها را هم بتوان در نظر گرفت که باعث پراکندگی بیشتر داوطلب ها شده است.

■ انجمن حمایت از حقوق کودکانِ مورد نظر شما چه ویژگی‌هایی دارد؟

یک مجموعه ایده آل را شاید بتوان یک مجموعه یکپارچه و همراه تعریف کرد که افراد با وجود اختلاف نظرها در کنار هم برای رسیدن هدف اصلی تلاش کنند. متاسفانه بسیاری از انجمن‌ها بعد از گذشت مدتی دچار حاشیه‌های درون سازمانی زیادی می شوند که باعث می شود به جای هم افزایی به مانع تراشی برای همدیگر دچار شوند. همچنین الزام به ارزیابی صحیح و مستمر افراد در مجموعه است تا به کمک آن افراد در مناسب ترین بخش با توجه به توانایی های خود قرار بگیرند.

■ آیا تاکنون هدف های شما با اهداف انجمن هم راستا بوده است؟

در مواردی بله و در مواردی خیر. به نظرم هدف انجمن حمایت از حقوق کودکان به طور ساده بهبود فرهنگ جامعه است ولی برای رسیدن به این هدف راه‌های بسیار مختلفی توسط افراد ارائه می‌شود که برخی از آن ها می‌تواند کارآمد و برخی بر خلاف ظاهرش مخرب باشد. من هم به باور خود با بخشی از این مسیرها موافق و با برخی مخالف بوده‌ام.

■ از دیدگاه شما بزرگترین چالش کار در حوزه‌ی کودک چیست؟

به نظرم بزرگترین چالش تغییر نگرش جامعه نسبت به کودکان خود است. متاسفانه بخش عمده‌ای از جامعه دارای فرهنگ کهنه و سنتی است که تعریف مناسب و درستی از کودکی ندارد. این فرهنگ اشتباه می‌تواند در مواردی آسیب‌های جبران ناپذیری به کودکان وارد کند که اثرهای آن تا بزرگسالی و حتی نسل های بعدی آن‌ها ادامه پیدا می‌کند. همچنین به نظرم یکی از موانع بزرگی که مانع رسیدن فعالان حوزه کودک به این هدف شده عدم همراهی نهادهای مسئول و چه بسا در مواردی مقابله و سنگ اندازی آن ها بوده است.

■ آیا سمن‌ها در ایران نهادهای تاثیرگذار هستند؟ چرا؟

قطعا تاثیرگذار بوده‌اند. یعنی به طور قطع می‌توان گفت بودنشان از نبودنشان بهتر است ولی به نظرم بحث اصلی میزان تاثیری‌گذاری یا بازده این سمن‌ها می باشد که به عقیده من کافی نبوده است و حتی می‌توان گفت بسیاری از انرژی های موجود در این سازمان‌ها تلف شده است. متاسفانه ما در حوزه کودکان تعداد زیادی از سمن‌ها را مشاهده می‌کنیم که بدون کمترین همکاری با یکدیگر به فعالیت می پردازند که این امر باعث موازی کاری در امور بسیاری شده است. اگر همکاری و اشتراک تجارب یکدیگر در بین سمن‌ها برقرار بود چه بسا کارها بسیار بهتر و موثرتر انجام می‌شد. به علاوه برخی از سمن‌ها پیشینه علمی لازم برای فعالیت های خود را ندارند و به همین دلیل به سعی و خطا متوسل می‌شوند که این موضوع در بسیاری از موارد به جای اینکه کمک کننده باشد باعث آسیب بیشتر می‌شود و در کنار این شیوه در برخورد با معضلات اجتماعی شاهد مستند سازی مناسبی نیستیم و این موضوع باعث می شود که مجموعه در یک چرخه سعی و خطا قرار بگیرد که بسیار مخرب است.

■ یکی از بهترین و سخت ترین روزهای حضورتان در انجمن؟

کمی سخت است که بخواهم تاریخچه حضور خودم در انجمن را دسته‌بندی کنم. همواره فعالیت‌ها در انجمن دارای چالش های متناسب با خودش بوده که کمک به رشد شخصیتی من کرده است. ولی می‌توانم بگویم حضورم در اتفاق‌های کرمانشاه برای من یک تجربه تازه و جالب بود، در حین سختی هایی که داشت. حضورم در کرمانشاه موجب افزایش دانشم در رابطه با جامعه و محرومیت های موجود شد. همچنین یکی از بهترین اتفاق‌ها در طول حضورم در انجمن آشنایی و همکاری با افرادی که بسیار برای من مفید و افتخارآمیز بود، می باشد.

اگر بخواهم در مورد لحظات تلخ در انجمن صحبت کنم باید به حاشیه های زیاد موجود در انجمن اشاره کنم. متاسفانه همواره در انجمن مقدار قابل توجهی از انرژی افراد صرف حاشیه‌ها می‌شود که موجب فرسودگی افراد شده که بعد از مدتی کارآمدی خود را تا حدودی از دست می دهند.

■ در انتهای مصاحبه تمایل دارید به چه نکته هایی اشاره کنید؟

انجمن در سال های گذشته با چالش های متفاوتی مواجه بوده که بسیاری از آن ها درون سازمانی است. به گمان من امروزه انجمن نیازمند جوان‌گرایی در بخش های مختلف خود است تا بتواند تازه نفس‌تر و خلاقانه تر به ادامه فعالیت‌های خود بپردازد. البته این جوان گرایی ملزم به استفاده تجربه های افراد قدیمی است. در نهایت امیدوارم انجمن به روزهای همدلی و توجه به نقاط اشتراک به جای نقاط اختلاف نزدیک تر شود تا بتواند بیش از گذشته در جامعه تاثیرگزار باشد.

مرتضی نامجو و شیرین حیدری ■ مدیران خانه کودک شوش در سال ۹۷

■ از اهداف انجمن و مهم ترین آن ها در خانه کودک شوش بگویید.

شیرین حیدری: تفهیم، تبلیغ و ترویج اصول پیمان نامه حقوق کودک. مهم‌ترین مسئله، ترویج مفاد پیمان‌نامه میان اقشار مختلف جامعه است تا همه بتوانند با پیمان‌نامه آشنا شوند، تحت تأثیر آن قرار بگیرند و به آن عمل کنند.

از آنجایی که خانه کودک شوش اولین پروژه انجمن در زمینه آموزش و توانمندسازی کودکانِ در شرایط دشواراست، باید به اصول پیمان‌نامه پایبند باشد و در راستای همان اهداف و اصول عمل کند. ما در این چند سال تمام تلاش خود را به کار گرفته‌ایم که شرایط را برای کودکان خانه کودک طوری فراهم کنیم تا پیمان‌نامه برای آن‌ها تفهیم شود، اما نه به صورت آرمانی و رویاپردازانه بلکه با توجه به شرایط و امکان‌ها، که در این منطقه دخیل می‌باشند. سعی کرده‌ایم توجه ساکنان منطقه را به مسئله کودک به ویژه کودکان کار و کودکان مهاجر جلب کنیم تا بتوانیم آن‌ها را در خصوص حقوق کودکان و مسائل مربوط به آن‌ها تحت تأثیر قرار دهیم .

مرتضی نامجو: از هدف‌های انجمن می‌توان به برنامه‌ریزی جهت ایمن سازی کودکان منطقه در مقابل حوادث، تغییر ملموس در وضع بهداشت فردی کودکان مجموعه، برقراری ارتباط کارآمد بین کودکان، ساکنان محله، مربیان داوطلب و مسئولان طرح، تقویت اعتماد به نفس و جلوگیری از بازماندگی تحصیلی کودکان نام برد. مهم‌ترین هدف انجمن ایمن سازی کودکان منطقه در مقابل حوادثی است که آن ها را تهدید می‌کند، این امر با رعایت مفاد پیمان‌نامه حقوق کودک و در راستای ترویج آن می‌باشد.

■ اهداف مهم شما در خانه کودک شوش چه می باشد؟

شیرین حیدری: در این چند سال ما به همراه همکاران در خانه کودک، ابتدا به نیازسنجی و بررسی نیازهای کودکان در منطقه پرداختیم. زیرا پیش از ما فقط امکان تحصیل رایگان برای کودکان در مرکز فراهم بود ، اما ما با نیاز سنجی‌ای که انجام داده‌ایم متوجه شدیم که این کودکان به مواردی بیش از تحصیل نیازمند هستند. نیاز به شادی، نیاز امید به زندگی، کودکی کردن ، سلامت جسمی و روانی و غیره که مورد توجه نبودند اما عبور از کنار آن ها ممکن نبود.

مرتضی نامجو: به عمل رساندن مرحله‌ی مفاد پیمان نامه حقوق کودک به ویژه کودکان در معرض آسیب که در منطقه هرندی زندگی می‌کنند؛ و نیز بالا بردن سطح آگاهی عمومی مردم منطقه و نگرش مثبت آنان نسبت به کودکان می باشد.

■ مهم ترین فعالیت خانه کودک در دوره کاری شما چه بوده است ؟

شیرین حیدری: از کارهایی که در این پنج سال انجام داده ایم؛ دایر کردن بخش ورزش (مدرسه فوتبال) بود. تیم های فوتبال در رده‌های سنی مختلف تشکیل دادیم که این تیم‌ها در مسابقه‌های مختلف شرکت کرده و مقام های زیادی هم به دست آورده‌اند که برای روحیه کودکان بسیار تأثیرگذار و مشوقی بود تا بسیاری از آن‌ها در خانه کودک باقی بمانند. شرکت در این کارهای تیمی در زندگی آن‌ها، رفتارشان و امیدشان کودکان را متحول کرد و ما بازخورد این تحول را از خانواده‌ها و برخوردهای مستقیم با آن‌ها به خوبی لمس می‌کردیم.

پس از مذاکرات با فدراسیون تکواندو توانستیم کلاس های تکواندو را برگزار کنیم تا۳۰ نفر از دختران خانه کودک و منطقه به طور منظم در آن شرکت کنند که با پیشرفت هایشان در مسابقات مختلف درخشیده‌اند. برای دخترانی در این شرایط بسیار حائز اهمیت بود و به بهبود اعتماد به نفس آن‌ها کمک کرد و یادآور شد که آن ها فراموش نشده‌اند. تأثیرهای این مسئله به وضوح در زندگی این کودکان قابل مشاهده می‌باشد. کار دیگری که ما در خانه کودک انجام داده‌ایم با توجه به مهاجر بودن و نداشتن اوراق هویتی بسیاری از کودکان منطقه، آزارهای روحی ناشی از تضادهای فرهنگی و هویتی با محیطی ناشناخته و مواجهه با تحقیر و تبعیض های مختلف از سوی محیط، این کودکان با مشکلات روحی و روانی مختلفی روبرو شدند؛ همین مسئله مشوق ما بود تا بتوانیم بخش روانشناسی را در خانه کودک راه اندازی کنیم و به این کودکان مشاوره دهیم تا شرایط برون ریزی آلام آن‌ها را فراهم کنیم و مقداری رنج‌های روانی شان را با کمک روانشناسان خانه کودک تسکین دهیم.

در بخش‌های هنری خانه کودک هم فعالیت هایی چون راه اندازی بخش طراحی و نقاشی و برگزاری نمایشگاه به مدت یک هفته برای آثار کودکان با آموزش توسط داوطلب‌ها می‌توان اشاره کرد.

فعالیت دیگر ما همکاری و تعامل با **کانون پرورش فکری** و **پژوهشگاه تاریخ و ادبیات کودک و نوجوان** بود که منجر به اجرای طرح «با من بخوان» با ماهیت قصه خوانی و روش خوانش قصه موجب پیشرفت کودکان در املا و روخوانی متن شد؛ که از همان قصه‌ها نقاشی کشیدند، کار دستی ساختند و تئاتر اجرا کردند. این‌ها شور و هیجانی در کودکان ایجاد کرد که در این شرایط بسیار برای آن‌ها ضروری است.

کلاس‌های «فلسفه برای کودکان» را برگزار کرده‌ایم که کودکان به نقد و تحیل فیلم‌ها و کتاب های مختلف می‌نشستند، از این طریق نوعی گفتگو، توان استدلال و بحث مسالمت آمیز در آن ها تقویت می‌شد که در راه تکامل شخصیتی آن ها بسیار موثر بود. برگزاری جشن های مناسبتی یا تولد برای کودکان اقدام دیگر ما بود. اردوهای سینما، تئاتر، بازدید از موزه و غیره، با توجه به موضوعات درسی یا آگاهی های لازم و اردوهای ورزشی مثل استخر و غیره.

از دیگر اقدام‌ها، تعامل با نهادهای دولتی از جمله شهرداری منطقه، آموزش و پرورش منطقه ، سفارت افغانستان، درمانگاه‌ها و مراکز درمانی، اسپانسرهای مختلف برای تأمین تغذیه ، پوشاک و رسیدگی به مسائل بهداشتی کودکان بود.

گروه موسیقی در این چند سال از موفق‌ترین بخش های ما بوده است. بارها در مکان‌های مختلف کنسرت برگزار کرده‌ایم و با حداقل امکانات آموزش خوبی به کودکان داده شد. ا ز اتفاق های مثبت در این چند سال تعامل و همکاری مناسب با دانشگاه هایی چون دانشگاه شریف و امیرکبیر بود. از دیگر فعالیت ها، برگزاری کارگاه های تخصصی برای پسرها و دخترها در حرفه‌های متناسب برای مهارت آموزی در مشاغل مختلف می‌باشد.

مرتضی نامجو: مهم‌ترین فعالیت خانه کودک آموزش پایه‌ی کودکان در معرض آسیب و بازمانده از تحصیل می‌باشد. همچنین فعالیت هایی در زمینه هنر از جمله پروژه‌ی موسیقی شوش، کلاس‌های طراحی و نقاشی و در زمینه‌ی ورزش همچون فوتبال برای پسران و تکواندو برای دختران صورت می‌گیرد. فعالیت هایی دیگری همچون مددکاری، مشاوره و روانشناسی توسط تیمی مجرب در راستای ارتقای سطح سلامت روانی، اجتماعی و فردی کودکان در حال انجام است.

■ چه موانعی در زمینه فعالیت حقوق کودک وجود دارد ؟

شیرین حیدری: بخشی از موانع کار در زمینه حقوق کودک در خانه کودک مسائل حقوقی هستند، مانند قوانین مربوط به ازدواج کودکان، اقامت، آموزش و پرورش، مسائل قومی و قبیله‌ای در خصوص ازدواج ، ادامه تحصیل دختران، اقامت نداشتن و موقت بودن سکونت کودکان در منطقه ،شهرها و حتی در چند کشور مختلف.

مسئله دیگر شرایط اقتصادی و کار کودک است که کودکان ما به ناچار با آن روبرو هستند. سیستم آموزشی و تبعیض هایی که در آموزش و پرورش اتفاق می‌افتد مانند نداشتن اوراق هویتی و ثبت نام نکردن کودکان در مدارس، تاثیر دیدگاه های فرهنگی، مذهبی، ناسیونالیستی، نژادی، قبیله ای و غیره . وعدم همکاری بیمارستان‌ها، پلیس و شهرداری و سرقت‌های متعدد از خانه کودک.

مرتضی نامجو: موانع بسیار است. مهم ترین مانع، عدم **کودک محوری** قوانین به طور عام در کشور و وجود تبعیض در آموزش کودکان اتباع و مهاجر به شکلی خاص می باشد؛ که فعالیت های خانه ی کودک بر آن متمرکز است. پیمان نامه شامل همه ی کودکان با هر گونه نژاد، مذهب یا توانایی می‌گردد. بدون در نظر گرفتن نوع خانواده‌ها، این که چه فکر می‌کنند و چه می‌گویند، کودک کجا زندگی می‌کند، به چه زبانی حرف می‌زند، والدینش چه می‌کنند، دختر یا پسر هستند، چه فرهنگی دارند، فقیر یا ثروتمند هستند و آیا معلولیت دارند. بر این اساس هیچ کودکی نباید مورد رفتار ناعادلانه قرار بگیرد.

■ بزرگ‌ترین چالش و اشتباه رایج فعال های حقوق کودک را چه می بینید؟

شیرین حیدری: متأسفانه از اشتباه‌های رایج نگاه ابزاری به کودک است. در جراید، فعالیت‌های داوطلبانه، صدا و سیما، مراکز خیریه و همه کسانی که برای رسیدن به مقاصد خود از جمله فرار مالیاتی، جمع آوری پول، حسن شهرت و غیره، به اسم حقوق کودک و بدون آگاهی از حقوق کودک از نام کودکان استفاده می‌کنند.

عدم نظارت بر فعالیت های سمن ها و سو استفاده برخی افراد از کودکان به وسیله همین مراکز که به اسم حقوق کودک ممکن است در حال فعالیت باشند.

عدم اتحاد «سمن»ها ، ضعف مدیریت و مددکاری، بی برنامگی این فعالیت‌ها، موازی کاری در بسیاری از زمینه‌ها، آگاهی ندادن به جامعه در خصوص فعالیت‌ها و نقش سمن‌ها در جامعه و پاسخگو نبودن سمن‌ها در مورد فعالیت هایشان.

مرتضی نامجو: عدم آشنایی با چرایی به وجود آمدن فضایی که هم اکنون باید در آن به دنبال احقاق حقوق کودکی باشند. حقوقی که برای هر انسانی به طور طبیعی وضع شده است، آزادی که هر انسانی به طور طبیعی باید از آن برخوردار باشد، آموزشی که حق همگان است، امنیت اجتماعی که اساس یک جامعه‌ی سالم می باشد و محیط خانواده‌ای که باید امن‌ترین جای دنیا برای یک کودک باشد.

■ و به عنوان سخن آخر، به نظر شما مهم ترین حق کودکان چیست ؟

شیرین حیدری: از نظر من مهم‌ترین حق کودک، کودکی کردن است. کودک باید خوشحال باشد، بازی کند، سلامت باشد ، امنیت داشته باشد ، لذت ببرد . در این چند سال، تمام تلاش ما به جریان انداختن همین کودکی در زندگی کودکان منطقه است.

مرتضی نامجو: مهم‌ترین حق کودکان، کودک بودن است. کودک بودن اما نه فقط به معنای زیر ۱۸ سال سن داشتن، بلکه برخورداری از نیروی بالقوه انسانی، یعنی بهره مندی از حس‌ها برای درک و آزمایش جهان اطراف خود، با قلبی پر از محبت و نیازمند به مهربانی، با احساس هایی مستعد برای پروراندن آرمان های انسانی و استعدادی ذاتی برای تشخیص خوب و بد، قدرت پیشرفت و تکامل فردی. در خانه کودک شوش ما در تلاش هستیم تا کودک را با کودکی بپرورانیم، حقوق ساده اما از دست رفته‌اش چون آموزش، بهداشت، امنیت، بازی، و... را به او بازگردانیم. پیمان نامه حقوق کودک ارزش زیادی برای آموزش قائل است. همه کودکان حق دسترسی به آموزش ابتدایی رایگان را دارند. کشورهای ثروتمند باید به کشورهای فقیر در تحقق این امر کمک کنند. تربیت در مدرسه باید همراه با احترام به کرامت کودک باشد. خانه‌کودک شوش نیز برای این که کودکان از آموزش بهره ببرند، تلاش می‌کند تا در حد توان خود زمینه‌های آن را برای کودکان فراهم سازد.

نجمه عارف ▬ روان شناس و عضو کمیته آموزش انجمن حمایت از حقوق کودکان

در گوشه و کنار این مرز و بوم انسان هایی هستند که دمادم تلاش می‌کنند تا لبخندی بنشانند بر لبی، افتاده‌ای را بگیرند دستی، مرهمی بسازند برای زخمی و دوایی بیاورند برای دردی. آری .... آن‌ها معماران شادی هستند؛ شادی پایدار...

نجمه عارف کارشناس ارشد روانشناسی عمومی و از اعضای انجمن حمایت از حقوق کودکان است. او به مدت دو سال در انجمن حضور فعال دارد. و عمده فعالیت‌های خانم عارف در کمیته‌ی آموزش و صدای یارا می‌باشد:

▬ چه انگیزه‌هایی شما را ترغیب به حضور فعالانه در انجمن کرده است؟

اگر ما به بهبود جامعه می اندیشیم، باید ابتدا هر اقدام و عملی را برای کودکان آغاز کنیم، زیرا همه ی اعمال و افکار ما در بزرگسالی و همچنین «پیروزی‌ها و«شکست‌هایمان» ریشه در کودکی و آموزشی که در این دوران طلایی از خانواده، مدرسه و جامعه می‌گیریم، دارد.

▬ از وضعیت کار داوطلبانه در ایران بگویید.

از دیدگاه من کار داوطلبانه در ایران با دیگر نقاط دنیا تفاوت دارد.در ایران اگر قصد کار داوطلبانه و خالصانه را داشته باشید، با خیل عظیمی از مسائل و چالش‌ها روبرو خواهید شد که اگر به هدف خود باور نداشته باشید، ممکن است در نیمه‌ی راه خسته و دلسرد شوید.

▬ انجمن حمایت از حقوق کودکان مورد نظر شما چه ویژگی‌هایی را دارد؟

در انجمن، ما یک خانواده ی بزرگ هستیم که صمیمانه و عاشقانه در کنار هم برای هدفی مشترک تلاش می‌کنیم.

رفتارها دوستانه و همراه با عشق است، ارتباط با اعضای محترم هیئت مدیره بسیار سهل است. انسان‌هایی بسیار فهیم، دانا و قابل اعتماد که در نهایت صبر و حوصله به پیشنهادها و نظرها توجه دارند.

▬ آیا تاکنون هدف‌های شما با اهداف انجمن هم راستا بوده است؟

علاقه و وابستگی من به انجمن و تلاش روز افزونم برای فعالیت نشان دهنده‌ی این مهم می‌باشد.

▬ از دیدگاه شما بزرگ‌ترین چالش کار در حوزه‌ی کودک چیست؟

به نظر من بزرگ‌ترین چالش ، عدم همکاری نهادهای دولتی مرتبط با کودکان با انجمن‌های مردمی و داوطلبانه می‌باشد.

برای نمونه یک بار من از طرف کمیته ی آموزش برای برقراری ارتباط انجمن با یکی از نهاد های دولتی انتخاب شدم ، و بالاخره بعد از کلی چالش و سنگ اندازی اما همراه با صبر، پافشاری و پشتکار در نهایت آذر ماه نود و هفت توانستیم از طرف انجمن با اساتید انجمن، کارگاه های مهارت زندگی را برگزار کنیم. بازخوردها عالی بود. نتیجه‌ای که با همه‌ی مخالفت ها مثبت و تاثیرگذار بود.

▬ آیا سمن‌ها در ایران نهادهای تاثیرگذاری هستند؟

سازمان‌های مردم نهاد، قادر به جذب مشارکت گروه‌های داوطلب مردمی برای عملی کردن اهداف وبرنامه‌های خود هستند. این سازمان‌ها به علت خودجوش بودن و پایبندی به اصول، باورها و ارزش های خود در عرصه‌های مختلف موفق‌تر عمل می‌کنند. ارتباط زیاد و صحیح دولت با این نهادها می‌تواند به تاثیرگذاری بیشتر و رسیدن به یک نقطه مشترک کمک شایانی نماید.

▬ یکی از بهترین و سخت ترین روزهای حضورتان در انجمن:

کار در انجمن پر از خاطرات تلخ و شیرین است. تلخی‌هایی که به کمک عزیزان داوطلب مبدل به شیرینی و لذت می‌شود.

▬ در انتهای مصاحبه تمایل دارید به چه نکته‌هایی اشاره کنید؟

علاقمندم که از آرزوهایم بگویم: به امید روزی که بچه های سرزمین من بتوانند در نهایت آرامش و لذت بچگی کنند، از کودکی خود لذت ببرند و در بزرگسالی از یادآوری این خاطرات به آرامش برسند و این خاطرات خوش و لذت بخش یاور همیشگی‌شان باشد .

روزهای کاری من در انجمن عاشقانه ترین و لذت بخش ترین روزهای زندگی‌ام است و امیدوارم توفیق این خدمت همیشه شامل حالم باشد.

مسئولین و داوطلبین خانه کودک ناصرخسرو ▬ خانم‌ها صادقی، مومنی، ماهیان

▬ از چه زمانی همکاری خود با انجمن را آغاز کرده‌اید؟

خانم‌ها صادقی و مومنی: از سال ۸۳ همکاری داشته ایم

خانم ماهیان: ۶ ماه است که در انجمن عضو هستم.

▬ چه انگیزه هایی شما را ترغیب به حضور فعالانه در انجمن کرده است؟

خانم صادقی و خانم ماهیان: علاقه به کار با کودکان و آموزش.

خانم مومنی: کار کردن با کودکان کار و سایر فعالیت های دیگر.

▬ از وضعیت کار داوطلبانه در ایران توضیح دهید.

خانم مومنی و خانم صادقی: داوطلبان در ایران بسیار غیر فعال هستند و در یک موقعیت بیشتر از مدت کوتاهی نمی‌مانند؛ انجمن‌های غیر دولتی هم برای فعال نگه داشتن داوطلبان برنامه و نیرویی ندارند.

خانم ماهیان: کار داوطلبانه در صورتی که سخت باشد نیاز به انرژی، امکانات، انگیزه و حمایت دارد. با فقدان شرایط برای حمایت روانی، حضور داوطلبان کوتاه مدت می‌شود.

▬ انجمن حمایت از حقوق کودکانِ مورد نظر شما چه ویژگی‌هایی دارد؟

خانم مومنی و خانم صادقی: حقوق کودک را به آن ها بیاموزند، از حقوق قانونی آن ها حمایت و قوانینی را که به نفع کودکان است را تثبیت و پشتیبانی کنند.

خانم ماهیان: تمام اعضا و دست اندرکاران گاهی در محیط حاضر شوند تا از نزدیک با مسائل روزمره آشنا شوند.

▬ آیا تاکنون هدف های شما با اهداف انجمن هم راستا بوده است؟

خانم صادقی و خانم مومنی: انجمن به نوعی در راستای هدف‌های ما بوده است.

خانم ماهیان: هدف‌های کلی به طور کلی در یک راستا هستند.

▬ از دیدگاه شما بزرگ‌ترین چالش کار در حوزه‌ی کودک چیست؟

خانم صادقی و خانم مومنی: بزرگ‌ترین چالشی که با آن روبرو بوده‌ایم اختلاف نظرهای بسیار زیاد و قابل مشاهده است.

خانم ماهیان: مشکلات اقتصادی.

▬ آیا سمن‌ها در ایران نهادهای تاثیرگذار هستند؟ چرا؟

خانم صادقی: خیر و اگر باشد هم بسیار کمرنگ است.

خانم مومنی: فکر نمی‌کنم.

خانم ماهیان: تاثیر چندانی ندارند. زیرا در رسانه و در سطح عموم به درستی مطرح نمی‌شوند، افراد زیادی آشنایی ندارند و بطور کلی در ایران کار گروهی زیاد پیش نمی‌رود.

▬ یکی از بهترین و سخت ترین روزهای حضورتان در انجمن .....

خانم صادقی: روزهایی که انرژی داوطلبان زیاد صرف اختلاف ها می شد و بهترین، روزهایی است که نتیجه کارم با کودکان را در همان موفقیت های اندک آن‌ها می بینم.

خانم مومنی: روزهای سخت مانند روزهایی که انجمن با داوطلبان اختلاف نظر داشته و دارد.

خانم ماهیان: بهترین روزها در زمینه موفقیت های آموزشی کودکان بوده و سخت‌ترین لحظه ها اصرار کودکان که تقاضای ثبت نام دارند ولی در کلاس فضای کافی وجود ندارد، دیدن مدام مشکلات کودکان.

▬ در انتهای مصاحبه تمایل دارید به چه نکته هایی اشاره کنید؟

خانم مومنی: اینکه اگر هدف و راه همه داوطلبان یکسان است باید به نظر و پیشنهاد آن ها ارزش قائل شد و مطرحشان کرد.

فرشید یزدانی ■ جامعه‌شناس و مدیرعامل انجمن حمایت از حقوق کودکان

در این بخش از خبرنامه سراغ آقای فرشید یزدانی جامعه شناس و مدیرعامل انجمن حمایت از حقوق کودکان آمده ایم تا مصاحبه‌ای کوتاه در خصوص فعالیتشان در انجمن داشته باشیم.

■ لطفا از آغاز همکاری خود با انجمن بگویید.

سال ۷۴ در اولین جلسات انجمن در فرهنگسرای اندیشه شرکت کردم سپس تا سال ۷۸–۷۹ ارتباطم قطع شد؛ تا به خانه کودک شوش رفتم، کار بچه‌ها را دیدم که در واقع همکاری از آنجا شروع شد و تا کنون ادامه داشته است.

■ دغدغه ها ی شخصی شما در حیطه انجمن طی سال ۹۷ چه بوده است؟

مهم‌ترین دغدغه من در انجمن طی سال ۹۷ کمک به پیدا کردن جایگاه مناسب انجمن در راستای تحقق حقوق کودک منطبق با پیمان نامه در سطح کشور بود، زیرا فکر می‌کنم انجمن به واسطه سوابق کاری و حرفه‌ای که داشته، شاید یکی از شایسته‌ترین نهادهایی است که می‌تواند این جایگاه را پیدا کند و به گمانم این مسئله مهمی است.

■ با چه چالش‌ها و دشواری‌هایی در این مسیر مواجه شده‌اید؟

می‌دانید فعالیت داوطلبانه‌کاری است که هم بحث تعهد داوطلبانه و هم اینکه آدم‌ها چطور با یکدیگر کنار می‌آیند، مطرح است. از پیچیده‌ترین کارهای انجمن که در سال‌های قبل بوده و امسال مقدار کمتری ادامه داشته، هماهنگی بسیار خوب در هیأت مدیره است. ولی در مجموع یکی از مهم ترین چالش‌های ما در راستای کارها بحث هماهنگی بین داوطلبان است. گاه داوطلبانی کوتاه مدت آمدند و تعهداتی را پذیرفتند که انجام نداده‌اند داشتیم،گاه داوطلبانی که تعهداتشان را خیلی خوب و عالی انجام داده‌اند. بخشی از این مسائل و چالش‌ها اختلافات کوچک بین داوطلبان و حل برخی از آن‌ها بوده (البته قسمتی هم هنوز حل نشده است.) در واقع سامان دادن به حوزه‌های کاری انجمن به واسطه اختلافات شدید موجود در سال گذشته، که طبیعتاً باید حل می‌گردید. اما متأسفانه خبراختلافات توسط بعضی دوستان به وزارت کشور رسیده بود و به نظرم این فضا در انجمن باید آرام‌تر می‌شد که به گمانم موفق هم شدیم. چالش دیگر بحث جذب منابع مالی بود. علیرغم تلاش زیاد، به واسطه وضعیت اقتصادی بد کشور کم‌تر توانستیم پیش برویم ولی تا حد امکان جلو رفته و دلیلی هم که شاید نتوانستیم به سمت جذب کمک‌های مالی بیش‌تر پیش برویم این است که انجمن یک چهارچوب اصولی دارد و به هر اقدامی برای جذب منابع مالی نمی‌تواند دست بزند. به این خاطر یکی از دشواری‌های ما در سال ۹۷ این بود که مجبور شدیم برخی از پرداختی‌هایمان را محدود کنیم. بسیاری از پروژه‌های اجرایی‌مان و یکی، دوتا پروژه بزرگمان دچار تراز منفی شدند که مجبور شدیم به ناچار تا جذب منابع مناسب ، برای آن‌ها محدودیت بگذاریم.

■ دستاوردهای انجمن در سال ۹۷ را چگونه ارزیابی می کنید؟

فکر می‌کنم در سال ۹۷ چند کار بزرگ صورت گرفت: یکی بحث راه اندازی پروژه خود مراقبتی بود که تلاش‌ها، فراز و نشیب‌های زیادی داشت. از آغاز خطاهایی در این فرآیند صورت گرفت که اصلاح آن ها زمانبر بود ولی با تلاش جدی دوستان در این زمینه و مسئولیت هایی که پذیرفتند توانست خوب پیش برود و کار شود. رونمایی از این پروژه ، اینکه می‌تواند بزرگ تر و اثر گذارتر بشود و در آینده بهتر پیش برود. دوم بحث گسترش خیلی مناسب آموزش ها بود. به گونه‌ای که تعداد زیادی از مربیان آموزش و پرورش توسط مربیان انجمن، آموزش کودک و مهارت‌های زندگی می بینند. بحث واحد حقوقی که با حضور یکی از دوستان خانم امیری نظم پیدا کرد و با پیگیری های حقوقی جدی و مرتب تری دچار تحول شد. نوسازی ساختمان انجمن کار سنگینی بود که مدیر اجرایی انجمن آقای محمدی وقت زیادی صرف کردند و اگر ایشان نبودند نمی توانستیم با کمترین هزینه و براساس حمایت اسپانسرهای مشخص بهسازی را انجام دهیم. بحث راه اندازی واحد پژوهش از دیگر کارهایی بود که انجام داده‌ایم. دو میز گفت‌وگوی کودکی داشتیم، گرچه رضایت بخش نبود ولی به نظرم شروع خوبی بود. یکی از مهم ترین و اساسی‌ترین کارهای انجمن برگزاری نخستین کنگره توسعه کودکی و سیاست گذاری اجتماعی بود. هیات علمی این کنگره از برترین‌های حوزه‌های تخصصی در عرصه‌ی اقتصاد، جامعه شناسی، روانشناسی، روانپزشکی و حقوق بودند که یاری نمودند.

کنگره با تمام محدودیت‌ها عالی و با استقبال خوبی برگزار شد و تمام بازخوردها (فیدبک ها) مطلوب بودند. در واقع از کارهای اصلی انجمن گفتمان سازی در عرصه کودک است و این خلأیی که در بحث کودک، توسعه و سیاست گذاری های اجتماعی که کمتر به آن توجه شده و به این واسطه چون در سطح کشور منابع زیادی در این عرصه وجود نداشته مقالات محدودی می‌توانستیم داشته باشیم، ولی همان تعداد مقاله‌هایی که ارائه و پذیره شد برای آغاز یک کار بزرگ اثربخش بود. کار دیگری که با جدیت شروع کرده و کار ارزشمندی خواهد شد؛ بحث پژوهش زباله گردی کودکان با هدف آرمانی حذف زباله گردی کودکان است. اینکه چقدر بتوانیم پیش برویم بستگی به شرایط، تحلیل و توانی ما، و نهادهای دیگر در سطح حاکمیت دارد.

■ در مورد پروژه ای که با کمترین امکانات انجام داده‌اید و به مطلوب ترین نتیجه دست یافتید، توضیح دهید.

دو پروژه با کمترین امکانات پیش بردیم؛ یکی بحث بهسازی فضای فیزیکی انجمن بود که تقریبا هیچ هزینه اضافی بر انجمن تحمیل نشد. میزها، مبلمان حتی سیستم کامپیوترها توسط اسپانسرهای خاص پس از مطرح کردن ارائه شد و دومی کنگره بود که هیچ هزینه‌ای بر دوش انجمن نگذاشت و با کمترین امکانات به نتیجه رسید.

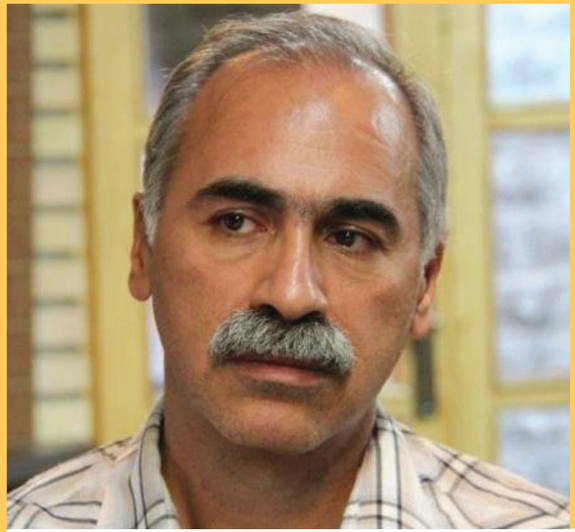

زهـــره صـــیادی ■ روزنامه نگار، فعال مدنی

■ به نظر شما کار چه تعریفی دارد؟ آیا کار کردن با تعریف شما از کار یکسان محسوب می شود؟

بخش‌ها و گروه‌ها و جهان بینی‌ها از نگاه خودشان و بر اساس ارزش‌های خودشان به کار نگاه می‌کنند و تعریف کار و قوانین گاهی مبتنی بر یکی از این دیدگاه‌ها و گاهی مبتنی بر مجموعه‌ای از ارزش‌ها شکل گرفته لیکن کار در ذهن من با دریافت معمولی‌تری از ارزش‌ها و نیازهای زندگی و با روزمره‌گی شناخته شده است. به زعم من کار شکل تعاملی است که مسالمت دارد. فعالیت در حوزه‌ای که آدم‌ها در آن مهارت دارند و دوستش دارند برای رفع بخشی از نیازی در جامعه و دریافت دستمزد بخاطر آن و خرج کردنش برای نیازهای خودشان می‌باشد .در ذهن من این کار است!

در خانواده عموما کار شکلی از مسئولیت هم هست. درباره کار کودک، چون کودک مسئولیتی در این باره ندارد، به شکل طبیعی چالش ایجاد می‌کند. این که مسئولیت بر شانه کسی باشد که مسئولش نیست. به شکل کلی چون مسالمت که می‌تواند مجموعه‌ای از صلح، امنیت، احترام و عزت نفس باشد در **اجبار** کار کودک خدشه دار می‌شود، حس من این است که کار کودک کار نیست و چیز دیگری است آمیخته از یک عالمه مفهوم عموما تلخ ...

■ چرا پدیده‌ای با عنوان کودکان کار وجود دارد؟

نابرابری! نابرابری شرایط دسترسی به ارزش‌ها و امکان‌های انسانی و شهروندی .

■ آیا کار کودک به اقتصاد کشور کمک می‌کند؟

حس من این است که کار کودک از بستر اقتصاد بیمار متولد شده. انگار بازتولیدی از بیماری است. نمی‌تواند برای اقتصاد مفید باشد.

■ چه محیط‌هایی و با چه شرایطی امکان کار کودک را ایجاب می‌کنند؟

از این که به شکل عمومی و قضاوت شده در یک موضوع کلی حرف بزنم، حس خوبی ندارم. لیکن در این باره و با تعریفی که از کار می‌شناسم و مسؤلیت کار برای آدم بزرگ‌ها تعریفی از محیطی برای کار کودک ندارم. این که بچه‌ها کار کنند برای مهارت‌آموزی و یا تفریح و یا تمرینی از مهارت‌هایی در زندگی متفاوت است از کاری که مسئولیت بدست آوری درآمد دغدغه‌اش باشد.

■ چرا مبارزه با کار کودک تابه حال به انهدام این پدیده منتهی نشده است؟ آیا این امر را ممکن می‌دانید؟

دو بخش زیبا و تلخ دارد این چرا. بخش زیبا همت و عشقی است که سال‌ها پیش آغاز شده و ادامه دارد و تلاش می‌کند برای رسیدن به هدف محترمش. ممکن است هنوز پیروز نشده باشد، لیکن دستاوردهایی دارد که به پیروزی منتهی می‌شود و حتی چیزهایی که همین امروز به دست آورده هم مفید است و بخشی از پیروزی است. بخش تلخش که گمانم بیشتر پاسخ پرسش شماست این است که بعضی از سازمان‌ها و گروه‌هایی که در ارتباط با لغو کار کودک در تلاشند، زاییده نابرابری هستند. یعنی بخش‌هایی از صاحبان قدرت و ثروتی که تریبون دارند و بهره جویی تبلیغاتی می‌کنند و نه تلاش و مبارزه‌ای واقعی. پاسخ بخش دوم پرسش شما از سوی من بلی است! بلی روزهای بهتر و امن‌تر و محترم‌تری در انتظار کودکان، آدم‌ها و دنیاست! این امر ممکن است.

■ چگونه کودکان در محیط کار از خود محافظت می‌کنند؟

آموزش، آگاه بودن از حق و حریم و احترام مراقبت ایجاد می‌کند. آموزش برای کودکان و هم کارفرما. تلاش فعال‌های این بخش هم موثر است. تلاش برای تغییر قوانین در جهت مراقبت و منافع کودکان.

■ اگر هدفتان مبارزه با کار کودک باشد، این هدف خود را از کجا آغاز می‌کنید؟

چقدر سخت است پاسخ به این پرسش ها. گاهی با اینکه می‌دانم کار کودک آسیب است، رفتارم حمایت از کار اوست. مثلا گاهی از کودک دست فروش خرید می‌کنم. این رفتار با مبارزه برای لغو کار کودک تناقض دارد. نمی‌دانم که اصولا مبارزه واقعی را آغاز کرده‌ام یا نه لیکن در بخش تغییر قوانین، پیگیری حقوق انسانی و بدیهی کودکان تلاش کرده‌ام. از خیلی وقت پیش‌ها، که البته خیلی وقت پیش‌های من است، خیلی بعدتر از خیلی آدم‌ها، معلم‌ها و مبارزه است.....

■ چه مقدار زمان را برای از میان بردن کار کودکان صرف کرده اید؟ و به نظر خودتان چه نتیجه‌ای از تلاش ها حاصل شده است؟

چقدر زمان ؟!... نمی‌دانم. لیکن طعم شیرین موفقیت را با دوستان کوچکم تجربه کرده‌ام. وقتی با هم شیرینی دریافت یک شناسنامه را خوردیم، یا نخستین شعر بعد از باسواد شدنمان را با هم خواندیم...

■ چه نکات مثبتی از زندگی کودکان کار می‌تواند مورد توجه/مشاهده واقع شود؟

مهارت رفتارهای اجتماعی، استقلال، مراقبت از خود، سخت‌کوشی، انتخاب‌های درست، درک خیلی عمیق از محبت و خیلی چیزهای زیبای دیگر، ویژگی‌هایی است که از کودکان کار شناخته‌ام.

■ با کدام موسسه یا نهاد مسئول و مرتبط با موضوع کودکان کار آشنایی دارید؟ عملکرد آن‌ها را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

خیلی از این موسسه ها و نهادها را می شناسم. آدم های دوست داشتنی و عاشقی را در این موسسه ها و نهادها شناخته‌ام. درباره ارزیابی عملکردشان گمانم بی انصافی است وقتی از آغاز تا اکنون همراهشان نبوده‌ام اظهار نظر کنم. ارزیابی نیاز دارد، هم شرایط بیرونی **جامعه** بخشی که دارد فعالیت می‌کند و هم شرایط درونی از آغاز تا اکنونش بررسی شود. هم نظرسنجی فراگیری از شرایط کودکان در ارتباط با این فعال‌ها و البته نظر کودکان کار انجام شود. نیاز به پژوهش میدانی است.

■ چه امری باعث می‌شود تا افراد (داوطلب/فعال) در این حوزه به فعالیت خود ادامه دهند؟

به شرایط درونی و انگیزه های داوطلب مربوط می شود و البته شرایط و نگاه گروهی که داوطلب با آن‌ها ارتباط دارد. جدی گرفتن ایده‌ها، توجه به آرمان‌ها، احترام به تخصص داوطلب، ایجاد شرایطی برای پیوسته بهتر شدن دانش داوطلب در حوزه تخصص خودش و حوزه کودکان. سرمایه‌گذاری موسسه یا نهاد مرتبط با داوطلب برای برنامه های داوطلب و چیزهایی شبیه این.

■ تا چه حد بازتاب رسانه ها در حوزه کار کودک توانسته است تصویر حقیقی از این پدیده ارایه کند؟

عملکرد رسانه در ایران از نگاه من مثبت نیست. گه گاه نوشته، اطلاع‌رسانی یا مقاله‌ای مفید می بینم یا می خوانم، لیکن نمود غوغاسالاری، نگاه بالا به پایین، دور زدن در دایره‌ای از باورهای کلیشه ای بیشتر است... چیزی شبیه به گردشگری اینستاگرامی، تهی از همدلی، حقیرانگاری و دلسوزی برانگیز، تهی از درک ارزشمندی و بیان مطالبه_ شتابزده و قضاوت شده.

■ چه راه حل هایی/اقداماتی در راستای کارآفرینی برای این کودکان می‌توان در نظر گرفت؟

حق کودک، شادی، امنیت، خانواده، خوراک، خانه و این چیزهاست. سخت است که بگوییم شرایط کاری خوبی برایش فراهم کنیم. او حق دارد که کار نکند ! لیکن وقتی چیزهایی از اکنون ما دور است دست کم می‌شود گفت مهارت آموزی یا ایجاد شرایطی برای کارهایی که انتخاب خودشان باشد و مبتنی بر علاقه های خودشان. با خلق و خوی اجتماعی و خاستگاه بومی شان هماهنگ باشد. با مناسبات خانوادگی. چیزهایی که به آن افتخار می‌کنند و خوشحالشان می‌کند...

حرف آخر: حرفی ندارم ، یک عالم آرزو دارم ولی !

بیانیه‌ها، نامه‌های سرگشاده و نشست‌های تخصصی انجمن حمایت از حقوق کودکان

بیانیه انجمن حمایت از حقوق کودکان درخصوص حادثه تلخ و تکان دهنده کودک آزاری در ماهشهر

حادثه تلخ و ناگوار کودک‌آزاری در ماهشهر بار دیگر جامعه ایران را در شوکی عمیق فرو برد. جزئیات این حادثه از خشونت گسترش‌یافته و عریانی حکایت دارد که به چهاردیواری خانه و خانواده نفوذ پیدا کرده است و در مناسبات پرتنش خانوادگی کودکان را به عنوان بی‌دفاع‌ترین عضو خانواده قربانی می‌کند.

بر اساس آمارهای رسمی در سال گذشته ۸۶ درصد از کودک‌آزاری‌ها توسط والدین و ۶۰ درصد از این آزارها توسط پدران صورت گرفته است.

متاسفانه این آمارهای تکان‌دهنده و موارد رو به افزایش کودک‌آزاری‌های جسمی و جنسی نتوانسته نهادهای مسئول در امور کودکان را نسبت به فوریت پیشگیری از این رخدادهای فاجعه‌آمیز حساس نماید.

علیرغم پیگیری سازمان‌های مدنی مدافع کودکان، «لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان» بعد از گذشت هفت سال در بلاتکلیفی به‌سر می‌برد. علاوه بر آن، نقش و تاثیر مشاوره‌های قبل از ازدواج در تشکیل نهاد خانواده و آموزش‌های فرزند پروری قبل از بارداری نادیده گرفته شده و هیچ تلاشی در راستای آموزش مهارت‌های زندگی به عنوان ابزار مهمی برای کنترل خشم، خشونت و افسردگی در آموزش‌های رسمی کشور صورت نگرفته‌است.

باری، واقعه تلخ کودک‌آزاری در ماهشهر، حکایت از آن دارد که کودکان پرورش یافته در خانواده‌های از هم‌گسیخته در معرض آسیب‌های روانی و جسمی متعددی قرار دارند. و قوانین مربوط به حضانت نیز در این زمینه کارآمد نبوده‌اند و لاجرم نیاز به تغییر و بازنگری اساسی دارند.

انجمن حمایت از حقوق کودکان، ضمن ابراز تأسف و تاثر بسیار از وقوع کودک‌ازاری در ماهشهر، براین باور است که این حادثه و حوادث مشابه آن، حاصل چرخه خشونت، ناآگاهی و غفلت است که هربار دلخراش‌تر و غم‌انگیزتر از قبل بروز می‌کند. پیشگیری از چنین فجایعی نیازمند عزمی جدی در بازبینی در مناسبات اجتماعی مبتنی بر ارزش‌گذاری‌های انسانی و توجه به مقوله کودکی و اهمیت آن در عرصه ساماندهی به انسجام اجتماعی است. ضروری‌ترین گام عملی پیشگیرانه دربرابر چنین خشونتی در شرایط کنونی، تسریع در تصویب «لایحه حمایت از حقوق کودکان» می‌باشد. بی‌تردید مطالبه‌گری هریک از ما در این مهم نقشی اساسی دارد، چراکه همه ما در برابر کودکان مسئولیم.

همچنین این انجمن، آمادگی خود را نسبت به پیگیری قضایی و اقدامات لازم جهت حمایت‌های مشاوره و روانشناسی از کودکان آزاردیده ماهشهری اعلام می‌دارد.

بیانیه انجمن حمایت از حقوق کودکان در خصوص کودک آزاری جنسی در مدرسه پسرانه

انجمن حمایت از حقوق کودکان ضمن محکوم نمودن هرگونه تعرض به کودکان و حقوق آنان، فاجعه آزار جنسی تعدادی از دانش‌آموزان مدرسه ای در تهران را موجبات تاسف فراوان و تخدیش اعتبار و اراده نظام آموزشی از جهت عدم پاسداری از حقوق و حیثیت کودکان دانسته، چه آنکه به رغم بروز هشدار ها نسبت به رفتارهای مذموم و شرم‌آوری از این نوع، همچنان شاهد تکرار آن‌ها می‌باشیم، این انجمن بروز فجایع این چنینی را غیر قابل توجیه و برخورد با یک فرد (مسئول خاص) را نیز کافی به مقصود نمی‌داند چرا که نه تنها مقامات ارشد نظام آموزشی می‌بایست پاسخگو باشند، بلکه جامعه و نهاد ارزشمند خانواده نیز در این خصوص نیازمند تلنگرند، اما در خصوص نظام آموزشی تاسف بارتر آنکه فاجعه موصوف از سوی یکی از مسئولان همان مدرسه رخ داده و چنین امری اعتماد و باور عموم را نسبت به صلاحیت و اعتبار سیستم آموزشی خدشه‌دار و ضرورت بازنگری و اعمال اصلاحات لازم از جهت توجه به حقوق کودکان را در نظام مذکور بیش از پیش عیان می‌دارد چرا که آموزش و پرورش به عنوان نهادی انسان ساز نیازمند نیرویی کارآمد است تا بتواند رسالت اصلی خود را تضمین نماید، از این روی نظارت دقیق بر نحوه جذب و مطالعه سلامت روانی مسئولان تمامی مدارس آموزشی (اعم از دولتی و یا خصوصی) پیش از خدمت و حین خدمت اهمیت صدچندان دارد؛ چونانکه بایستی علاوه بر تضمین سلامت روان و تامین رفاه آنان، با پی ریزی دوره‌های تربیتی و تخصصی، همواره سلامت روان و رفتار نیروهای آموزشی را مورد پایش قرار دهند. از سوی دیگر حق کودکان و نوجوانان نسبت به آموزش و خودمراقبتی جنسی ضرورتی است که به هیچ وجه قابل کتمان نمی باشد .بی شک ایمن نمودن کودکان و نوجوانان جهت مقابله با هرگونه سوء استفاده، صرفا از رهگذار برنامه های آموزشی متولیان آموزش و پرورش پدید خواهد آمد. به هر روی انتظار می‌رود دستگاه قضایی نیز بروز کودک آزاری‌های شایع در جامعه را جدی گرفته و تصمیمات لازم را جهت برخورد قانومند و قاطع با مسببان آن اتخاذ نماید.

در خاتمه با ابراز تاسفی شدید، آزار جنسی کودکان را شنیع‌ترین نوع کودک آزاری دانسته و خواستار تکاپویی عملی در رفتار نظام آموزشی و رویکرد قضایی از جهت پیشگیری از بروز چنین رخدادهای غیر انسانی می‌باشد .همچنین انجمن حمایت از حقوق کودکان آمادگی خود را جهت مشارکت در تدوین و اجرای برنامه و نیز برگزاری کارگاه های از خود مراقبتی کودکان، برای کودکان، والدین و مربیان آموزش و پرورش اعلام می‌دارد.

بیانیه انجمن حمایت از حقوق کودکان در خصوص بازجویی و پخش تصاویری از دختر ۱۷ ساله به جهت برخی حواشی در فضای مجازی

طی روزهای گذشته در تصاویر پخش شده از سوی شبکه یک سیمای جمهوری اسلامی ایران شاهد صحنه ای تلخ بوده‌ایم که فضای رعب انگیز بازجویی از دختر ۱۷ ساله و استیصال منجر به گریستن وی را با همراهی مصاحبه‌گر سازمان صدا و سیما به نحوی حقارت آمیز به نمایش می‌گذارد، پخش این تصاویر با هدف ایجاد رعب و عبرت آموزی میان جمعیتی است که در فضای مجازی به گونه‌ای فعال هستند و به واقع قدرت نمایی در مواجهه با نوجوانی است که به عنوان فردی زیر هجده سال، کودک قلمداد می‌گردد.

بی تردید هدف هر چه که باشد، چنین برخوردی را به ویژه در مورد کودکان، نه در نفس خود توجیه می‌کند و نه در به تصویر کشیدن آن. این برخورد نماد مشخص و بارز خشونت علیه کودکان به شمار می رود که به موجب قانون حمایت از کودکان و نوجوانان، ایجاد چنین فضای حقارت آمیز نوعی کودک آزاری روانی تلقی شده و به جهت عمومی بودن این جرم مدعی‌العموم می‌تواند راسا وارد ماجرا شده و نسبت به خاطیان طرح دعوا نماید.

این اقدام علاوه بر آنکه مغایر تمامی آموزه‌های علمی و روانشناسی حوزه کودکان است، از منظر اجتماعی نیز جز ایجاد فاصله هر چه بیشتر میان مردم و حاکمان نتیجه‌ای در بر نخواهد داشت و تحمیل فشاری مضاعف بر جامعه به شمار می‌رود، ضمن آن که مطابق قوانین موضوعه کشور و همچنین قوانین بین المللی پذیرفته شده توسط مجلس شورای اسلامی، این اقدام سازمان صدا و سیما بطور خاص مغایر صریح اصل ۳۸ قانون عالی اساسی و بند الف ماده ۳۷ کنوانسیون جهانی حقوق کودک است چنانچه که کشورهای عضو همچون ایران تعهد نموده‌اند که هیچ کودکی مورد شکنجه یا سایر رفتارهای بیرحمانه، غیر انسانی یا تحقیر آمیز قرار نگیرد، همچنین در بند یک ماده ۴۰ همان کنوانسیون کشورهای عضو متعهد می‌شوند که برای هر کودک مجرم، متهم یا مظنون به نقض قوانین کیفری این حق را به رسمیت شناسند که با وی به روشی که موجب اعتلای مفهوم شرف و ارزش در ذهن کودک می‌گردد رفتار نمایند، روشی که احترام کودک به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی دیگران را تقویت کند و به سن کودک و مطلوبیت ترویج ادغام مجدد وی در جامعه و ایفای نقشی سازنده توسط کودک در جامعه توجه داشته باشد. این درحالی است که رفتار به تصویر کشیده شده در شبکه یک سیما مبین بارز رفتار بی‌رحمانه و غیر انسانی به شمار می رود که جز به تخریب هر چه بیشتر مناسبات اجتماعی نخواهد انجامید.

انجمن حمایت از حقوق کودکان ضمن اعلام مراتب اعتراض شدید به این گونه رفتارهای خشونت بار و ترویج دهنده خشونت، از دادستان عمومی کشور در خواست دارد به عنوان مدعی‌العموم نسبت به پیگیری حقوق پایمال شده نوجوان ۱۷ ساله اقدام و حضور عدالت در دفاع از کودکان کشورمان را به منصه ظهور رسانند. همچنین از مدیران سازمان صدا و سیما نیز انتظار دارد ضمن برخوردی قاطع با دست اندرکاران این برنامه، نقش ملی و اجتماعی خود را نشان دهند . بدیهی است این انجمن به فوریت مراتب شکایت و اعتراض خود را مبتنی بر استنادات قانونی به شورای نظارت بر سازمان صدا و سیما نیز متعاقبا ارایه خواهد کرد.

نامه انجمن حمایت از حقوق کودکان درخصوص پیگیری وضعیت کودکان مفقود شده پاکستانی خطاب به وزیر کشور

جناب آقای رحمانی فضلی
وزیر محترم وزارت کشور
موضوع : درخواست پیگیری وضعیت کودکان مفقود شده پاکستانی

باسلام و احترام،

همان‌گونه که مستحضرید طی هفته گذشته در منطقه قوچ حصار واقع در شهرری، سکونتگاه مهاجران پاکستانی توسط نیروهای انتظامی و فرمانداری مورد تهاجمی گسترده قرار گرفته است و از دلایل توجیه این برخورد؛ مقابله با حضور غیر قانونی مهاجران و رد مرز آنان عنوان شده است. صرف‌نظر از تحلیل زوایای مختلف موضوع و نکوهش رفتار قهرآمیز صورت گرفته که مواجه‌ای خشونت‌آمیز با آسیب‌های اجتماعی تلقی می‌گردد، براساس اظهارات ساکنین محل و همچنین برخی سازمان‌های مدنی فعال در آن منطقه گزارش‌هایی منتشر شده است که از مفقود شدن شش کودک پاکستانی در جریان اجرای این طرح ضربتی و در هنگام ترک اجباری سکونتگاه‌ها حکایت دارد.

این در حالی است که واکنش مسوولان دولتی و نیروهای انتظامی تاکنون صرفا تکذیب و رد این ادعا می‌باشد، همچنین انتشار گسترده فیلمی کوتاه در فضای مجازی که حاوی صحبت افرادی است که خود را والدین کودکان گمشده معرفی کرده‌اند و مستاصل از یافتن کودکان‌شان هستند، به ابهامات و نگرانی‌ها در این خصوص دامن زده است، حال آن‌که تاکنون نیز هیچ تلاشی در جهت روشن شدن وضعیت مخاطره‌آمیز کودکان صورت نگرفته است.

در هر صورت، با عنایت به آن‌که برخورد قهری با مهاجران فرودست در مناطق کارگری و حاشیه شهر تهران و گرفتار آمدن کودکان آن‌ها در حوادثی مشابه مسبوق به سابقه است، با لحاظ ماده چهارده اعلامیه جهانی حقوق‌بشر و همچنین مواد ۲ و ۲۲ کنوانسیون حقوق کودک که تاکید بر حفظ حقوق پناهندگان، کودکان مهاجر و اقلیت‌های قومی در کشور میزبان را دارند، این انجمن ضمن پیگیری مجدانه حادثه پیش آمده، درخواست دارد جهت رفع شبهات و نگرانی‌های موجود دستور فرمایند که پیگیری‌های لازم در خصوص وضعیت کودکان مفقود شده صورت گیرد. همچنین خواهشمند است که در راستای تنویر و اقناع افکار عمومی نتایج پیگیری‌ها در اسرع وقت منتشر گردد.

بیانیه انجمن حمایت از حقوق کودکان به مناسبت روز جهانی صلح

روز جهانی صلح روزی ثبت شده در تقویم جهانی است به امید آنکه با یادآوری آن، بشر به صلح نزدیک‌تر شود، لیکن شوربختانه با گذشت زمان نسبت به تحقق صلح به عنوان آرمانی جهانی فاصله گرفته و دستیابی بدان دور از دسترس به نظر می‌رسد.

در حال حاضر جنگ، خشونت، قحطی و اضمحلال محیط زیست بیش از پیش از سراسر جهان قربانی می‌گیرد، همچنین تحریم همه جانبه کشورها یکی دیگراز مخاطرات بزرگ صلح و امنیت در جهان است که توسط قدرت‌های بزرگ بر اساس منافع آن ها ایجاد و یا حمایت می‌شود.

در این میان کودکان به واسطه آسیب پذیری، بزرگ‌ترین قربانیان نا آرامی می‌باشند، حال آنکه کودکان شایسته آرامش و برخورداری از صلح و عدالت جهانی هستند و همگان به ویژه دولت ها بایستی نسبت به نقض حقوق آنان پاسخگو بوده و پایبند به تعهدات ملی وبین اللملی در رعایت حق کودکان بر صلح و آرامش باشند.

این انجمن معتقد است که صلح عادلانه و امنیت پایدار به عنوان یک مطلوب و غایت منطقی، صرفا از رهگذار عقلانیت پدید خواهد آمد. به واقع هر یک از ما در طول زندگی با ایفای نقش حول محور عقلانیت ، قادر خواهیم بود جهانی آکنده از صلح و آرامش را برای همگان به ارمغان آوریم و با نهادینه نمودن این رویکرد جهانی عاری از جنگ، قحطی، حق‌کشی و بیداد و ستم را توسعه دهیم.

بی‌تردید ظهور و بروز صلح جهانی نیز در گرو مدارا، احترام به حقوق دیگران و صیانت از محیط زیست به نفع جهان و آیندگان می‌باشد.

در خاتمه انجمن حمایت از حقوق کودکان ضمن گرامی داشت روز جهانی صلح، بر این باور است که با نهادینه نمودن ارزش‌های انسانی، تحمل‌پذیری و احترام به حقوق یکدیگر به ویژه احترام به حقوق آیندگان خواهیم توانست که جهانی ایمن را برای کودکان امروز و فردا به ارمغان آوریم.

بیانیه انجمن حمایت از حقوق کودکان به مناسبت بازگشایی مدارس

اول مهر، روزی که مهربانی با دانش همراه می‌شود و زندگی جریانی دگرگونه پیدا خواهد کرد، درهای مدارس گشوده می‌شوند و کودکان به امید آموختن روش‌های بهتر زندگی کردن راهی مدارس خواهند شد. این روز در کنار شور، شادی و هیجان بسیار، تلخی‌هایی را نیز یادآور می‌شود چرا که سال تحصیلی آغاز شده اما بسیاری از کودکان پشت درهای مدارس از تحصیل باز خواهند ماند و به این ترتیب بیش از دو میلیون نفر از کودکان وارد چرخه آموزش رسمی کشور نخواهند شد و هیچ گونه برنامه‌ریزی منسجمی نیز برای جذب این کودکان به مدارس صورت نمی‌گیرد. در حال حاضر، بسیاری از کودکان به دلایلی چون نداشتن مدارک هویتی و غیر ایرانی بودن فرصت تحصیل و آموزش رسمی را از دست می‌دهند.

با این حال کودکانی که به مدرسه می‌روند نیز عموما در چارچوب سلطه تک‌گویی مشغول به تحصیل‌اند، و مهرورزی، که بایسته یک نظام آموزشی است کم‌تر به آن‌ها آموخته می‌شود. در این مسیر، راه خلاقیت بر بسیاری از دانش‌آموزان بسته است و آزارها و خشونت‌های گاه و بیگاه و البته مستمر، جسم و روان آنان را زخمی می‌کند. بنا به گفته مسئولان، قریب به ۱/۵ میلیون دانش آموز دچار مشکلات روان‌شناختی هستند. این مسئله حاکی از ناکارآمدی بزرگی در نظام آموزشی ماست چرا که اساساً مدارس فاقد مشاور حرفه‌ای و مددکار مستقر می‌باشند و حجم آسیب‌ها چنان بالاست که کم‌تر روزی است خبری از آن در فضای عمومی به گوش نرسد.

باری، اول مهر روز خوبی برای بازاندیشی به خواست‌های حداقلی برای محافظت از کودکان و کودکی آنان است.

انجمن حمایت از حقوق کودکان ضمن گرامی داشت این روز به عنوان روز دانش، بار دیگر بر مطالبات خود در چارچوب پیمان‌نامه جهانی حقوق کودک پافشاری نموده و خواستار آن است که مسئولان نظام آموزشی در راستای مراقبت از کودکان اقدامات زیر را به نحو عاجل در دستور کار خود قرار دهند:

برقراری عدالت آموزشی جهت دستیابی کلیه کودکان به فرصت‌های آموزشی برابر؛

برنامه‌ریزی صحیح جهت به روزرسانی محتوای کتب آموزشی مطابق با نیازهای رشد و توانمندی‌ها برای زندگی مسالمت‌آمیز؛

اختصاص بودجه کافی جهت استخدام و آموزش معلمین متبحر و سالم، همچنین اختصاص بودجه جهت بازسازی مدارس فرسوده و برخورداری کلیه دانش‌آموزان از فضاها و ابزارهای مناسب آموزشی؛

تدوین و اجرای برنامه‌ای منسجم جهت ورود کودکان خارج از چرخه تحصیل به مدارس؛

برنامه‌ریزی جهت پیشگیری از انواع خشونت (روانی، جسمی و جنسی) علیه دانش‌آموزان از طریق اجباری نمودن آموزش مهارت‌های زندگی و نیز آموزش خود مراقبتی کودکان برای تمامی سطوح تحصیلی؛

حضور مشاور و مددکار آموزش‌دیده در کلیه مدارس و به‌خصوص مدارسی که در مناطق آسیب‌پذیر قرار دارند.

بدیهی است این انجمن با توجه به تجارب اندوخته و توان حرفه‌ای و داوطلبانه خود آماده هر گونه همکاری در این زمینه می‌باشد.

بیانیه انجمن حمایت از حقوق کودکان به مناسبت روز جهانی کودک

روز جهانی کودک، بهانه‌ای است برای بازاندیشی به کودکی و کودکان‌مان. روزی که توجه جمعی ما به دورانی از زندگی معطوف می‌شود که همه ما از سر گذرانده‌ایم و بسیاری از انسان‌های کوچک در حال به‌سر بردن این دوران هستند، گاه ما خود را متجلی در آن‌ها می‌بینیم. گرچه واقعیت آن است که آن‌ها ظهوری مستقل دارند و در این بازاندیشی لازم است به این بیندیشیم که تا چه حد توانسته‌ایم این حقوق مستقل بودن آن‌ها را رعایت کنیم. آیا به کودکان به‌عنوان موضوعاتی در کنترل و برای خودمان می‌اندیشیم، یا انسان‌هایی مستقل که ما نقش تسهیل‌گری و مراقبت برای توانمند شدن و مسئولیت‌پذیر شدن آن‌ها را به عهده داریم؟

این روز، روزی است که باید باور کنیم کودکان «مال» ما نیستند، ولی با ما هستند و در قبال آن‌ها مسئولیت داریم. کمبودهای‌مان و کاستی‌های‌مان را نباید در کودکان بجوییم و بخواهیم آن‌ها جبران کنند. روز جهانی کودک یادآور مسئولیت اجتماعی همه ما است برای شادی کودکانمان. باید بیاموزیم که همه کودکان‌مان حق مدرسه رفتن و آموزش دارند، و تلاش کنیم آن‌ها که از چرخه آموزش بیرون هستند، به این چرخه باز گردند. آموزش‌های تحکم‌آمیزمان را به جای حافظه محور بودن، بر مبنای تفکر انتقادی و تفکر خلاق و گفت‌وگو محور سامان دهیم. یادمان باشد که کودکان‌مان حق آموزش خوب و انسان‌محور و زندگی‌محور دارند. مهم‌ترین وظیفه ما در قبال کودکان‌مان در تنگناهای موجود زندگی، آن است که شادمانه‌تر و آزادانه‌تر زندگی کنیم. کودکان‌مان را در سایه آینده بزرگ نکنیم، و یادمان باشد که آفتاب زندگی، امروز برای آنان می‌درخشد و امروز آنان را دریابیم. کودکان صرفا «سازندگان فردا» نیستند، امروز هم هستند. امروز باید کودکی کنند، بازی کنند و خلاقیت داشته باشند. اگر قرار باشد فردای روشن‌تری برای جامعه رقم بخورد، با کودکانی شاد رقم خواهد خورد، کودکانی که با صلح زندگی کنند و بزرگ شوند، نه با خشونت و تحکم.

واقعیت آن است که که امروزه علی‌رغم پیشرفت های چشم‌گیر، «خشونت» مهم‌ترین مسئله‌ای است که دنیای کودکی از آن رنج می‌برد. دنیای پیرامون و کشورمان هر کدام به نحوی با این مسئله درگیر هستند. کودکان قربانی جنگ در کشورهای یمن، عراق، سوریه و افغانستان نمادی از مناسبات سودمحور و سرمایه‌سالار هستند که لابه‌لای چرخ دنده‌های مناسبات سیاسی هر روز بیش‌تر زندگی خود را در مخاطره می‌بینند. کودکان مهم‌ترین و بی‌تقصیرترین قربانیان این مناسبات هستند. در کشور ما نیز خشونت، بخش مهمی از کودکان‌مان را به مخاطره فراخوانده است. خشونت‌های کلامی و روانی امری رایج در مناسبات فردی و اجتماعی ما به شمار می‌رود. بسیاری از کودکان در خانواده‌ها از خشونت‌های جسمی و گاه جنسی آزار می‌بینند. در مدارس نیز این فرآیند خشونت‌ورزانه به صورتی نظام‌مند در جریان است. در نظام آموزشی مبتنی بر تک‌گویی و کنترل، خشونت‌های کلامی رایج‌تربن رفتاری است که دیده می‌شود. خشونت‌های جسمی و جنسی نیز گاه در مراحل حاد و گسترش یافته خود را نشان می‌دهد. خشونتی که متاسفانه پی‌آمد خود به خودی و طبیعی روی‌کرد حاکم بر نظام آموزشی کشور است. مسائل دیگری چون ازدواج کودکان، یا اعدام افرادی که در کودکی مرتکب فعلی شده‌اند که به شرط بزرگ سال بودن حکم‌اش اعدام است، نیز وجود دارد که به دامن زدن این خشونت کمک می‌کند. خشونت، مهم‌ترین عاملی است که کودکی و کودکان‌مان را تهدید می‌کند.

انجمن حمایت از حقوق کودکان، ضمن گرامی‌داشت روز جهانی کودک و تبریک این روز به کودکان، فعالان اجتماعی این عرصه و تمامی مردم کشورمان، از کلیه آحاد مردم، نهادهای مدنی و حاکمیتی و هنرمندان و ورزش‌کاران و اندیش‌ورزان حوزه‌های مختلف دعوت می‌کند به کمپین «نه به خشونت علیه کودکان» که به‌زودی توسط این انجمن راه‌اندازی می‌شود، بپیوندند و در ترویج مهربانی یاری‌گر هم باشیم. امید داریم با هم‌سویی‌ای که در مواجه با این درد مشترک صورت می‌پذیرد بتوانیم به راه‌کارهایی جهت کنترل و کاهش خشونت علیه کودکان‌مان دست یابیم.

بیانیه انجمن حمایت از حقوق کودکان در خصوص آزار جنسی تعدادی از کودکان در شوشتر

آزار جنسی تعدادی از کودکان در شهر شوشتر موجب تاسف و تالم بسیار گردید. آزار کودکانی که در چرخه مناسبات سلطه‌گرایانه مرد‌محور به ابزاری صرف تقلیل داده می‌شوند، بسیار زجرآور است. شوربختانه آزارهای جنسی کودکان لایه‌ای پنهان اما واقعی در اجتماع است که به صرف نصیحت و توصیه و حتی مجازات مجرم اصلاح نمی‌شود، بی‌شک مواجهه با چنین پدیده شومی نیاز به آگاهی بخشی در خصوص این نوع خشونت دارد، خشونتی که عمیق‌ترین زخم‌ها را بر روح و روان کودک مورد تعرض وارد می‌نماید و اگر به درمان آن همت نشود این زخم تا پایان زندگی با اوست.

باری، نمایان شدن دوباره این زخم بر پیکره اجتماع، که گه‌گاه سرباز می‌کند و متاسفانه مسئولان امر بیش‌تر اوقات سعی در پنهان کردن آن دارند، ضرورت مواجهه منطقی و مبتنی بر آموزش‌های لازم در جهت پیشگیری از آن را بیش‌تر عیان می‌سازد، آموزشی که لازم است توسط نهادهای ذی‌ربط کشور به‌طور وسیع ارائه شود تا بتواند توان کودکان‌مان را در زمینه مراقبت از خویش ارتقا دهد.

از سوی دیگر، در سطح عمومی، نحوه روبه‌رو شدن با این ناهنجاری می‌بایست به گونه‌ای باشد که کودکان قربانی و خانواده آن‌ها، بتوانند به‌جای سرپوش نهادن، با رفتاری هوشمندانه به کاهش این‌گونه مناسبات کمک نمایند.

درخصوص واقعه تلخ تجاوز به تعدادی از کودکان شوشتری نیز علاوه بر گوشزد کردن لزوم برقراری امنیت و صیانت از جسم و روان کودکان مورد تعرض به مقامات قضایی و انتظامی، لازم است به چند نکته توجه شود:

نخست آن‌که بدانیم، این کودکان قربانی‌اند و نه مجرم یا مقصر؛ از این‌رو، نگاه به آن‌ها نباید سرزش‌آمیز باشد بلکه نیازمند نگاه حمایت‌گرانه‌اند. بدون تردید اگر چنین رویکردی در پیش گرفته شود، از این پس افراد نمی‌توانند به بهانه ریختن آبرو از کودکان چنین بی‌شرمانه از آنان سوءاستفاده کنند.

دوم این‌که لازم است خدمات مناسب مشاوره‌ای و رواشناسانه برای التیام کودکان آزاردیده تدارک دیده شود.

سوم، برای پیشگیری از تکرار چنین فجایعی، هم آموزشی عمومی لازم است و هم آموزش خود مراقبتی به تمامی کودکان.

چهارم، با حمایت‌های حقوقی و قضایی مناسب از این کودکان می‌توان به آن‌ها و دیگرانی که در معرض این مخاطرات قرار دارند نشان داد که نظام حقوقی ـ قضایی پشتیبان آن‌هاست و به مجرمان نیز پیام داد که در این زمینه برخوردها بسیار جدی و قاطع خواهد بود.

در خاتمه، انجمن حمایت از حقوق کودکان ضمن اعلام انزجار از این واقعه تاسف‌برانگیز و ابراز همدلی با کودکان آزاردیده و خانواده‌های آن‌ها، آمادگی خود را برای به عهده گرفتن پرونده حقوقی تمامی کودکان مورد آزار قرارگرفته و انجام کلیه حمایت‌های حقوقی از آن‌ها و نیز حمایت‌های مشاوره‌ای و رواشناسانه و نیز برگزاری دوره‌های آموزشی خودمراقبتی برای مربیان، خانواده‌ها و کودکان در جهت کنترل و کاهش آزارهای جنسی اعلام می دارد. بدیهی است انجمن خود را موظف به پیگیری موضوع تا حصول نتیجه مناسب در احقاق حقوق این کودکان می‌داند.

کـــمپیـــن مـــبارزه بـــا کـــار کـــودکـــان

تنها ۵ ساعت برای لغو کار کودک مبارزه کنید! این شعار کمپینی بود که ۲۲ خرداد ماه امسال به همت انجمن حمایت از حقوق کودکان در دو پارک لاله و ملت تهران برپا شد. این کمپین یک روزه با هدف افزایش آگاهی عمومی و آشنایی مردم با تاریخچه روز جهانی لغو کار کودک برگزار شد. در این کمپین ۵ ساعته، مصادیق کار پنهان و مشاغل سخت کودکان با توضیحات آماری معرفی شد و میزان آگاهی خانواده‌ها و بازدیدکنندگان نسبت به کار کودک سنجیده شد. گفتگو با کودکان نیز از جمله کارهایی بود که توسط مربیان داوطلب انجمن در این کمپین با هدفی همسو انجام شد.

اطلاعات ارائه شده در کمپین

خلاصه‌ی اطلاعاتی که در این کمپین با خانواده‌ها و بازدیدکنندگان در میان گذاشته شد عبارتند از: طیف وسیعی از پسران در مشاغل مختلف مشغول به کارند که شامل؛ کار در محیط‌های بسته مانند موتورسازی و دوچرخه‌سازی، مکانیکی، کولر سازی، کارگر ساختمان (آرماتور بندی)، کشتارگاه و ... و یا کار در محیط باز مانند دستفروشی، تکدی‌گری، جمع‌آوری زباله‌ها ، شستن شیشه ماشین‌ها و چرخ کشی است. دختران هم اغلب در بسته‌بندی لوازم آرایشی و بهداشتی، پاک‌کردن سبزیجات و حبوبات، نخ‌کشی شال و روسری و جوراب، دستفروشی و تکدی‌گری به کار گرفته می شوند.

اغلب این کودکان در سال، بارها شغل خود را تغییر می‌دهند. آن‌ها با توجه به میزان امنیت و در آمدشان، به آن کار ادامه می‌دهند.

شکایت همیشگی این کودکان از این است که چرا باید کار کنند؟ و چرا باید جور پدران بیکار و معتاد و قمارباز شان را بکشند. آن‌ها دلیل قانع کننده‌ای برای کارکردن نمی‌بینند. کارفرماها با توهین و تحقیر برخورد می‌کنند و یا به بهانه‌های واهی حقشان را نمی‌پردازند. برخی به بهانه این که آن ها اتباع کشوری دیگرند و نمی‌توانند کارت پولی داشته باشند، مدعی می‌شوند که حقوقشان را در کارتی واریز می‌کنند و بعد تحویل می‌دهند ولی با حیله کارت را می‌گیرند و کودک را نیز اخراج می‌کنند و به این ترتیب مزد مدت‌ها کارش را به یغما می‌برند؛ و باز کودکی دیگر را با همین حیله به کار می‌گیرند. این کودکان گاه بوسیله والدین خود خفیف می‌شوند. آن‌ها با تغییر ظاهر و پوشش کودک، برای به دست آوردن پول بیشتر، حس ترحم مردم را بر می‌انگیزند. بهداشت و سلامت روان این کودکان عمدتا در شرایط مناسبی نیست و نشاط، انگیزه و خلاقیت از زندگی آن‌ها حذف شده است.

هدف کمپین

هدف این کمپین و رویدادهایی از این دست، گام برداشتن در راه طولانی اما نتیجه بخش مطالبه‌گری لغو کارکودک است .چنین کارزارهایی هدفشان نه تقویت دلسوزی و ترحم، که بالابردن آگاهی شهروندان برای تغییر مناسبات اجتماعی به نفع کودکان است. به امید آن روز که هیچ کودکی به دلیل فقر، تنگدستی و تامین معاش خانواده در مسیر مخاطره‌آمیز کار اجباری قرار نگیرد.

سـایه‌ی سیاه ازدواج سـفید بر سر کـودکان

کودکان بی‌هویت، تک سرپرستی و سقط جنین، خشونت و بی توجهی، آینده نامعلوم، محرومیت از اسم و نبود نام پدر در شناسنامه کودکانی که متولد یک زندگی خارج از چارچوب ازدواج هستند ، تنها بخشی از پیامدهای یک ازدواج سفید است.

تابستان ۹۷، انجمن حمایت از حقوق کودکان در نشستی به بررسی زندگی خارج از چارچوب ازدواج از منظر حقوق کودک پرداخت. کامیل احمدی، پروانه سلحشور، شهناز سجادی و سارا باقری اعضای پنل در این نشست بودند. همچنین دکتر شیوا دولت‌آبادی مدیریت پنل را به عهده داشتند،

کامیل احمدی، مردم شناس و پژوهشگر و عضو انجمن حمایت از حقوق کودکان باشرح فشارهای روانی، استرس ناشی از پنهان‌ماندن رابطه و غیر قانونی بودن این شیوه زندگی، تولد کودکان بی‌هویت، تک سرپرستی و سقط جنین را از مهم‌ترین پیامدهای آن ذکر کرد .

پروانه سلحشور، نماینده مجلس، با اشاره به بروز خشونت حتی در کشورهایی که حقوق افراد در ازدواج سفید پذیرفته شده است ، به کم توجهی مشهود به کودکان حاصل از این نوع ازدواج‌ها تکیه کرد و گفت: بیشتر فرزندان متولد شده در شیوه زندگی هم‌خانگی، منجر به سقط جنین می‌شود و به نظر می‌رسد تنها عده کمی، آن هم به دلیل ابعاد انسانی که مرگ یک انسان برایشان اهمیت دارد جان این کودکان را حفظ می‌کنند. او این دلیل را هم دور از ذهن ندانست که ممکن است این افراد به امید وقوع ازدواج رسمی در آینده فرزندشان را سقط نمی‌کنند. سلحشور به بحران هویتی کودکان حاصل از این نوع ازدواج و دلایل آن پرداخته و شرح داد: همانطور که می‌دانید اسم پدر در شناسنامه این کودکان ذکر نمی‌شود و ثبت نام مدرسه این کودکان مسئله دار می شود. وی راه ورود به مشکلات کودکانی از این دست را در قدم اول، پذیرش وجود ازدواج هایی از این دست دانست و تصریح کرد: در صورت انکار این موضوع مشکلی برطرف نمی‌شود، باید وجود این شیوه زندگی را در جامعه جدی بگیریم و به عنوان پدیده نوظهور جامعه مدرن به دنبال خشونت زدایی و ساماندهی کودکان حاصل از آن باشیم .

شهناز سجادی، دستیار حقوق شهروندی معاونت رئیس جمهور در امور زنان و خانواده، ازدواج سفید را نه تنها تهدیدی برای خانواده، بلکه تهدیدی علیه زنان و کودکان عنوان کرد و گفت: شیوه ازدواج سفید تشکیل دادن یک خانواده حبابی است. وی یاد آور شد: در دهه ۳۰ ثبت ازدواج ضروری و اجباری نبوده است و توضیح داد: در این نوع شیوه، معمولا بعد از خواندن خطبه عقد، زندگی مشترک افراد آغاز می‌شد ولی پس از آن، در ایران نوین ، برای نظام‌مندی ازدواج و مشخص شدن مسئولیت‌ها و حقوق افراد، ثبت ازدواج رسمی شد. می‌توان گفت در گذشته نیز ازدواج‌ها ثبت نمی‌شدند، اما به طور کلی می‌توان ادعا کرد پیش از انقلاب اسلامی، معشوقه‌گیری مردان و بعد از انقلاب نیز صیغه موقت، آسیبی جدی برای تزلزل خانواده به شمار می‌رود.

او زنان را اولین و کودکان را قربانیان بعدی این شیوه زندگی خواند و افزود : بعضی معتقدند که این شیوه زندگی یک واقعیت اجتماعی است، اما سوال اینجاست که مگر بیماران پدوفیلی واقعیت جامعه نیستند ؟ آیا آن‌ها را نیز باید پذیرفت؟

فرزند یک رابطه نامشروع از هیچ یک از این حمایت‌ها برخوردار نیست. همچنین بحث ولایت و سرپرستی و تعلیم و تربیت او نیز به چالش کشیده می‌شود. اگرچه ممکن است این قوانین سخت گیرانه برای پیشگیری در نظر گرفته شده باشد اما فرزند حال از چنین ازدواجی گناهی ندارد.

سجادی به تغییر نگاه قانون از سال ۷۶ اشاره کرد و شرح داد: دیوان عالی کشور در این حوزه وحدت رویه‌ای ایجاد کرد و تکلیف پرداخت نفقه و حضانت بر عهده پدر گذاشته شد، با این وجود فرزند چنین ازدواجی از ارث محروم است.

سارا باقری وکیل دادگستری و عضو کمیته حقوقی انجمن حمایت از حقوق کودکان، در تکمیل موضوع مربوط به مسائل ازدواج سفید، به عدم صدور گواهی ولادت چنین فرزندی در بیمارستان پرداخت و گفت: بیمارستان از صدور گواهی ولادت کودکی که ازدواج والدینش ثبت نشده باشد امتناع می‌کند و ثبت احوال هم

بدون گواهی ولادت، شناسنامه صادر نمی‌کند.

وی مشکل بعدی را در صدور شناسنامه برای چنین طفلی، برداشتن نام فامیلش از نام خانوادگی مادر عنوان می کند که تبعاتی مانند انواع انگ هایی که بعدها در اجتماع خواهد خورد را برای کودک به همراه خواهد داشت. اگرچه کودکان حاصل این ازدواج ها در مورد شناسنامه و مسئله هویت دچار معضل هستند اما تجربه نشان داده قضات زیادی هستند که در این مورد و مشکلات کودکان با آن‌ها همکاری می‌کنند. بیشتر افرادی که تمایل به ازدواج سفید دارند تحصیل‌کرده هستند، این درحالی است که در طبقات پایین نیز این مسئله تا حد زیادی دیده می‌شود و این اتفاقی است که در همه ی سطوح جامعه در حال وقوع است. فقه امامیه فقهی پویاست و می‌تواند با مقتضیات زمان خودش جلو رفته و راه حل‌های کارآمد داشته باشد. باید تلاش کنیم تا با احکام ثانویه از سوی رهبری، حکم صادر شود و در این موضوعات نیز وارد شده و راه حل مناسب را ایجاد کنیم.

بازنگری وضعیت کودکان استثنایی در جامعه

نشست تخصصی «بازنگری وضعیت کودکان استثنایی در جامعه» ۱۴ آبان‌ماه در سالن سازمان بهزیستی استان تهران توسط انجمن حمایت از حقوق کودکان برگزار شد. در این نشست بحث و گفت‌وگو پیرامون انواع کودکان استثنایی، نگرش‌ها، نیازها، تفاوت‌ها، ارتباطات و نحوه آموزش آن‌ها مطرح شد. دبیر این پنل خانم دکتر شیوا دولت‌آبادی و سخنرانان دکتر کاظمی (نایب رییس انجمن علمی کودکان استثنایی تهران) و پروفسور عشایری (استاد دانشگاه علوم پزشکی ایران) بودند.

دکتر کاظمی نایب رییس انجمن علمی کودکان استثنایی تهران: آنچه برای کودکان استثنایی و تیزهوش حائز اهمیت است، بحث پرورش استعدادهای آن‌هاست لذا باید طرح استعدادیابی ملی کودکان کشور برای شناسایی این قشر انجام شود. براساس قانون تفاوت‌های فردی هر کودکی استثنایی است، فردیت و استقلال هر کودکی زیر ۱۴ تا ۱۵ سالگی محقق می‌شود، بنابراین در مورد کودکان استثنایی نمی‌توان آن‌ها را جدا از کودکان عادی دانست. همچنین نباید فراموش کرد که مسائل مربوط به کودکان استثنایی محدود به آموزش آن‌ها نیست، بلکه شامل توجه تمام به آن‌ها از ابتدای تولد است. بنابراین باید از کودکان استثنایی حمایت‌های ویژه‌ای شود.

در کشورهای مترقی شناسایی استعدادهای دانش‌آموزان به سمت سال‌های پیش دبستان سوق داده شده است، زمانی که کودک در ۶ سالگی به ۶۵ درصد رشد هوشی خود می‌رسد باید از این سال‌های طلایی با دقت استفاده کرد، چرا که آموزش و پرورش رسمی دنیا از شش سالگی از ظرفیت ۳۵ درصدی رشد هوشی که باقی مانده است، استفاده می‌کنند. اولویت اول در مورد این کودکان آموزش آن‌ها نیست، بلکه پرورش آن‌ها است. برای فرد باهوش کافی است که این دانش‌آموز با کمک مربی و معلم تنها روش‌های مطالعه را یاد بگیرد و اولویت باید پرورش استعدادهای آن‌ها باشد.

تنها نباید هوش دانش آموزان مورد سنجش قرار بگیرد و سنجش استعدادهای آن نیز از اهمیت برخوردار است. در حال حاضر سه نوع تیزهوشی شناخته شده است. یکی از انواع تیزهوشی در مورد افرادی است که بسیار منظم، وقت‌شناس، پرکار و سخت‌کوش هستند. این افراد توجه ویژه‌ای به جایگاهشان دارند. همچنین این درصد افراد تیزهوش بسیار اهل رقابت هستند و از هر موقعیت مقایسه‌ای استقبال می‌کنند. شکل‌گیری ارزشیابی کیفی در مدارس ایران عمدتاً به ضرر این دسته از دانش آموزان تیزهوش تمام شده است.

گروه دوم اهل برقراری ارتباط بین مفاهیم و ساماندهی ذهنی موضوعات هستند به طوری که باید تمام آموخته‌هایشان را به یکدیگر مرتبط کنند، به همین دلیل موضوعات تئوریک کتاب درسی، آزمایشگاه یا کارگاه برایشان تنها زمانی اهمیت پیدا می‌کند که بتوانند ارتباط موضوعات با یکدیگر را درک کنند. به همین دلیل این افراد سیاستمداران قابلی می‌شوند.

گروه سوم کودکانی هستند که بسیار متکی به ظرفیت‌های تجربی خودشان هستند و کنجکاوی بالایی دارند، بطوری که تجربه‌گری آن‌ها گاهی با خطر جانی برایشان همراه است. همچنین دسته دیگری از این تیزهوشان عمدتاً نسبت به مفاهیم زمان و مکان بی اعتنا هستند بطوری که گاهی تصور می‌شود آن‌ها عمدتاً دوره‌های بیکاری و پراکندگی دارند. این دسته از تیزهوشان سال‌های مدرسه را به زحمت تحمل می‌کنند.

برای پرورش کودکان استثنایی نیاز به مربی داریم تا نقش راهنما برای این کودکان را بازی کند. باید به فردیت این کودکان توجه ویژه‌ای شود. در سطح کلان نیز باید کودکان بازمانده از تحصیل وارد چرخه آموزش شوند و همچنین همت گسترده‌ای برای اجرای طرح استعدادیابی ملی کودکان کشور انجام شود.

دکتر شیوا دولت‌آبادی از موسسین انجمن حمایت از حقوق کودکان و

چالش‌های کودکان ترنسکشوال در جامعه ایرانی

نوجوانان با اشاره به ۴ دسته کودکان استثنایی توضیح داد: برخی از این کودکان مشکل یا تفاوت توانایی ذهنی با سایر کودکان دارند بطوری که در حالت بسیار تیزهوش و یا کم توان ذهنی قرار می‌گیرند. دسته دیگری از این کودکان نیز با مشکلات بدنی مثل نابینایی، ناشنوایی، مشکل تکلم و ... روبرو هستند. دسته سوم کودکان استثنایی با مشکلات شدید عاطفی و هیجانی با ریشه نارسایی‌های عصبی، ژنتیکی یا اجتماعی روبرو هستند. برخی از کودکان استثنایی نیز مجموعه‌ای از معلولیت‌ها و استثناها را با خود به همراه دارند.

به نظر می رسد واژگان در حال تغییر هستند و دیگر در سطح جامعه از اصطلاحات عقب ماندگی استفاده نمی‌شود. بحث در مورد هویت کودکان استثنایی نیاز به تلاشی همه جانبه دارد و باید نوع نگاه نسبت به این کودکان تغییر کند. ما باید این کودکان را به مثابه افراد عادی ببینیم و با آن‌ها برخورد کنیم.

پرفسور حسن عشایری روانپزشک و استاد علوم پزشکی دانشگاه علوم پزشکی ایران: استثناها همان Norm ها هستند که تحت شرایط ویژه‌ای تجلی پیدا می‌کنند و نگاه به کودکان تیزهوش در جامعه باید تغییر کند. در حال حاضر نگاه آموزش و پرورش به دانش‌آموزان تنها به عیب‌های آن‌ها اشاره می‌کند و میزان ناتوانی‌های آن‌ها را اندازه می‌گیرد و این باید در مورد توانایی‌های افراد ارزیابی شود.

زمانی که از واژه مردسالارانه «مادرزادی» استفاده می‌کنید به گونه‌ای القاء می‌شود که هرگونه مشکل فرد از طریق مادر به او منتقل شده است در حالی که چنین نیست و باید بگوییم مشکل فرد « از بدو تولد » به وجود آمده است.

در مورد آموزش این کودکان باید فرآیندمدار باشیم و نه پیامدمدار. تغییر نگرش بعد از سطوح بالای قدرت تا سطوح خانواده و فردی اتفاق بیفتد. این کودکان نیازمند ترحم نیستند چرا که قابلیت‌ها و توانایی‌های ویژه‌ای دارند که باید کشف و شکوفا شوند.

باید کودکان استثنایی را وارد جمع کنیم و در برخی از کشورها بحران‌های کوچک را برای این کودکان ایجاد می‌کنند تا آن‌ها تمرین کنند تا از پس مشکلات بربیایند. باید روی این کودکان به شکل طولانی مدت وقت گذاشت تا وارد جامعه شوند و این کار نیازمند زمان و عشق به این کار است

نشست بررسی چالش‌های کودکان ترنسکشوال در جامعه ایرانی، بهمن‌ماه با حضور دکتر حسن موسوی چلک رییس انجمن مددکاران اجتماعی ایران، سامان ارسطو بازیگر، کارگردان تئاتر و پژوهشگر، دکتر مریم امیری روانشناس بالینی و هادی شریعتی حقوقدان و نایب رییس هیات مدیره انجمن حمایت از حقوق کودکان در سالن اجتماعات انجمن برگزار شد. دبیر این نشست سرکار خانم دکتر خوشنویس، روانشناس و عضو هیات مدیره انجمن حمایت از حقوق کودکان، بودند

دکتر الهه خوشنویس از اعضای هییت مدیره انجمن حمایت از حقوق کودکان: افرادی که ما به عنوان ترنس میشناسیم؛ هویت جنسی آن ها با هویت روانی آن‌ها متفاوت است. آن ها از نظر اندام جنسی زن یا مرد هستند اما از نظر هویتی با آن همخوانی ندارند. برای مثال دخترانی که لباس پسرانه می‌پوشند و یا برعکس آن. انجمن حمایت از حقوق کودکان به عنوان اولین انجمن کودکان در ایران این موضوع را مطرح کرده است تا بتوانیم چالش‌های کودکان ترنسکشوال را در ایران بشناسیم و راهکارهایی برای آن ارائه دهیم

هادی شریعتی حقوقدان و نایب رییس هیات مدیره انجمن حمایت از حقوق کودکان: در قوانین ما معمولاً بخشی از افراد جامعه سانسور می‌شوند و در مورد حقوق آن‌ها یا قانون کلاً سکوت می‌کند یا این‌که به شکل ناقص و غیر شفافی ورود پیدا می‌کند. وقتی این سانسور در قوانین اتفاق می‌افتد، افراد سانسور شده در فضایی پر از تبعیض قرار می‌گیرند که نتیجه این تبعیض افزایش بزه و بزهکاری و تولید آسیب‌های اجتماعی جدید است. از مواد محدود قانونی استنباط می‌شود که در قوانین جمهوری اسلامی ایران تراجنسی‌ها به رسمیت شناخته شده‌اند اما بدون شک این جهت برابری حقوق و رفع تبعیض کافی نیست،

اغلب قوانین در ایران برگرفته از فقه است. در متون فقهی شیعه از ترنس سکشوال ها با عنوان خنثای روانی یا خنثای مشکل نام برده شده است. احکام مخصوصی هم در زمینه نماز، روزه، حج، ارث، حدود و قصاص برای آن‌ها در نظر گرفته شده است، همچنین فتاوای معتبری از فقهای شیعه در ارتباط با شرعی بودن عمل تغییر جنسیت موجود است. با توجه به خلا قانونی در زمینه مسائل ترنس سکشوال ها بسیاری از احکام قضایی صادره در محاکم قضایی از متون فقهی استخراج می‌شود. مشکلی اساسی در زمینه حقوق ترنس سکشوال ها نداشتن یک قانون جامع و منسجم در این زمینه است.

در قوانین اصلی دو تا سه ماده به صورت پراکنده و محدود به بحث ترنس‌ها پرداخته ماده ۹۳۹ قانون مدنی که از واژه خنثی استفاده کرده و در مورد تعیین ارث می باشد و بند ۱۸ ماده ۴ از قانون حمایت از خانواده که دادگاه صالح برای رسیدگی به درخواست تغییر جنسیت را دادگاه خانواده اعلام کرده است و در نهایت آیین‌نامه سازمان نظام وظیفه فصل مربوط به بیماری‌های روانپزشکی که افراد ترنس سکشوال را در دسته افراد معاف از خدمت قرار داده است . چناچه یک ترنس سکشوال به هر دلیلی توانایی عمل تغییر جنسیت را نداشته باشه از چرخه این قوانین محدود و ناقص خارج می شود.

در ارتباط با کودکان ترنس برای اولین بار در تاریخ معاصر حقوقی ایران" بند د از ماده ۳ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۹۷ کودکان ترنس را با عنوان کودکان دارای اختلال هویت جنسی به رسمیت شناخته و آن‌ها را در دسته کودکان در وضعیت مخاطره‌آمیز قرار داده است که در مواد بعدی این قانون ساز و کار حمایتی برای کودکان در وضعیت مخاطره‌آمیز تعریف شده است.

در طی چنده دهه تنها یک بند از یک ماده به این کودکان پرداخته و البته که بسیار امیدوار کننده و یکی از نکته های بسیار مثبت این قانون تازه تصویب می باشد اما وقتی به آمارها نگاه می‌کنیم متوجه می شویم چه ظلم و غفلت بزرگی در مورد این کودکان رخ داده است

نبود یک قانون جامع و حمایتی باعث شده کودکان ترنس دائماً قربانی کودک آزاری شوند دانش آموزی که مطابق جنسیت فیزیکی خودش در مدرسه رفتار نکند با تحقیر، توهین، آزار و در نهایت اخراج مواجه خواهد شد مواد ۶۴، ۶۵ و ۶۶ آیین نامه اجرایی مدارس که در ارتباط با نحوه پوشش دانش آموزان است اخراج دانش آموزان ترنس را که معمولاً پوشش متفاوتی دارند سهل می‌کند.

در مفاهیم و تعاریف حقوق کودک واژه‌ای تحت عنوان کودکان نامرئی به کار برده می‌شود. کودکان نامرئی بخشی از کودکان در جامعه هستند که به دلایل سیاسی، امنیتی و اجتماعی به حاشیه رانده شده و در حاشیه زیست می‌کنند. در واقع نیازهای آن‌ها دیده نمی‌شود و به حقوق آن‌ها بی‌توجهی می‌شود، کودکان ترنس در گروه کودکان نامریی قرار دارند.

دکتر حسن موسوی چلک رییس انجمن مددکاران اجتماعی ایران: در حوزه ترنسکشوال با چالش های جدی رو به رو هستیم. آنان در طول عمر خود با چالش‌های متفاوتی دست و پنجه نرم می‌کنند و اختلال ایجاد شده در خلقت این افراد بر تمام ابعاد زندگی آن‌ها تاثیر می‌گذارد. جنس انسان در ثانیه نخست از بسته شدن نطفه مشخص می‌شود که مذکر است یا مونث اما جنس با جنسیت متفاوت است و فرایندهای ایجاد این دو به طور کامل با هم فرق دارند نه فقط جنس بدنی افراد بلکه این شناخت از جنسیت خود است که برای یک فرد، زن بودن یا مرد بودنش را مشخص می‌کند. در شناختی که افراد تراجنس از جنسیت خود دارند با جنس ظاهری و بدنی‌شان تضاد کامل وجود دارد. به گونه‌ای که یک فرد با ظاهری کاملا مردانه باور دارد که زن است و جسم او با خود واقعی او منطبق نیست. بنابراین

آنچه در این میان مهم است جنس ظاهری افراد نیست بلکه شناختی است که یک فرد از جنسیت واقعی خود دارد بنده زمانی که در بهزیستی فعالیت داشتم سعی می‌کردم که ترنس‌ها را به وزارت خانه‌ها ارجاع بدهم و خود آن ها با وزیر و مقام‌های مربوط در مورد مشکلات شان صحبت کنند در دوره‌ای پلیس امنیت اخلاقی با ترنس ها برخورد می‌کردند و با جلساتی که با نیروی انتظامی برگزاری کردیم، توانستیم نامه‌هایی را برای افراد ترنس صادر کنیم که مانع توبیخ و برخورد نیرو انتظامی با آن‌ها شود. روانشناس، پرستار و جراح مخصوص ترنس در ایران نداریم و باید تلاش کنیم تا مشکلات و چالش های کودکان ترنسکشوال حل شود.

دکتر مریم امیری روانشناس بالینی: دکتر امیری در ابتدا به جنس، هویت جنسی و نقش جنسیتی اشاره کردند و در این باره توضیحاتی دادند.

«جنس به خصوصیات بیولوژیک فرد اشاره می‌کند، درحالی که جنسیت، به نقش‌هایی که توسط اجتماع برای زنان و مردان مطرح می شود، اشاره دارد»

جنسیت در زبان عامیانه، همان مردانگی و زنانگی است که در گفت‌وگوی روزمره از آن‌ها استفاده می‌شود. جنس افراد با گذشت زمان تغییر نمی‌کند، در حالی که نقش‌های جنسیتی با گذشت زمان تحت تأثیر تغییرات اجتماعی قرار می‌گیرد. در این صورت، جنس زن تنها به نقش خاص وی در تولیدمثل (بارداری و زایمان) اشاره دارد. بر پایه این باور، دیگر تفاوت‌هایی که از نظر روانی و رفتاری بین زن و مرد وجود دارد، برخاسته از طبیعت نیست و متأثر از فرهنگ و اجتماع (فرآیند جامعه پذیری) به وجود آمده‌اند. آنان افزون بر باز تعریف بالا، اعلام کردند که بسیاری از تفاوت‌ها و انتظاراتی که از هر یک از زن و مرد وجود دارد و به هویت جنسی‌شان شکل می‌دهد، بی‌پایه است.

او در ادامه افزود: کودک که جنسش نر است اما دچار نارضایتی جنسی است و هویت جنسی خود را طور دیگری تعریف می‌کند.کودکی (پسر) که از لوازم آرایش مادرش استفاده می‌کند و دامن می‌پوشد صرفا به این معنی نیست که این کودک ترنس می‌باشد. این کودک در واقع نقش جنسیتی خود را برخلاف دوگانه زن و مرد در جامعه تعریف می‌کند والدین توسط روان‌شناسان باید آگاه شوند و به کودکان خود با عمل‌های تغییر جنسیتی که شاید لازم نباشد، آسیب وارد نکنند. ما نیازمند روان‌شناسان و پرستارهای متخصص در زمینه ترنسکشوال هستیم.

سخنرانی سامان ارسطو بازیگر، کارگردان تیاتر و پژوهشگر: من هیچ پیله‌ای ندارم و نداشتم که با آن پروانه بشوم. پیله مغز بیمار من است. وی در ادامه گفت: من با بیمار خطاب کردن ترنس‌ها به شدت مخالف هستم. برچسب بیماری و انحرافی جنسی که بر ترنس‌ها تحمیل شده است، باید از بین برود. وی در پایان به هزینه های تغیر جنسیت اشاره کرد و گفت: ما ساختار درست و حمایتی در کشور نداریم که به طور همه جانبه از حقوق ترنس‌ها حمایت کند. و هزینه عمل آخر تغیر جنسیت حدود ۸۰ میلیون تومان است و دولت هیچ هزینه حمایتی برای این افراد در نظر نگرفته است.

حسن ختام خبرنامه

روایت زیسته از پرسه زدن با کودکان باربر بازار تهران، کودکان خیال‌های نقاشی نشده؛ لیلا رزاقی

صبح برای محمود ۱۰ ساله، نه با صدای زنگ مدرسه و چرت زدن‌های پشت نیمکت که با صدای باز شدن زنجیر چرخ دستی از حفاظ‌های آهنیِ اطراف تیمچه ملاعلی در قلب بازار بزرگ تهران آغاز می‌شود. از سه سال پیش که پدر کشاورزش از روی بیکاری همراه او و برادرش از کوهدشت (لرستان) راهی تهران شدند، هر روز صبح ، همین صحنه‌ها برای محمود تکرار شده... اما خودش می‌گوید؛ هیچ روزی مثل روز قبل نیست.. مثل روزهایی که بازار خلوت است و کمتر باری جابه‌جا می‌شود. یا روزهایی که فقط به خاطر نداشتن کاور مخصوص تردد باربرها در بازار، ماموران شهرداری چرخش را گرفته‌اند و دنبال یک چرخ دسته دوم می‌چرخد... روزی ۱۰ تا ۱۲ ساعت کار تنها برای ۴۰ تا ۵۰ هزار تومان... می‌گفت؛«با این پول، چطور ۴۰ هزار تومن پول کاور بدم؟ هر بار که چرخم رو می‌گیرن باید ۷۰_۸۰ هزار تومن جور کنم تا یه چرخ تازه بخرم. تازه این چرخ‌ها ارزونه، وای به حال اون چرخ‌های بزرگتر.. » رویای محمود، بازیگر شدن است. اما پای نقش که وسط می‌آید، می‌خواهد خودش را بازی کند.. با همان چرخ دستی و با همان صبح‌های تکراری... با همشهری‌های باربرش، که پخش شده‌اند داخل بازار و ظهرها هر گوشه بازار که باشند، تنها چند دقیقه‌ای برای ناهار گرد هم جمع می‌شوند.. با برادر بزرگش امیرحسین که مثل کوه پشت سر محمود می‌ایستد تا مبادا به قول خودش کسی اذیتش کند.. با شب‌هایی که وقتی به خانه کوچک‌شان در حوالی دروازه غار می‌رسد، نای ایستادن ندارد و از زور خستگی سر سفره شام خوابش می‌برد... محمود بیشتر از آن که حرف بزند، خیره به چشمهایت نگاه می‌کند. تیز و برّنده و گاه پرسشگر... تکیه کلامش این است:« خب چی کار کنیم ! .. کار نکنیم چه کنیم...؟! »

داستان محمود با کمی فراز و نشیب بیشتر این بار برای عبدالله ۱۶ ساله تکرار می‌شود. همان صبح ها، همان شب‌ها اما با زخمی به جا مانده از مهاجرت به ایران.. راه طولانی که عبدالله دوبار آن را طی کرده . از هرات تا زابل.. از زابل تا تهران و رفت و برگشتی که با رد مرز شدنش یک بار دیگر تکرار شد... هربار که خاطره آمدنش به ایران به یادش می‌آید، دوباره ستون فقراتش تیر می‌کشد.. « ۱۵ نفر، سوار یه پژو ۴۰۵ ... من با دونفر دیگه تو صندوق عقب بودم، ۶ساعت تمام..» هنوز فشارهای چندین ساعت جابه‌جایی که آخرینش مربوط به ۷ ماه پیش است را روی بدنش حس می کند. اما دردهای سنگین‌تری هم هست. دردهایی که هر روز تکرار می‌شوند.. گاهی فشار سنگینی بارهایی که جابه جا می‌کند آنقدر زیاد است که از زور دردهای مفصلی شب‌ها خوابش نمی‌برد. با این همه عبدالله اصرار دارد که تا زمانی که کودک است توان زیادی برای کار کردن دارد.. « الان که بچه ایم.. زور داریم.. کار می کنیم... بعدش مهم نیست..» او همراه برادر و پسرخاله‌اش و ۸ نفر دیگر در یک انبار حوالی ناصرخسرو زندگی می‌کند. زندگی که نه، بیشتر شبیه خوابگاه است.. هیچ کدام از آدم‌های این انبار روزها بیکار نیستند. یکی کارگر ساختمان است، دیگری نگهبان، آن یکی پاکبان و .... عبدالله، که باربر است..

اینجا **باربری** شغل کودکان است!

سرخط این روایت از شلوغی برزخی یک شهر پرسروصدا که این روزها به شدت خاکستری است، آغاز می‌شود. از جستجویی میان همین شلوغی‌ها تا رسیدن به ضعیف‌ترین صداها .. از جنس همان صداهایی که روزی فریاد می‌شوند در گوش جنگ افروزان و سیاست مداران استثمارگر، در گوش ملل متحد و در گوش همه ما.. برای شنیدن این صداها کافیست مثل یک جستجوگر راهی خیابان‌ها شوید و لمس کنید صداهایی را که تا پیش از این، فقط از آن‌ها شنیده‌اید. همین جستجوکردن‌ها، نگاهتان را از سرچهار راه‌ها و کیسه‌های پر از زباله روی دوش بچه ها پرت می‌کند به دالان های تودرتوی بازار تهران.. به بازار پارچه فروش‌ها، سرای شیخ هادی، نوروزخان، به چهارسوق.. در بازار بزرگ تهران، تعدادشان آنقدر زیاد است که لازم نیست دنبالشان بچرخید..

نزدیک‌تر که می‌شوید، این بار به جای فال و دستمال کاغذی و گل های رنگی در دستان کوچک بچه‌ها، رد دستگیره‌های آهنی چرخ دستی را می‌بینید. اگر می‌خواهید خیلی دقیق‌تر ببینید، به بچه‌ها بگویید که کف بین هستید و می‌خواهید فالشان را بگیرید... کف دست‌ها زبر و زمخت شده ، جوری که دیگر هیچی نرمی روی پوست حس نمی‌شود، اما هنوز خط و خطوط روی دست نشان می‌دهد این‌ها دست‌های یه کودک ۱۲_۱۳ ساله است.. نام این «خط عمر» است.. در بازار تهران می‌توانید ردّ خط عمر خیلی از بچه ها را بزنید. از وکیل کودک ۱۲ ساله افغان که می‌گفت؛ ازم نپرس چقدر درس خوندم، چون وقتی دست چپ و راستم رو شناختم از افغانستان مستقیم اومدم بازار تهران تا رضای ۹ ساله که چون خیلی کوچک است، اغلب بزرگترها کار را از او می‌گیرند..

در بازار تهران باید مثل یک دوربین مخفی ساده، پابه‌پای کودکان باربر بازار تهران رفت و قصه نوشت. از دلخوشی‌های کوچک (که برای بچه‌های مهاجر خیلی بزرگ است) مثل بازگشت به خانه و آغوش مادر و پدر تا دردهایی که روح را مچاله می‌کند، مثل روایت نعمت کودک ۱۴ ساله اهل افغانستان که می‌گفت؛ یک بار در نتیجه حمل بار ۵۰ کیلویی در یک شیب تند، سه روز نتوانست از جایش تکان بخورد. جایی حوالی بازار پارچه فروش ها ایستاده و تکیه زده به چرخ دستی، منتظر بار است. گله می‌کند که این روزها که اوضاع خرید و فروش بازار خوب نیست، کار آن‌ها هم کساد است. «کلا روزی ۳۰_۴۰ تومن درمیارم. از ۷ صبحم اینجام اما الان چند وقته اوضاع خوب نیست. من کارای دیگه هم کردم.. تو تولیدی کار کردم، مکانیکی رفتم ولی الان یه ساله تو بازارم، غیر از وقتایی که چرخمو می‌گیرن، تا به حال انقدر بیکار نشده بودم..»

چرخ دستی‌هایی که هم نعمت است و هم مصیبت!

حکایت این چرخ دستی‌ها حکایت غریبی است. همه ابزار این بچه‌ها برای کار و حتی تفریح، همین تکه‌های آهن جوش خورده بهم است.. وقتی قرار باشد باری جابه‌جا شود، همین چرخ دستی‌ها که اندازه‌های مختلف دارند و به نسبت اندازه‌شان قیمت‌های مختلف، می‌شوند منبع درآمد و تمام سهم یک خانواده از تقسیم عدالت اجتماعی! .. اما وقتی باری برای جابه‌جایی نباشد همین چرخ دستی‌ها می‌شود **روروئک** بچه‌ها که سوارش می‌شوند و لابه‌لای آدم ها تاب می‌خورند ... با این حال سرگذشت این چرخ دستی‌ها، چنان که نعمت و سایر کودکان باربر می‌گویند به این دو حکایت ختم نمی‌شود.گرفتن چرخ دستی‌ها از دست بچه‌ها هم روایتی است که اغلب کودکان باربر بازار تهران مثل یک کابوس از آن یاد می‌کنند. واقعیت این است که کودکانی که این چرخ دستی‌ها را حمل می‌کنند گرچه در نظر شهروندان یکی هستند، اما از نظر ماموران شهرداری تفاوت هایی باهم دارند. همین تفاوت ها کودکان باربر بازار تهران را به دو گروه تقسیم می‌کند. آن‌هایی که کاورهای اجاره‌ای شهرداری را به تن می‌کنند و بابتش مبلغی حدود ۳۰ تا ۴۰ هزار تومان (رقم ها تقریبی است) پرداخت می‌کنند و کودکانی که درآمدشان به اجاره کاور نمی‌رسد. گروه اول در معرض خطر ضبط شدن چرخ های‌شان توسط ماموران شهرداری قرار ندارند و گروه دوم شاید بیش از ۷ تا ۸ بار در سال چرخ دستی‌هایشان توسط ماموران شهرداری ضبط شود. نعمت می‌گوید: هربار گرفتن این چرخ‌ها برای ما، یعنی روز از نو روزی از نو..

هزینه تهیه چرخ دستی‌ها (با توجه به اندازه‌های مختلف) رقمی بین ۶۰ تا ۱۳۰ هزار تومان است. هزینه‌هایی که چندین باره پرداخت می‌شوند تا چرخ یک زندگی پرجمعیت به سختی بچرخد.

زیست کودکان باربر در سایه کار ارزان و دردهای گران

یافتن کودکان باربر گرچه به راحتی امکان پذیر است اما برقراری ارتباط با آن‌ها اغلب سخت و دشوار است. ساعت های متوالی کار، مسیر رفت و برگشت برای جابه‌جایی بار را به زمانی برای گپ و گفت های کوتاه بدل می‌کند. اغلب بچه‌ها در ساعات ابتدایی صبح یعنی حوالی ۶ ـ۷ صبح کارشان را آغاز می‌کنند. خیلی‌هایشان که شامل مهاجرین افغانستانی ساکن ایران هستند، در محله‌های اطراف بازار مثل مولوی و شوش و ناصرخسرو زندگی می‌کنند و گروه دیگری از بچه ها اعم از کودکان ایرانی که از شهرهای دور و نزدیک برای کار به تهران مهاجرت کرده‌اند، از جاهای دورتر مثل تهرانسر و برخی محلات حاشیه‌ای تهران هر روز صبح خودشان را به بازار می‌رسانند.

خانه‌های اجاره‌ای کوچک با ماهیانه ۳۰۰ تا ۴۰۰ هزار تومان اجاره،یا اتاقک ها و انبارهای ساختمانی، سرپناه گروهی از بچه‌هاست که خانواده هایشان کنارشان نیستند، یا همراه با یکی از اعضای خانواده و دوستان زندگی می‌کنند. این گروه از کودکان اغلب تنها منبع درآمد خانواده و یا نفر دوم در منابع درآمدی یک خانواده کارگری محسوب‌می‌شوند...

آن‌ها که از قدیم‌ترها به عنوان باربر در بازار تهران مشغول به کار شده‌اند می‌گویند، در سال‌های اخیر تعداد کودکان باربر (مهاجر و ایرانی) بیشتر شده است. اینکه چرا این کودکان سر از بازار تهران درآورده‌اند ، سوالی است که اغلب کودکان به آن پاسخ‌های مشابه می‌دهند. «ما خیلی کارها رو تجربه کردیم. از کار کردن تو تولیدی پوشاک تا مکانیکی.. این کار سخت هست ولی اگه بار خوب بهت بخوره، کم خرج خوبیه.» یا گروهی دیگر از کودکان که به واسطه از دست دادن شغل پدر به تهران مهاجرت کرده‌اند و به کمک دوست یا آشنایی سر از بازار تهران درآورده‌اند. مثل محمود که می‌گفت پدرش وقتی از رونق زمین‌های کشاورزی کوهدشت ناامید شد، بعد از مدتی بیکاری راهی تهران شد تا کاری دست‌وپا کند. حالا پدرش کارگر ساختمان است و محمود و برادرش هم در بازار ، باربری می‌کنند.. اما دلایل دیگری هم وجود دارد که کودکان را به باربران کوچک بازار تهران تبدیل کرده است. توانایی جسمانی بیشتر برای کار طولانی‌مدت اما ارزان... این کودکان بدون درآمد ثابت و حداقل‌های بیمه‌ای و در شرایط سخت ساعتهای متمادی کار می‌کنند. دردهای عضلانی ناشی از حمل بارهای سنگین، اغلب رفیق روز و شب این کودکان است. دردهایی که گاه هزینه‌های سنگین مداوای آن، کودکان و خانواده‌هایشان را از ادامه درمان منصرف می‌کند. با یک جمله کلیشه‌ای اما دردناک؛ «بچه است.. فعلا زورش می‌رسه..»

حبیب کودک ۱۵ ساله باربر اهل شمال ایران می‌گوید؛ «کار ما زمان نمی‌شناسه. گاهی تا ۶ـ۷ غروب هستیم و گاهی سه چهار ساعت بیشتر هم می‌مونیم..» با کنار هم قراردادن این حرف‌ها، زمان تقریبی ۱۰ تا ۱۲ ساعت کار برای هر کدام از این کودکان یعنی اینکه اغلب آن‌ها هیچ اوقات فراغتی برای خود ندارند.. وقتی از حبیب پرسیدیم «وقتی خونه ای چی کار می‌کنی؟ گفت؛ خواب! فقط خواب..» فراغت برای این کودکان یعنی لحظه‌ای که چشم‌ها روی واقعیت های تند و تیز زندگی روزمره بسته می‌شود و تنها برای چند ساعت از آن‌ها فاصله می‌گیرد.

در جستجوی امنیت خیالی آنسوی مرزها

از حدود ۲۰ نفری که با آن‌ها هم صحبت شدیم، بیش از ۸۰ درصد را کودکان مهاجر

افغانستانی تشکیل می‌دادند و ۲۰ درصد باقیمانده را کودکان ایرانی مهاجری شامل می‌شدند که عمدتاً از شهرهای غربی و شمالی کشور به تهران نقل مکان کرده بودند. از مهاجرین عمدتاً افغانستانی که دلیل سفرشان به ایران را بپرسید، تقریبا همگی یک پاسخ دارند.«کار نیست، جنگ هست...» سایه شوم جنگ و بی‌ثباتی جلوی چشم‌های بسیاری از این کودکان شبانه روز رژه می‌رود. گاهی که تصمیم می‌گیرند کمی بیشتر از پاسخ‌های کوتاه آری یا نه وارد مکالمه شوند، از همسایه‌های نادیده‌ای می‌گویند که برایشان از خوبی‌های کار در ایران گفته‌اند. همین‌ها بهانه می‌شود برای آمدن به ایران.. با این همه برای کودکان باربر مهاجر هم امنیت واقعی جایی است که آغوش مادر و مهربانی پدر باشد. جایی که کوچه هایش برای رفت و آمد آن‌ها تنگ نباشد و صدای غریبه‌ها مدام توی گوششان نپیچد که کار را به این افغانی نده...! آن‌ها تبعیض را هر روز زندگی می‌کنند اما وقتی حرف از «آرزو» می‌زنند، بلافاصله از بازگشت به خانه و دیدن مادر می‌گویند. مثل ابراهیم که تک و تنها از افغانستان راهی مرزهای ایران شده و امروز بدون وجود حتی یک عضو از خانواده، همراه با ۸ نفر از دوستانش در یک خانه حوالی بازار تهران زندگی می‌کند. ۱۵ساله است و مطمئن است که زندگی در سال‌های آتی هم به همین شکل ادامه خواهد یافت. می‌گفت وقتی خواستم همراه همسایه‌مان به ایران بیایم، مادرم خیلی گریه کرد ولی خب چه کار می‌کردم! پدرم که اینجا کارگر ساختمانی بود، به خاطر آسیبی که دید دیگر نتوانست کار کند. خواهر و برادرهایم هم کوچکتر از من بودند، پس ناچار بودم همراه بقیه بیایم.. نه اینکه آنجا کار نباشد، نه! ولی اینجا جنگ نیست. بین حرف‌هایش از خاطرات تلخ کشته شدن پسرعموهایش در مزار شریف می‌گفت. از طالبان و حالا داعش.. و تعریف او از امنیت ، جایی است که این دو نباشند. نه می‌داند نیروی کار ارزان چیست و نه از امنیت شغلی چیزی سردرمی‌آورد. او هر روز تمام این بی‌عدالتی‌ها را تجربه می‌کند تا شاید با جمع کردن رنج تمام این سختی‌ها، ذره‌ای خوشبختی به خانواده‌اش هدیه دهد.

برای عبدالله، امیرحسین و محمود و ده ها کودک باربر ایرانی هم اوضاع به همین منوال است. آن ها گرچه از جنگ فیزیکی تصویری ندارند اما جنگ پنهان طبقاتی، زندگی‌شان را پاره پاره کرده است. برای این کودکان زندگی به شکل غریبی واقعی است. آنقدر واقعی که قدرت تخیل های کودکانه را از آن‌ها گرفته.. از همان خیال‌های دلبرانه که هر کدام‌مان در کودکی داشتیم و گاهی شاید نقاشی‌اش می‌کردیم. اما اینجا درست در مرکز دارالتجاره تاریخی تهران، خبری از رویاپردازی‌های کودکانه نیست. وقتی از عبدالله پرسیدیم آرزویت چیست؟ گفت نمی‌دانم آرزو چیست! فقط می‌دانم باید بیش از این‌ها کار کنم. آنقدر که دیگر هیچ آرزویی نداشته باشم...

بهارکیدز، یک مرکز فرهنگی و آموزشی به زبان فارسی برای کودکان در اِرواین کالیفرنیا است. این مرکز از شیوه‌ی جذب زبانی[1] برای یادگیری زبان دوم بهره می‌گیرد. در این شیوه دانش‌آموزان تمام موضوعات و مواد آموزشی را به کمک زبان دوم یاد می‌گیرند. در این مرکز به کودکان‌مان کمک می‌کنند تا با قرار گرفتن در محیطی خلاقانه و شاد، فارسی، زبان مادری‌شان شود. فعالیت آن‌ها شامل داستان‌گویی، نمایش، نقاشی، موسیقی، رقص، آشپزی، خواندن و نوشتن است.

بهارکیدز پشتیبان و پرورنده‌ی کودکان است و فضایی فراگیر برای آن‌ها و والدین‌شان فراهم می‌کند. امید دارند این‌جا دوستی‌ها شکل بگیرد و همه با هم فرهنگ و زبان غنی فارسی را بیاموزند و قدر بشناسند.

بچه‌های بهارکیدز بعد از شنیدن خبر زلزله‌ی استان کرماشاه خواستند هم‌راه شوند؛ با مدادرنگی‌ها کشیدند، با مدادها چند خطی نوشتند، قلک‌ها را شکستند تا شاید این کاغذها به دست‌شان برسد و دل‌شان اندکی گرم شود.

۱. Language Immersion

سلام،

اسم من کیانا ست.

امیدوارم که زودِ زود

خوشحال بشید همتون.

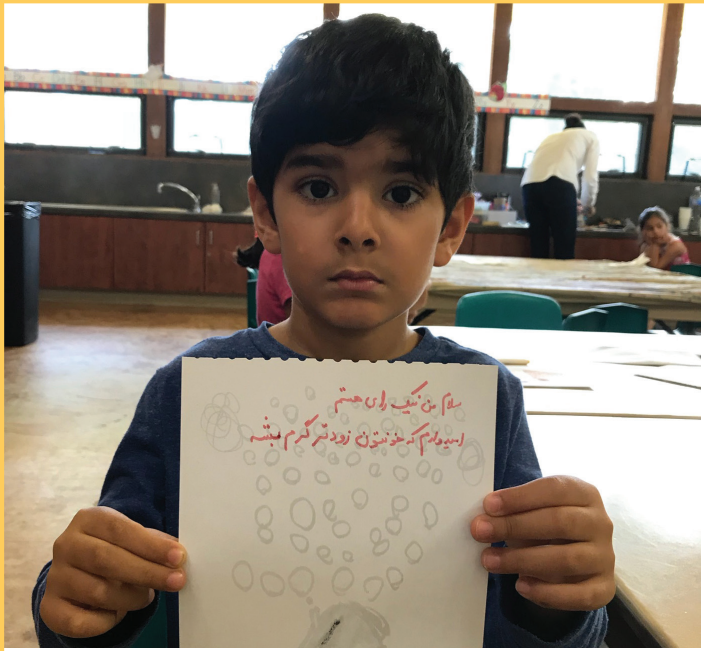
سلام من نیک رای هستم
امیدوارم که خونتون زودتر گرم بشه

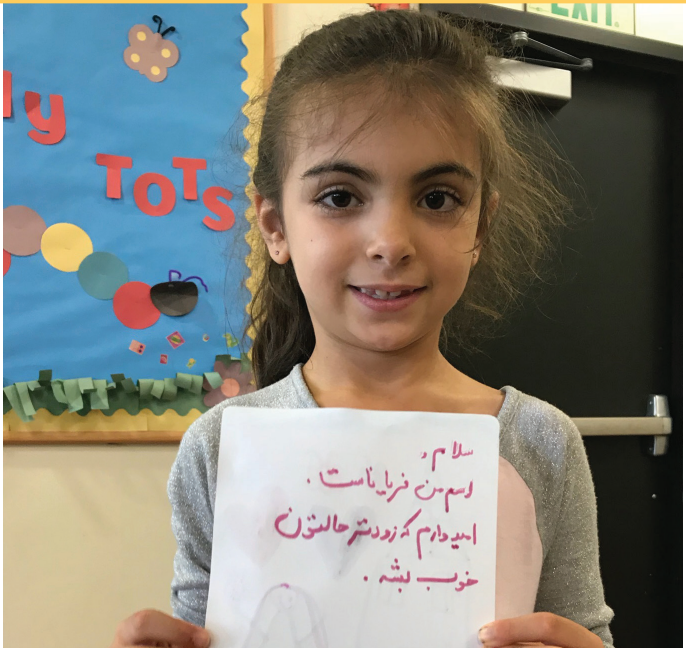
TOTS
سلام ،
اسم من فریاناست .
امیدوارم که زودتر حالتون
خوب بشه .

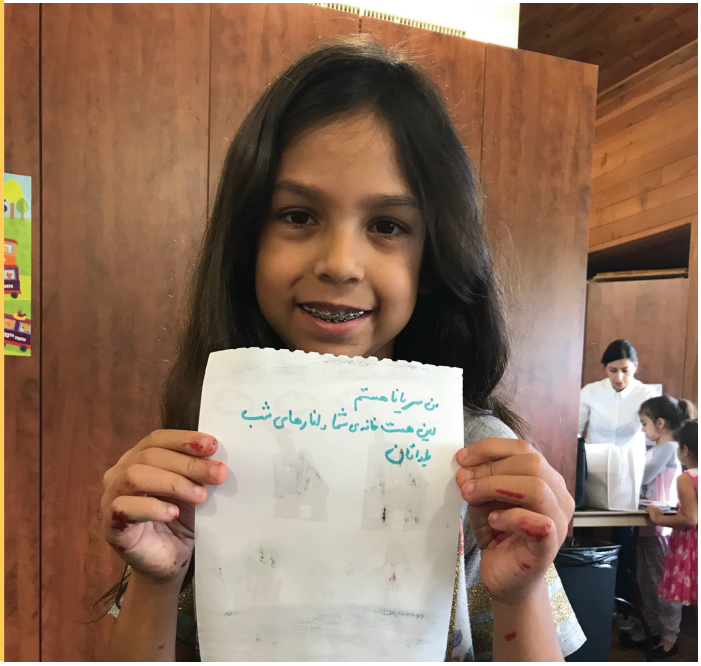
من سریانا هستم
این هست خانه‌ی شما و انارهای شب
بلداتان

سلام ،
اسم من کیاناست
امیدوارم که زودِ زود
خوشحال بشید همتون